



راه دشوار دفاع از حق

نیره انصاری



راه دشوار دفاع از حق

نیروه انصاری
حقوق دان و متخصص حقوق بین الملل



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران
e-collaborative
for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

راه دشوار دفاع از حق

نیره انصاری
حقوق دان و متخصص حقوق بین الملل

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

بهار ۱۴۰۴

© E-Collaborative for Civic Education 2025

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندهای دانی که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکرارگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شده توانا: آموزش‌شده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نويسي، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

- ۷ فصل نخست: تاریخچه قانون استقلال کانون وکلا، پیش از ۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ خورشیدی
- ۴۳ فصل دوم: تاریخچه روز جهانی وکلای در معرض خطر
- ۵۶ فصل سوم: اسناد بین‌المللی و حقوق بشر در پرتو دادرسی عادلانه
- ۷۷ ضمیمه یک: سند اصول اساسی نقش وکلا (مصوب سازمان ملل)
- ۸۷ ضمیمه دو: منشور اساسی اصول حرفه‌ای اتحادیه اروپا درباره وکلای اروپایی
- ۹۵ ضمیمه سه: گزیده‌ای از آیین‌نامه وکلای دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا

فصل نخست تاریخچه قانون استقلال کانون وکلا، پیش از ۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ خورشیدی

تاریخچه وکالت در ایران

می‌توان گفت به طور کلی پیدایش حرفه وکالت از زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار یکدیگر بوده است، زیرا انسان‌ها پس از نخستین تجربه اجتماعی دریافتند که برای حل اختلافات و مشکلات، به وجود یک داور نیاز دارند و به این ترتیب شغل وکالت شکل گرفت. اگرچه در زمان‌های گذشته با نام‌های دیگر وجود داشت.

در ایران نیز تحولات عظیم اجتماعی رخ داده در اروپا اثربخش شد و مکمل ندای آزادی‌خواهی مردم گردید تا سرانجام در سال ۱۲۸۵ خورشیدی انقلاب مشروطه به وقوع پیوست و تحولات اجتماعی فراوانی به بار آورد، من جمله عدلیه ایجاد گردید و قوانین و قواعد جدید با نگاهی به تحولات اروپا تصویب شد و به موقع به اجرا درآمد.^۱

در حقیقت با انقلاب مشروطه و الزام حاکمیت قانون و تفکیک قوا و نیز ورود ایران به جامعه جهانی، اداره کشور با مصوبات قوه قانون‌گذاری یا قوه مقننه انجام می‌گرفت. وکالت تا

۱ تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، ج ۱، چاپ سیزدهم ۱۳۵۶، و همان کتاب، ج ۲، چاپ چهاردهم ۱۳۵۷، چاپ و صحافی چاپخانه سپهر، تهران.

این تاریخ از قانونمندی و بیژهای، همچون قضاوت بر خوردار نبود. بدیهی است هنگامی که برای رفع اختلافات مردم، زور و قدرت جای خود را به تصمیم قاضی داد، لزوم حضور وکیل در کنار قاضی ضرورت یافت. به دیگر سخن در این عصر آشنایی‌های جدی با مدنیت و فرهنگ غربی نیز مفاهیم کلمات و ترکیبات کهن را دستخوش تحول و دگرگونی کرد. همچون «مجلس»، «قانون»، «حقوق»، «وکیل» و بسیار کلمات دیگر.^۱ تا تاریخ استقرار مشروطیت، قضاوت و دادرسی، تحت نظارت روحانیون بود و عموم مراعاتات مردم نزد مجتهدین و مراجع شرعی مطرح و مورد حل و فصل قرار می‌گرفت و مجتهدین در شهرهای مختلف وکلایی را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم و نیز رفع ترافع معرفی می‌کردند. ملاک قضاوت در این برهه زمانی، اصول فقهی و استنباط احکام شرعی و فتاوی‌ای علما بود و وکلای حاضر در جلسه دادرسی، به مفهوم آن زمان، باید قدرت توسل به مبانی فقهی و شرعی می‌داشتند. اما به هر حال، وکلا به‌نحو تام و تمام، جزئی از تشکیلات قضایی شده بودند؛ زیرا وکلا توسط قوای قضاییه و اجرائیه انتخاب می‌شدند و تحت نظر این قوا فعالیت می‌کردند. همچنین قوه قضاییه بر تمامی اعمال آنان حتی نحوه دفاع ایشان دخالت مستقیم و نظارت مستمر داشت.^۲

مرحوم «حسن پیرنیا» - که خود تحصیل کرده علم حقوق در روسیه آن زمان بود - به عنوان وزیر دادگستری تعیین شد و در جهت صیانت امر وکالت و تشخص وکیل دادگستری در سال ۱۲۸۷ کمیسیون تنقیح قوانین را تشکیل داد.^۳ وظیفه این کمیسیون ترجمه قوانین خارجی و تهیه دستورالعمل‌های دادستانی - که در آن روزگار «اداره مدعی عمومی» نام‌گذاری شده بود - در نظر گرفته شد. در همین راستا نخستین مجمع وکلای دادگستری در تیرماه سال ۱۳۰۰ تشکیل گردید.^۴ هرچند این مجمع هیچ گونه استقلالی برای جامعه وکالت به ارمغان نیاورد و تنها واسطه بین وکلا و وزارت عدلیه تلقی گردید. در

۱ قانون محاکمات حقوقی، حسن پیرنیا؛ تاریخ ایران باستان، حسن پیرنیا، ج ۱، ص ۶، ۱۳۶۲، دنیای کتاب، تهران؛ مشروطه ایرانی، ماشالله آجودانی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۹، چاپ چکاد.

۲ اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، فریدون آدمیت، چاپ اول، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹، صص ۱۶۲-۱۵۹؛ مشروطه ایرانی، ماشالله آجودانی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۹، چاپ چکاد.

۳ کمیسیون تنقیح قوانین، ۱۲۸۷، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بخش تاریخ حقوقی در ایران.

۴ مجمع وکلای دادگستری نخستین نهاد وکالت در ایران بود که نخستین نشست آن سال ۱۳۰۰ در وزارت عدلیه برگزار شد و هیئت مدیره مجمع وکلای رسمی برگزیده شدند. منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بایگانی ۱۲/۰۴/۲۰۲۰. همچنین نگاهی کنبد به تاریخچه کانون وکلای دادگستری ایران، پایگاه خبری اختیار، ۱۲/۰۴/۲۰۲۰.

حقیقت در آن سال نخستین نهاد وکالت در ایران آغاز به کار کرد. دو ماه بعد نیز نظامنامه داخلی مجمع وکلا تنظیم و به وزارت عدلیه پیشنهاد گردید که در ۱۲ آذر همان سال به تصویب وزیر عدلیه برسد. در این نظامنامه دو هیئت برای وکلا در نظر گرفته شد؛ هیئت مدیره و هیئت عمومی. اداره مجمع وکلا بر عهده هیئت مدیره قرار گرفت و جلسات هفتگی با موضوعاتی همچون قرائت قوانین موضوعه، حل مسائل مشکله قضائی و شور در مسائلی که هیئت مدیره صلاح دانسته، از مهم‌ترین وظایف هیئت عمومی بود. اما در واقع با تمهیداتی که نظامنامه مجمع پیش‌بینی نموده بود و اقداماتی که وکلا در این مجمع به عمل آوردند، در واقع در سال ۱۳۰۰ نخستین سنگ بنای استقلال کانون نهاده شد. اما پس از چند سال این مجمع به لحاظ تحولات سیاسی و اجتماعی آن زمان منحل شد. در دوره وزارت عدلیه «علی‌اکبر داور» پس از انحلال عدلیه تهران و شهرستان و تاسیس محاکم تازه، مقررات تازه‌ای در خصوص وکالت وضع شد. با تشویق و همکاری وی در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۰۹ کانون وکلای عدلیه با حضور وکلا و به وسیله علی‌اکبر داور، رسماً افتتاح شد و داور که وزارت عدلیه را بر عهده داشت به عنوان رئیس کانون وکلا برگزیده شد. کانون وکلا در قسمت جنوبی خیابان «باب همایون» به طور رسمی افتتاح شد. در آن روزها وکلا و کانون وکلا زیر نظر وزارت عدلیه قرار داشتند و یکی از ادارات وزارت عدلیه به نام اداره احصائیه و امور قضایی، مسئول امور مربوط به وکلا و صدور پروانه آن‌ها بود. شش سال بعد در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۱۵، کانون وکالت به تصویب رسید و به موجب ماده ۱۸ آن، برای کانون وکلا شخصیت حقوقی در نظر گرفته شد: «کانون وکلا موسسه‌ای ست دارای شخصیت حقوقی، از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل می‌باشد.»^۱

تاریخ تحولات وکالت در ایران در سه دوره متفاوت

الف - وکالت پیش از تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در

سال ۱۳۳۱ خورشیدی

پیش از انقلاب مشروطیت دعاوی به وسیله روحانیون حل و فصل می‌شد و افرادی نیز

۱ پس از انحلال مجمع وکلای رسمی در سال ۱۳۰۰، در آبان ۱۳۰۹ کانون وکلای عدلیه با حضور وکلا به وسیله علی‌اکبر داور به طور رسمی افتتاح شد. منبع: وکلای مدافعان امین حقوق شهروندان، روزنامه اطلاعات، بایگانی‌شده از اصلی در ۱۳۷۰/۴/۲۰.

بدون تقید به ضوابط و تشریفات خاص به دفاع از حقوق افراد در این دادگاه‌های شرعی می‌پرداختند و چون شرط اساسی انجام این وظیفه دانش و معلومات و سخن‌دانی و نویسندگی بود از بین آشنایان به علوم قدیمه اشخاصی پیدا شدند که به این کار اشتغال ورزیدند و چون قضاوت بر مبنای اصول فقهی و استنباط احکام شرعی بود، بنابراین وکلا نیز با توسل به مبنای فقهی و فلسفی و گاه با شعر و ادب از موکلین خود دفاع می‌کردند. در سال ۱۲۴۵ تهیه قوانین جدید از طریق ترجمه قوانین خارجی آغاز شد. پس از آن دادگاه‌های جدید تاسیس شدند و قضات و دادستان‌ها کار خود را آغاز کردند. پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، مظفرالدین شاه نخستین قانون اساسی ایران را که در دوره اول مجلس تنظیم شده بود، در ۸ دی ۱۲۸۵ امضا کرد و ناگزیر، صدور فرمان تاسیس عدالت‌خانه را اعلام کرد.

با تاسیس عدالت‌خانه و تشکیل دادگاه‌های رسمی، فصل جدیدی در باب وکالت دادگستری شروع شد. در سال ۱۳۱۴ نخستین نظام‌نامه وکالت به تصویب رسید و مقرر شد وکلا برای وکالت در محاکم باید در امتحانات وکالت شرکت کنند.^۱ در تعریف قانون وکلا، برابر این قانون آمده بود: «...کانون وکلا موسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی، از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل است.» با تاسیس عدالت‌خانه و تشکیل دادگاه‌های رسمی فصل جدیدی در خصوص وکالت دادگستری شروع شد. نخستین بار در ایام وزارت مرحوم حسن پیرنیا برای نظم‌بخشی به حرفه وکالت، دستورالعملی تهیه شد اما این دستورالعمل اجرا نگردید.

با تصویب قانون محاکمات حقوقی و پس از آن قانون اصول تشکیلات عدلیه، نخستین مقررات قانونی درباره وکالت تدوین و تصویب شد و برای نخستین بار عبارت «وکلا» رسمی «به قانون راه یافت.

به موجب قانون یادشده، وکیل پس از احراز شرایط باید در جلسه اداری دادگاه استان سوگند یاد می‌کرد و اشتغال به وکالت در شهر تهران منوط به تصویب وزیر عدلیه و در ولایات منوط به تصویب رئیس محکمه استیناف بود. وکالت، که تا آن روز شرط و قید ویژه‌ای نداشت و همه می‌توانستند وارد این حرفه شوند، مورد نظر کمیسیون تنقیح قوانین

۱ نخستین نظام‌نامه وکلا در ۱۴ شهریور ۱۳۱۴ به طور رسمی و با عنوان قانون وکالت به تصویب رسید. منبع: کانون وکلای دادگستری مرکز، بایگانی، دریافت‌شده ۱۲/۰۴/۲۰۲۰ و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قرار گرفت تا از ورود افراد بی اطلاع از رموز وکالت که باید هم سطح قضات، در زمان وزارت ذکاءالملک فروغی، اداره «تنقیح قوانین، قانون اصول تشکیلات عدلیه» را به کمک سید حسن مدرس، از تصویب کمیسیون تنقیح قوانین می گذرانند، جلوگیری شود. به موجب این قوانین وکلا موظف شدند برای شرکت در جلسات دادگاه، آزمون وکالت داده و پروانه وکالت یا تصدیق نامه وکالت دریافت کنند. قانون وکالت در شهریور ۱۳۱۴ مشتمل بر ماده ۵۵ به تصویب رسید و در آن تاسیس کانون وکلا پیش بینی شد اما در آغاز اجرا، قانون مزبور مورد مخالفت وزیر وقت عدلیه، سید محسن صدر، قرار گرفت و اجرایش متوقف ماند با ابتکار احمد متین دفتری قانون وکالت در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ مشتمل بر ۵۸ ماده به تصویب رسید. در این قانون برای نخستین بار کانون وکلای دادگستری دارای شخصیت حقوقی شد.^۱ اگرچه از حیث نظامات، همچنان تابع وزارت عدلیه و تعیین هیئت مدیره آن در اختیار وزارت دادگستری بود بالاخره، در سال ۱۳۳۱ و در زمان نخست وزیری دکتر محمد مصدق لایحه پیشنهاد شده کانون وکلا با اصلاحاتی به عنوان «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» به امضای رئیس دولت رسید.^۲

افزون بر این، مفهوم وکیل پایه یک دادگستری در ایران از زمان تصویب قانون وکالت در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ (نخستین قانون جامع وکالت در ایران) تحت عنوان وکیل درجه اول عدلیه به کار رفت. پیش از تصویب قانون وکالت، در اصول تشکیلات عدلیه (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷)^۳ و قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۴) درباره نحوه اشتغال به وکالت و درجات وکالت دادگستری - اعم از وکیل درجه ۳ دادگستری، وکیل درجه ۲ دادگستری، وکیل درجه ۱ دادگستری و وکیل اتفاقی یا کارگشایان دادگستری - سخن رفته بود.^۴

پیش از لایحه قانونی استقلال، نه تنها اعضای هیئت مدیره را وزیر عدلیه تعیین

۱ قانون وکالت در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ مشتمل بر ۵۸ ماده به تصویب رسید. منبع: حسن محسنی، ۱۳۹۳، وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام های حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲ در سال ۱۳۳۱، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به امضای رئیس دولت وقت رسید. منبع: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ۲۴ فروردین ۱۳۹۵؛ و درآمدی بر تاریخ کانون وکلای دادگستری از آغاز تا ۱۳۷۶، عبدالرضا دیوسالار، کانون وکلای دادگستری مرکز، تهران، شماره ۳، نشر مسافر، شناسنامه و تاریخچه.

۳ اصول تشکیلات عدلیه، (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷)، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، بایگانی، دریافت ۱۲/۰۴/۲۰۲۰.

۴ قانون وکالت ۱۳۱۴ در خصوص نحوه اشتغال به حرفه وکالت و درجات وکالت در دادگستری.

می‌کرد و ریاست کانون بر عهده وزیر بود بلکه به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه (مصوب خرداد ۱۳۲۰) روسا و اعضای شعب کانون به پیشنهاد هیئت مدیره و بنا به تصمیم وزیر دادگستری تعیین می‌شدند و باز هم اراده و نظر وزیر دادگستری در انتخاب و تعیین آنان موثر بود. ابلاغ اشتغال آن‌ها نیز از طرف وزیر صادر و اعطا می‌گردید.^۱

فراتر از تصویب قانون وکالت بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد، قانون مدنی ایران، که دارای ۱۳۳۵ ماده بوده و در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ به تصویب رسید، مهم‌ترین منبع حقوق مدنی در ایران است که با تکیه بر فقه مذهب تشیع و تاثیرپذیری از قانون مدنی کشورهای فرانسه، سوئیس و بلژیک به تدوین رسیده است. عقد وکالت در فقه و حقوق ایران عبارت از عقد جایزی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب (جانشین) خود قرار می‌دهد. وکالت‌دهنده را مَوکَل و وکالت‌گیرنده را وکیل می‌نامند. وکالت در لغت به معنای واگذار کردن، اعتماد و تکیه کردن است و بر این اساس بر پایه ماده ۶۵۶ قانون مدنی: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌کند.» همچنین وکالت عقدی است جایز، یعنی هر کدام از طرفین هر وقت که بخواهد می‌تواند عقد را بر هم بزند. یعنی وکیل استعفا دهد یا موکل، وکیل را عزل کند. عقد جایز به فوت، جنون و سفه هر کدام از طرفین نیز از بین می‌رود و منحل می‌شود.^۲

ب- از لایحه قانونی استقلال تا بهمن ۱۳۵۷

لایحه استقلال کانون وکلا در ۲۴ خرداد ۱۳۳۲ به کمیسیون دو مجلس سنا و شورای ملی تسلیم و سرانجام در ۵ اسفند ۱۳۳۳، کمیسیون مشترک دو مجلس سنا و شورای ملی، استقلال کانون وکلا را با ۸۹ ماده و دو تبصره تصویب نمود. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ که منجر به سقوط دولت محمد مصدق شد، کمیسیونی متشکل از نمایندگان مجلس سنا و مجلس ملی تشکیل شد تا قوانینی را که توسط دکتر مصدق به تصویب رسیده بود، از جمله قانون استقلال کانون وکلای دادگستری، مجدداً مورد بررسی قرار دهد. این

۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه (مصوب خرداد ۱۳۲۰)، کانون وکلای دادگستری ایران، بایگانی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

۲ تصویب قانون مدنی ایران طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ مشتمل بر ۱۳۳۵ ماده.

کمیسیون قانون استقلال را با تغییرات جزئی در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۳۳ دوباره تصویب نمود و متعاقباً نخستین انتخابات هیئت مدیره به استناد قانون تازه، برگزار شد. این قانون در ۲۱ فروردین ۱۳۳۴ به منظور اجرا به همه نهادهای حقوقی ابلاغ گردید. از آن زمان، حداقل تا پیش از سال ۱۳۵۷ قانون وکلا به عنوان یک نهاد مستقل فعالیت کرد و در سال ۱۹۶۸ میلادی به عضویت قانون وکلای بین‌المللی در آمد.^۱

دکتر محمد مصدق، که خود یک حقوق‌دان بود، با استفاده از اختیاراتی که مجلس به وی داده بود لایحه قانونی استقلال قانون وکلا را تصویب کرد. در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۳۳ وزیر عدلیه شخصاً قانون استقلال را به رئیس وقت قانون وکلا، سید هاشم وکیل، ابلاغ کرد و دوران استقلال قانون آغاز شد. بر این اساس جامعه وکلا از انقلاب مشروطه تا حضور دولت محمد مصدق، به تدریج از وابستگی صدرصد به دادگستری، به استقلال واقعی رسید. در این مسیر نام‌های حسن پیرنیا، حسن مدرس، علی‌اکبر خان داور، محمد مصدق و سید هاشم وکیل در تاریخ مبارزاتی جامعه وکالت تا همیشه باقی خواهد ماند. به حکم قانون استقلال، نظارت دولت و دادگستری بر قانون وکلا خاتمه یافت و قانون وکلا مستقل شد. ماده یک قانون استقلال تصریح می‌کند: «دادگستری موسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقرر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.» بنابراین، به قانون وکلا شخصیت حقوقی اعطا شد و مقرر شد که قانون به وسیله هیئت مدیره‌ای که مرکب از ۱۲ تن عضو اصلی و ۶ تن عضو علی‌البدل بود - که از بین وکلای دادگستری به وسیله وکلا انتخاب می‌شوند - و هیئت مدیره، از بین اعضای خود یک تن رئیس و دو تن نایب رئیس و دو منشی و دو بازرس برای مدت یک سال انتخاب نماید.

بر اساس لایحه قانونی استقلال قانون وکلا:

- ارکان قانون عبارت شد از: ۱. هیئت عمومی، ۲. هیئت مدیره، ۳. دادسرای انتظامی وکلا و ۴. دادگاه انتظامی وکلا.
- انتخاب اعضای هیئت مدیره و رئیس قانون وکلا در اختیار وکلای دادگستری قرار گرفت.

۱ تسلیم لایحه استقلال قانون وکلا در ۱۴ خرداد ۱۳۳۲ به کمیسیون دو مجلس سنا و شورای ملی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ و عبدالرضا دیوسالار، درآمدی بر تاریخ قانون وکلای دادگستری از آغاز تا ۱۳۷۶، قانون وکلای دادگستری مرکز، تهران، شماره ۳، نشر مسافر، شناسنامه و تاریخچه.

- امور مالی کانون کاملاً در اختیار و زیر نظر وکلا شد.
- اعطای پروانه وکالت و الغای آن صرفاً به هیئت مدیره انتخابی محول گردید.
- رسیدگی به تخلفات وکلا از طریق دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا به عهده وکلا گذاشته شد.
- امتحان و اختیار و آزمایش وکلا به خود وکلا واگذار شد.
- تعیین وکیل تسخیری و معاضدت جزو وظایف کانون وکلا مقرر گردید.
- نظارت بر اعمال و رفتار اجتماعی و حرفه‌ای وکلا بر عهده کانون وکلا قرار گرفت.
- به عنوان مثال مقرر شد وکلا در سیاست دخالت نمایند و سیاست نیز در امور وکلا مداخله نکند.
- وسایل پیشرفت علمی و عملی و معنوی در پیشرفت امر وکالت مبادله اطلاعات و تجربیات نمایند.

از این بیش کانون دارای کمیسیون‌هایی برای کارآموزی، معاضدت قضایی و آموزش، بین‌المللی، طرح و برنامه و موارد دیگر شد که تعداد آن‌ها به بالغ بر ۲۵ کمیسیون رسید.^۱ نخستین گامی که پس از استقلال برداشته شد (با استفاده از ماده ۲۲ لایحه قانونی) تصفیه وکلای دادگستری بود. در سال ۱۳۳۴ دادسرای انتظامی وکلا به پرونده کلیه وکلای شاغل رسیدگی کرد و مدت ۶ ماه در مرکز و یک سال در سایر نقاط کشور به این رسیدگی ادامه داد و ادعای علیه وکلایی که سوابق کار آنان پسندیده نبود و به نظر دادسرای انتظامی وکلا صلاحیت ادامه شغل وکالت نداشتند صادر نموده و به دو شعبه دادگاه که از وکلای عدلیه تشکیل شده بود، ارسال داشت. دادگاه‌های تصفیه با تحقیق و رسیدگی، تعداد ۳۸ تن از وکلا را سلب صلاحیت نمودند. از زمان رای دادگاه انتظامی وکلا، وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلا و وکیل محکوم، حق تجدیدنظر داشتند که مرجع رسیدگی تجدیدنظر، دادگاه عالی انتظامی قضات تشخیص داده شد.^۲

پس از تاسیس کانون وکلا و پیش از تصویب قانون استقلال، جرج موریس - رئیس

۱ تصویب قانون استقلال کانون وکلا در ۷ اسفند ۱۳۳۳ در زمان دولت دکتر محمد مصدق.

۲ داور و عدلیه، علی‌اکبر داور و نقش او در تاسیس دادگستری نوین، باقر عاقلی، ۱۳۶۹، نامک، تهران، ص ۴۰۲؛ و آیین دادرسی مدنی پیشرفته، عبدالله شمس، ۱۳۹۱، دراک، تهران، ص ۵۴۰.

وقت کانون وکلای بین‌المللی - از ایران دیداری داشت و در دیداری که با سید هاشم وکیل، رئیس وقت کانون وکلا، داشت درباره نحوه انتخاب وکلا و صدور پروانه آن‌ها پرسش کرد. وقتی شنید که وزارت عدلیه مسئول انتخاب وکلا است پاسخ داد: «پس هنوز صغیر و نیازمند قیم هستید. زمانی با هم صحبت می‌کنیم که به بلوغ رسیده باشید». این سخنان اشاره‌ای آشکار و گزنده به عدم استقلال کانون وکلا بود که برای مدیران کانون وکلا بسیار سنگین بود و آن‌ها را ترغیب کرد برای کسب استقلال، تلاش بیشتری به عمل بیاورند.^۱

طی ۲۵ سال تا ۲۰ خرداد ۱۳۵۷ که آخرین انتخابات کانون پیش از وقوع انقلاب ۵۷ برگزار شد، دوازده عضو اصلی و شش عضو علی‌البدل هیئت مدیره به طور مرتب و بدون هیچ مداخله‌ای از طرف دادگستری انتخاب می‌شدند. همچنین، قانون استقلال به کانون وکلا صلاحیت انحصاری برای صدور و ابطال پروانه وکالت بدون دخالت دادگستری اعطا کرد و دادگاه انتظامی و دادستان انتظامی وکلا، مسئول رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای وکلا شدند. همچنین برای حفظ استقلال وکلا و جلوگیری از تعقیب وکلا توسط دادگستری، مواد ۱۵ و ۱۶ قانون وکالت را مقرر کردند.

ماده ۱۵: «در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان یا رییس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتبا به دادرسی انتظامی وکلا اطلاع دهند. در صورتی که دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرسی انتظامی وکلا تسلیم نشد راساً از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.»

ماده ۱۶: «هر گاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات، وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدیدنظر کند.»

مسئله قابل توجه در این مواد این است که مسئولین قضایی تنها حق ارجاع پرونده و یا

۱ کانون وکلای ایران: مبارزه برای استقلال، محمد حسین نبیری، مرکز اسناد حقوق بشر ایران.

تجدیدنظرخواهی به دادگاه انتظامی وکلا را دارند. ماده ۱۷ حربه قدرتمند دیگری است که مانع ابطال پروانه وکالت وکلا توسط قوه قضاییه می‌شود.

ماده ۱۷: «از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.»

قانون استقلال، حمایت از وکلا در مقابل مداخله و تعدی حکومت را تضمین نمود و در نتیجه از حق دفاع مردم حفاظت کرد. واضح است که تهیه‌کنندگان این قانون و کسانی که برای تصویب آن تلاش کرده بودند می‌دانستند وکلا بدون استقلال نمی‌توانند نقش حیاتی خود را در سیستم قضایی ایفا کنند.^۱

پ- قانون استقلال کانون وکلا پس از بهمن ۱۳۵۷ تا کنون

در حقیقت پس از بهمن ۱۳۵۷ به دلیل تصورات غیراصولی و برخلاف قانون، کانون وکلا به صورت انتصابی [توسط قوه قضاییه] اداره می‌شد. از دیگر فراز، جمهوری اسلامی تنها یک سال پس از استقرار به مبارزه علنی با کانون وکلا پرداخت. زیرا که نمی‌خواست وکلای دادگستری در محاکمه‌ها و پرونده‌های سیاسی دخالت کنند. حکومت اسلامی در سال ۱۳۵۹ ابتدا مانع از برگزاری انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا شد. افزون بر این جمعیت حقوق‌دانان ایران در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۵۸ ششمین جلسه سمینار خواست‌های ملت از قانون اساسی را برگزار نمودند. همچنین به نقل از روزنامه کیهان، در ۱۰ دی ۱۳۵۸، عده‌ای از وکلا و قضات دادگستری نامه‌ای در اعتراض به پاک‌سازی نادرست در دادگستری را به آن روزنامه فرستادند. حتی کانون وکلای دادگستری به مناسبت روز استقلال کانون وکلا، اطلاعیه‌ای در خصوص پایبندی این کانون به اصول دفاع از حق، آزادی و استقرار حاکمیت ملت در ۰۸ اسفند ۱۳۵۸ صادر نمود.

افزون بر موارد یادشده، محمدصادق صادقی گیوی، معروف به صادق خلخالی که نخستین حاکم شرع دادگاه انقلاب پس از سال ۱۳۵۷ در ایران بود، در خرداد ۱۳۵۸ در خصوص نقش وکلا در پرونده‌های کیفری اعلام کرد: «اصولا در دادگاه‌های ما به هیچ وجه شکنجه

۱. چهل سال سرکوب وکلای دادگستری در ایران، تاوان پافشاری بر حاکمیت قانون، بنیاد برومند.

مطرح نبود و کسی را شکنجه نکردیم. از نظر شرعی تنها کسی می‌تواند وکیل بگیرد که لال باشد و نتواند از خودش دفاع کند، اما وکیل گرفتن برای کسی که ما به عنوان مفسد فی الارض محاکمه‌اش می‌کنیم حتی از نظر انسانی هم لزومی ندارد.» نیز روح‌الله خمینی در یک نطق تلویزیونی در فروردین ۱۳۵۸ در پاسخ به اعتراض سازمان‌های حقوق بشری دائر بر نبود تشریفات حقوقی و تعرض به حقوق متهم در نظام قضایی انقلاب اسلامی، گفت: «اصلاً معنی ندارد. محاکمه مجرم امری است مخالف با حقوق بشر...». صادق خلخالی بار دیگر در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ گفت: «دادگاه انقلاب جایی برای وکیل مدافع نیست. زیرا آن‌ها مدام قوانین را تکرار می‌کنند تا وقت تلف کنند و این مسئله از حوصله مردم خارج است.»

همچنین سید محمد بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور، در سال ۱۳۵۹ طی نامه‌ای رسمی به هیئت مدیره کانون وکلا از این نهاد درخواست نمود تا از انجام انتخابات جلوگیری کند. برای این که انتخابات هیئت مدیره کانون هر دو سال یک بار بود و در سال ۱۳۵۹ دوره ماموریت هیئت مدیره کانون وکلا منقضی شده بود. آن‌ها همچنین پروانه وکالت تعداد زیادی از وکلا را تحت عنوان «تصفیه» باطل کردند.^۱

در حالی که ماده ۱۷ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۳) تصریح کرده است که هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت محروم و یا معلق نمود مگر به حکم دادگاه انتظامی وکلا، با این حال پروانه وکالت ۱۴۱ وکیل به درخواست دادستان انقلاب و به حکم حاکم شرع انقلاب ابطال شد.

در سال ۱۳۶۰ اکثریت اعضای هیئت مدیره کانون وکلا را به دلیل مخالفت با تصویب لایحه قصاص دستگیر نموده و برای عده زیادی از وکلا پرونده سیاسی تشکیل دادند. این محرومیت‌ها مبتنی بر اتهاماتی از قبیل حمایت یا ارتباط با حکومت پهلوی و سازمان امنیت (ساواک) و یا داشتن رابطه با ایدئولوژی‌های ضد انقلاب مانند بهائیت، صهیونیسم، کمونیسم یا امپریالیسم بود و در طی یک دوره شش ماهه در سه مرحله صورت گرفت:

۱ لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاک‌سازی در کانون وکلای دادگستری (مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۵۹)، شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ماده واحده: «به شورای سرپرستی وزارت دادگستری اجازه داده می‌شود به منظور تصفیه و پاک‌سازی در کانون وکلا، هیئتی مرکب از پنج نفر از وکلای دادگستری برای تصویب به شورای انقلاب پیشنهاد کند و تا تصفیه کامل در کانون وکلای دادگستری، انتخابات هیئت مدیره جدید برگزار نمی‌شود و هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری کماکان اختیارات قانونی خود را خواهد داشت.»

۱. در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ پروانه وکالت ۵۷ وکیل دادگستری ابطال شد.
۲. در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۶۲ پروانه وکالت ۳۲ وکیل دادگستری ابطال شد.
۳. در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۶۲ پروانه وکالت ۵۲ وکیل دادگستری ابطال شد.^۱

بر این پایه برخی از مدیران و اعضای کانون وکلای دادگستری در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ بازداشت و چند تن از وکلای نیز اعدام شدند. در سال ۱۳۷۰ در واقعه دیگری، کانون وکلا که در طبقه سوم کاخ دادگستری مستقر بود، از آن محل تخلیه شد و اموال و اسناد آن را در حیاط کاخ دادگستری گذاشتند. پس از آن بسیاری از مدیران کانون وکلا از کشور خارج شده و برخی از آنان توسط حکومت اسلامی ترور شدند و کانون وکلا نتوانست وظایف خود را انجام دهد و حمایت لازم را از اعضای خود به عمل آورد.

در حقیقت، تمام وظایف و کارکردهای کانون از جمله رسیدگی به تخلفات وکلا توسط دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا و نیز فراهم کردن معاضدت قضایی در عمل متوقف شده بود چهار سال پس از تصویب قانون پاک‌سازی، موضوع کانون وکلا مورد توجه شورای عالی قضایی قرار گرفت و تصمیم بر آن شد که انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا برگزار شود. در این رابطه چند تن از وکلا به جلسه شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۳ دعوت شدند، اما به جای برنامه‌ریزی برای انتخابات هیئت مدیره، به طور غیرمترقبه این شورا گودرز افتخار جهرمی، از وکلای حاضر در جلسه که هم‌زمان عضو شورای نگهبان هم بود، را به عنوان سرپرست کانون وکلا انتخاب کرد و دوران سرپرستی قوه قضاییه بر کانون وکلا آغاز شد. اگرچه این انتصاب موجب بازگشایی کانون وکلا شد، اما انتصاب افتخار جهرمی بدین صورت نقض آشکار قانون استقلال کانون وکلا بود که به موجب آن رئیس کانون می‌بایست عضو هیئت مدیره باشد و با رای اعضا انتخاب شود (ماده ۵). از این بیش، رئیس کانون می‌بایست از شرایطی که در قانون بدان تصریح شده بود برخوردار باشد؛ از جمله داشتن ده سال سابقه وکالت (ماده ۴). با این حال آقای افتخار جهرمی لیسانس حقوق خود را تنها ۵ سال پیش از آن تاریخ (در ۱۴ تیر ۱۳۵۸) دریافت کرده بود و فاقد چنین شرایطی بود. با وجود این فقدان مشروعیت، افتخار جهرمی ریاست کانون را برای

۱ ابطال پروانه وکالت ۱۴۱ وکیل در سه دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲، چهل سال سرکوب وکلای دادگستری در ایران، تاوان پافشاری بر حاکمیت قانون، بنیاد برومند.

۱۴ سال پس از آن برعهده داشت. اما با توجه به مشاغل متعدد وی در خارج از کانون، انجام بسیاری از وظایف وی بر عهده معاونش داود فاطمی بود.^۱

در ۳۰ فروردین ۱۳۶۰ نتیجه تحقیق هیئت رسیدگی به وضع زندان‌ها، که گودرز افتخار جهرمی نیز عضو آن بود، از زبان محمد منتظری چنین بیان شد: «نظام حاکم بر بازجویی‌ها و بازپرسی و دادگاه‌ها و زندان‌های ما به هیچ وجه مبتنی بر شکنجه نیست. ... اتهام وارده به روش بازجویی و بازپرسی از طرف یکی از مقامات کشور به هیچ وجه صحیح نیست.» این در حالی است که در همان هنگام شکنجه و بدرفتاری با بازداشت‌شدگان سیاسی و عقیدتی، به‌ویژه در مواردی چون گروه فرقان و سازمان‌های منطقه‌ای کردستان، به گستردگی اعمال می‌شد.

در چنین شرایطی، استقلال کانون و کلاً در عمل بسیار تضعیف شد و در نتیجه کانون و کلاً نتوانست از اعضای خود علیه بی‌عدالتی و نقض گسترده حقوق بشر زیر عنوان اسلام، اعتراض و حمایت کند. با این حال کانون و کلاً فقط در تئوری، یعنی از نظر قانون استقلال کانون و کلاً، مستقل باقی ماند. از این بیش تلاش‌های و کلاً به تدریج موجب تغییر رفتار قضات شد و و کلاً را، حداقل برای پرونده‌های جرایم عادی - یعنی جرایمی به جز جرایم علیه امنیت ملی و آن‌هایی که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌گرفتند - پذیرفتند.

سال ۱۳۶۹ لایحه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی توسط ۸۴ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شد که نسبتاً در احیای نقش و کارکرد وکالت در ایران نقش مهمی ایفا کرد. به موجب این لایحه، تمام دادگاه‌ها و مراجع قضایی موظف به پذیرش و کلاً و همکاری با آن‌ها بودند. در واقع پس از بهمن ۱۳۵۷ و در سال ۱۳۵۹ هیئت مدیره انتخابی کانون وکلای دادگستری مرکز منحل گردیده و مقرر شده بود ظرف شش ماه هیئت پاک‌سازی نسبت به تصفیه «وکلاهای وابسته به رژیم سابق» اقدام نماید. پس از مدتی اداره کانون به مدت ۱۶ سال کلاً تحت مدیریت سرپرست انتصابی قوه قضاییه در آمد. پس از بهمن ۱۳۵۷ گزینش و کلاً به صورت تعلیق در آمد و این وضعیت تا سال ۱۳۷۲ ادامه داشت که در این سال، نخستین آزمون سراسری کانون و کلاً پس از بهمن ۱۳۵۷ برای متقاضیان اخذ پروانه وکالت برگزار شد. بر این اساس کانون وکلای دادگستری از بدو

۱ این وضعیت همواره در سال‌های بعد نیز ادامه داشت. از جمله در سال ۱۳۹۲ گودرز افتخار جهرمی، رئیس وقت کانون وکلای مرکز، گفت: «پشت قدم‌های رهبری قدم بردارند و به هر چیزی که رهبری فرمود عمل کنند».

مستقرشدن جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۷۶ به نحو انتصابی اداره می‌شد. در فروردین ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت را تصویب نمود. به موجب این قانون مداخلات قوه قضائیه در امور کانون و وکلای دادگستری به شدت افزایش یافت

ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و آیین‌نامه اجرایی آن

افزون بر این در سال‌های بعد نیز این قبیل تضيیقات و محدودیت‌ها ادامه داشت تا این‌که در جریان اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ در مجلس شورای اسلامی) عملاً نهادی موازی با کانون وکلای دادگستری توسط قوه قضائیه ایجاد شد. تلقی برخی مقامات و صاحب منصبان قضائی کشور در سال‌های اخیر آن بوده است که با استقلال وکیل دادگستری مخالفتی ندارند حتی آن را تایید هم می‌نمایند، اما استقلال تشکیلات اداری و انتظامی وکلا به نحوی که در حال حاضر در کانون وکلا متجلی است را صلاح ندانسته و در واقع در عمل نشان داده‌اند که در صدد انحلال کانون وکلا بوده و هستند. بدین منظور یک بار با پیشنهاد طرحی با عنوان طرح ساماندهی خواستار ادغام کانون وکلا با مرکز امور مشاوران موضوع ماده ۱۸۷ شده و به صراحت اعلام می‌دارند ایجاد سازمان جدیدی زیر نظر قوه قضائیه را تدارک می‌بینند که این طرح با مخالفت جدی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مواجه و از دستور کار خارج و بایگانی گردید و یک بار با مطرح‌نمودن لایحه قانونی وکالت رسمی دادگستری شکل ظاهری کانون وکلا را نگه داشته اما به نحوی که قوه قضائیه مستقیم و غیرمستقیم در تمامی امور کانون امکان مداخله داشته باشد. این لایحه نیز پس از اصلاحات به‌عمل آمده توسط کمیسیون‌های مربوطه در هیئت دولت توسط قوه قضائیه مسترد گردید. در حقیقت نهاد قضایی بر آن شد که خود راسا برای دانش‌آموختگان حقوق، پروانه مشاوره و وکالت صادر کند و مرکزی را تحت عنوان «مرکز وکلا، کارشناسان و مشاورین قوه قضائیه» راه‌اندازی کرد. این مرکز نمایندگی‌هایی هم در استان‌های مختلف دارد. به این گروه از وکیل‌ها، وکلای قوه قضائیه، یا در اصطلاح عام «وکلاهای ماده ۱۸۷» گفته می‌شود. در حقیقت این اقدام قوه قضائیه نیز از همان آغاز مورد انتقاد آن دسته از حقوق‌دانانی بوده است که دادرسی عادلانه را مستلزم داشتن کانون وکلایی مستقل از دستگاه قضایی می‌دانند. با وجود نهادهای موازی به دلیل موازی‌کاری موجود، در حال

حاضر در ایران دو نوع وکیل دعاوی وجود دارد که زیر پوشش دو تشکیلات کاملاً متفاوت فعالیت دارند. آنان که مجوز فعالیت خود را مستقیماً از قوه قضائیه گرفته‌اند، تشکیلات قضایی را برای صدور پروانه وکالت دارای اختیارات قانونی می‌دانند.

بخشی از متن ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی

به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضائی و حفظ حقوق عامه، به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تاسیس موسسات مشاور حقوقی برای آنان اقدام نماید.

حضور مشاوران مذکور در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امور وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود. تأیید صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری نیز به طریق فوق امکان‌پذیر است. آئین‌نامه اجرایی این ماده و تعیین تعرفه کارشناسی افراد مذکور به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.^۱

به مسلخ رفتن حق دفاع توسط نظام فقهانی با تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری

بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد، طی این سالیان چالش‌های فراوانی بین کانون وکلای دادگستری و نهادهای قانونی موجود بوده است. از دیگر تجاوزات جمهوری اسلامی، به‌ویژه قوه قضائیه، همانا اعلام اسامی ۲۰ تن از وکلای گزینشی این قوه در اردیبهشت ۱۳۹۷ (آوریل ۲۰۱۸) است؛ یعنی اصلاح تبصره ذیل ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری است. این ماده تصریح می‌دارد: «در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ... در مرحله تحقیق مقدماتی، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید قوه قضائیه باشند انتخاب می‌کنند.»

افزون بر اعلام فهرست اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد اعتماد قوه قضائیه برای وکالت در پرونده‌های سیاسی و امنیتی در تهران، به برخی وکلا اعلام شد که مطلقاً حق پذیرش

۱ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی (مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹) و ماده ۱۸۷ آن و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ که مشتمل بر ۲۸ ماده است. (مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۸۱).

وکالت و ورود به برخی پرونده‌ها را ندارند. مانند درآویش گنابادی و بسیار از زندانیان سیاسی عقیدتی. از طرف دیگر در یک مورد دادگاه انقلاب تهران در جلسه محاکمه شماری از درویشان بازداشت‌شده، استناد به اقرارنامه‌هایی کرد که برخی از این درآویش آن‌ها را جعلی خواندند و اعلام کردند که مقامات دادسرای امنیت و زندان تهران بزرگ «برگه‌های سفیدی» در اختیار آن‌ها قرار داده و به بهانه تفهیم اتهام و به صورت «اجباری» از آنان امضا گرفته‌اند. این مشتی نمونه خروار است که نشان می‌دهد اتفاقاً این پرونده‌های امنیتی و سیاسی پرونده‌های مهمی هستند. در این پرونده‌ها شاکی یا نیروهای امنیتی است یا نیروهای اطلاعاتی و یا خود دادستان. بنابراین اگر قرار باشد که هم شاکی آن‌ها باشند، هم رسیدگی به پرونده توسط این نهاد صورت گیرد و وکیل هم منتخب خود آن‌ها باشد، عملاً هیچ مفری برای متهم نمی‌ماند و جایگاه حق دفاع هم متزلزل شده و از بین می‌رود. در پرونده‌های امنیتی و سیاسی خواست دستگاه حاکم بر این است که افراد را به هر نحوی که می‌خواهند مورد محاکمه قرار دهند و علاقه‌مند نیستند که اطلاعاتی از محتویات پرونده یا مدافعات متهم به بیرون درز کند و مسئولان نگران بوده‌اند که اگر این اطلاعات به بیرون منتقل شود با اقدامات خودسرانه‌شان منافات خواهد داشت. بنابراین ترتیبی داده شد تا تنها وکلای مورد اعتمادی که بر اساس خواست و دیدگاه حاکمیت عمل می‌کنند اجازه دسترسی به این قبیل پرونده‌ها و محاکمات را داشته باشند.

بدین اعتبار با توجه به انتشار لیست غیررسمی اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد وثوق رئیس قوه قضاییه، می‌توان بیان داشت که اساساً اصل تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری چندین اشکال اساسی و بنیادی دارد:

- از نگاه قضایی اجرای این تبصره برای رئیس قوه قضاییه تکلیفی ایجاد می‌کند که بر اساس آن باید از میان تعداد کثیری از وکلا تعدادی را برای این لیست انتخاب نماید

- از منظر نهاد وکالت نیز داشتن پروانه وکالت برای هر وکیلی به منزله احراز صلاحیت اوست. در نتیجه همه وکلا صلاحیت لازم را در امر وکالت دارا هستند و هیچ استثنایی بر این قاعده وجود ندارد. البته در جرایمی مانند جرایم تروریستی و جرایمی که منافع کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، شخصی که در مظان اتهام است می‌تواند به مدت ۲۴ ساعت به تنهایی مورد بازجویی قرار گیرد و در برخی سیستم‌های قضایی دیگر کشورها وجود دارد. البته در بسیاری از کشورها متهم از همان ابتدای بازجویی

حق داشتن وکیل را داراست. به نحوی که در زمان غیبت وکیل می‌تواند از پاسخ به پرسش‌های بازجو سرباز زند. اما این‌که بین وکلا تبعیض قائل شوند نه در جایی سابقه دارد و نه با اصول حقوقی سازگار است. از این بیش تقسیم وکلا به خودی و غیر خودی یکی از بزرگ‌ترین ستم‌ها در حوزه وکالت در ایران شمرده می‌گردد.

- این تبصره به حقوق اساسی شهروندان نیز لطمه وارد می‌کند؛ زیرا به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها، طرفین و اصحاب دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند.» بدین اساس وکالت رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد است و شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند که این مهم یکی از نشانه‌ها در امر انتخاب و آزادی در حق انتخاب است و انتخاب زمانی آزادانه خواهد بود که موکل بتواند از میان وکلای موجود، وکیل مورد نظر خود را برحسب شناخت، تخصص، تعهد و تبحر برگزیند. فراتر از این اگر قرار باشد شهروندان از میان وکلا تعداد معدودی حق انتخاب داشته باشند، حق شهروندی آنان به‌درستی استیفا نمی‌شود.

- از دیگر ایرادها تبعیض ایجادشده میان وکلا است که این امر خود موجب ایجاد رانت بزرگی بین این افراد خواهد گشت. نیز به استناد اصل معتبر حقوقی «اصل برائت»، اساساً وکیل دادگستری با توجه به داشتن پروانه وکالت، دانای حقوق بوده و حق وکالت و ورود به هر پرونده‌ای را بر مبنای قانون دارد. پس انتخاب‌گزینشی وکلا از میان جامعه وکالت نمی‌تواند به دلیل «فقدان معیار و مبنا و مرجع»، قانونی و شرعی باشد.

- همچنین با این‌که در ابتدا با یک اقدام روشن‌پذیرش وکیل توسط متهم از ابتدای شروع تعقیب به عنوان یکی از سازوکارهای دادرسی منصفانه، مورد قبول واقع شده بود، اما در برخی جرایم به بازپرس مهلت یک هفته‌ای می‌داد تا از حضور وکیل جلوگیری به عمل آورد. می‌توان این‌گونه بیان داشت که بر حسب معمول در یک سیستم حقوقی، در هفته نخست تعقیب است که متهم برای استفاده از خدمات وکالت و مشاوره‌ای، به حضور وکیل نیاز دارد و در غیر این صورت، پس از آن با توجه به جنبه تخصصی تحقیقات، متهم هرچند بیگانه با روند حقوقی می‌توانست اظهار نماید که او را در «مظان اتهام» قرار داده‌اند که این در نهایت به محکومیت وی منجر شده است. اما این بخش از پیام ماده یادشده به دلیل منافات داشتن با اصل ۳۵ قانون

اساسی مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفت و اسفناک است که عبارت دیگری در این ماده درج شده که بنیان اراده در انتخاب وکیل را متزلزل و مخدوش می‌نماید؛ زیرا به موجب این قسمت از تبصره یادشده در بالا تصریح می‌دارد: «... در مراحل تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشد انتخاب می‌کنند.» حال آن‌که پیش از این در چنین مرحله‌ای (تحقیقات مقدماتی) به هیچ عنوان وکیل پذیرفته نمی‌شد. بر اساس تبصره ماده یادشده از قانون آیین دادرسی کیفری در «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور... در مرحله تحقیق مقدماتی، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشند انتخاب می‌کنند.» حال آن‌که انتخاب وکلای «مورد اعتماد قوه قضاییه» تنها برای مراحل تحقیقات مقدماتی است. به این ترتیب موکل تنها می‌تواند از میان وکلایی، وکیل خود را انتخاب کند که مورد تایید ریاست قوه قضاییه هستند و این به معنای محدود کردن قدرت انتخاب وکیل و سلب حق انتخاب قانونی و صحیح و به‌ویژه «اجبار» در انتخاب وکیل از میان وکلای مورد «گزینش» مقام ریاست قوه قضاییه است. افزون بر موارد یادشده درصد بالایی از وکلای معرفی‌شده برگزیده توسط قوه قضاییه، پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی در «نهادهای حکومتی» بوده‌اند.

- افزون بر موارد یادشده درصد بالایی از وکلای معرفی‌شده و برگزیده توسط قوه قضاییه، پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی در «نهادهای حکومتی» بوده‌اند. مثلاً تعدادی از وکلای معرفی‌شده در فهرست ۲۰ تن از وکلای «مورد اعتماد» قوه قضاییه در تهران، پیش از این قاضی بوده و پس از بازنشستگی وکیل شده‌اند. از فهرست وکلای اعلام‌شده در یکی از استان‌ها «۷۰ درصد پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی نهادهای حاکمیتی بوده‌اند». حسن تردست از جمله وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه در دوره قضاوت خود در ۸۰۰ پرونده حکم قصاص صادر کرده که برخی از آن‌ها از جمله پرونده «ریحانه جباری» بحث‌برانگیز شده است. همچنین عبدالرضا محبتی، از دیگر وکلای این فهرست، سال ۱۳۸۸ نماینده سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، در دادگاه دسته‌جمعی فعالان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراض‌ها به انتخابات بود. با این حال برخی از وکلا

اعلام کردند که قوه قضاییه این قانون را «به دادگاه‌های بدوی، دادگاه انقلاب و حتی دادگاه‌های تجدیدنظر» تعمیم داده است.

- بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی ایران، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل» انتخاب کنند. این در حالی است که بر اساس یک روال معمول در کشور که وکلا آن را «غیرقانونی» می‌خوانند، فعالین سیاسی و مدنی و دیگر افرادی که توسط وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و دیگر نهادهای امنیتی بازداشت می‌شوند، در مدت بازداشت موقت و بازجویی به وکیل دسترسی ندارند. پیش از این غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل وقت دادگستری استان تهران، گفته بود که انتخاب وکلای «مورد اعتماد قوه قضاییه» تنها برای مراحل تحقیقات مقدماتی است؛ مرحله‌ای که پیش از آن، اصلاً وکیل پذیرفته نمی‌شود.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری موجب می‌گردد تا برخی متهمان از داشتن وکیل مستقل محروم بمانند. ما حقوق دانان و وکلا به مردم عادی می‌گوییم یک مبیعه‌نامه عادی را نخوانده امضا نکنید اما ۸۰ نماینده وقت مجلس شورای اسلامی این طرح را امضا کردند. حتی دو تن از نمایندگان گفتند که طرح را نخوانده امضا کرده و از وکلا عذرخواهی کردند. هنگامی که نماینده مجلس در مقام قانون‌گذار چنین اشتباهی می‌کند، نه تنها ۸۰ هزار وکیل، بل، ۳۰ میلیون مردمی که در دادگستری ۱۵ میلیون پرونده دارند، دچار گرفتاری می‌شوند.

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان گفت که از یک سو تبصره ذیل ماده ۴۸ و ابلاغ اسامی خاص «در حقیقت نفی اعتبار کانون وکلا و نیز اهانت به خیل عظیم وکلا است. از دیگر فراز این قانون بنا به دلایل گوناگون از جمله تعارض با مواد اصل‌های مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۳۵ و حتی موازین شرعی، نقطه عطف منفی در کارنامه شورای نگهبان خواهد بود.

حقوق متهم، دادرسی عادلانه و منصفانه، نقش وکیل منتخب در آیین دادرسی کیفری نظام‌های قضایی مستقل به موجب اسناد حقوقی بین‌المللی

در جنگ دوم جهانی، چرچیل و دیگر رهبران هم‌پیمان او مسئله دادرسی فوری و

بدون تشریفات جنایت‌کاران بزرگ جنگی را مطرح کردند. اما دادستان دادگاه نورنبرگ «رابرت جکسون» در پاسخ به این پیشنهاد گفت: «تاریخ بر اساس موازین عدالت درباره این محاکمات قضاوت خواهد کرد.» چند سال بعد، یکی از محاکم نورنبرگ نظر داد: «قضات و دادستان‌هایی که در جریان محاکمه‌ای فاقد تضمین‌های اساسی عادلانه مشارکت داشته‌اند، می‌توانند مسئول شناخته شوند.»

در حقیقت این موازین و تضمین‌ها شامل اصل برائت، حق متهم برای طرح ادله، مواجهه شهود، احضار شهود، محاکمه علنی، «داشتن وکیل انتخابی» و اطلاع از ماهیت اتهامات انتسابی بوده است. همچنین قضات دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در نخستین رای مهم شعبه استیناف می‌گویند: «لازمه چنین دادگاهی رعایت کلیه استانداردهای بین‌المللی است، چنین دادگاهی باید کلیه تضمین‌های اجرای عدالت که منطبق با اسناد شناخته شده حقوق بشر بین‌المللی باشد را فراهم نماید.»^۱

افزون بر این ماده ۶۷ اساسنامه رم تحت عنوان «حقوق متهم» اقتباس از ماده ۳/۱۴ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از معاهدات اساسی حقوق بشر است. از دیگر فراز حضور متهم در دادگاه متضمن چیزی فراتر از یک حضور فیزیکی است. متهم باید در وضعیتی باشد که گردش کار دادرسی را بفهمد و این امر ممکن است مستلزم آن باشد که چنانچه رسیدگی دادرسی به زبان دیگری غیر از زبانی باشد که متهم آن را درک می‌کند، وی بتواند به ترجمه‌ای قابل فهم از آن دسترسی داشته باشد. این امر بر پایه ماده ۱/۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. بدین اساس اساسنامه، حق دسترسی به یک مترجم را برای متهم به رسمیت شناخته است. زیرا متهمی که جریان دادرسی را درک نمی‌کند گویی در دادگاه حضور ندارد. بنابراین در چنین مواردی حق برخورداری از یک مترجم، امری بدیهی به نظر می‌رسد. برای نمونه، به استناد مواد موجود در اساسنامه و آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات سوئد، حمید نوری (عباسی) - متهم به جرایم کشتار جمعی زندانیان سیاسی، قتل عمد و شکنجه زندانیان ۱۳۶۷ که در زمره جرایم فاحش بین‌المللی [جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی] بوده و نیز به استناد قانون کیفری سوئد، محکوم به حبس ابد ۲۵ سال گردیده است - از ابتدای دستگیری و بازداشت دارای

۱ جنگ دوم جهانی و محاکمه جنایت‌کاران جنگی، موازین و تضمین‌های مربوط به اصل برائت، حقوق متهم و...

دادستان علیه تادیک (IT-94-1-AR72)، تصمیم ۱۲ اکتبر ۱۹۹۵ میلادی، بند ۴۵.

مترجم و وکیل منتخب بوده است.

حق محاکمه عادلانه در اعلامیه جهانی حقوقی بشر، کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر و اسناد حقوق بشردوستانه نیز مورد توجه قرار گرفته است. حق کلی «محاکمه منصفانه» مندرج در ماده یادشده این امکان را برای متهم فراهم می‌سازد تا ورای متن اساسنامه و همگام با تحولات و پیشرفت قوانین مربوط به حقوق بشر، از حقوق کامل‌تری برخوردار گردد. البته یادآور می‌شوم که فراز «محاکمه منصفانه» به دادگاه و دیوان این اجازه را می‌دهد که از عبارت ذیل ماده مورد نظر که شامل «حداقل تضمین‌ها» است فراتر رود. در واقع قوانین دادرسی کیفری سیستم‌های حقوقی مدرن بر پایه رویه قضایی بین‌المللی نظریه «برابری قوا» یعنی برابری طرفین دعوی را در چارچوب مفهوم محاکمه منصفانه مطرح کرده است.

از این بیش به استناد اساسنامه، دادرسی باید «بی‌طرفانه» باشد. بر پایه نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر «بی‌طرفی» به معنای فقدان «پیش‌داوری و تمایل به یک طرف» است. با توجه به این‌که بی‌طرفی دارای دو بعد عینی و ذهنی است؛ بر مبنای معیار ذهنی، بی‌طرفی ریشه در اعتقاد و باور قاضی خاص در یک پرونده مشخص دارد و به موجب معیار عینی، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا قاضی همه تضمین‌های لازم را عملاً برای طرفین منظور کرده است تا راه بروز هر گونه تردیدی را در این زمینه منتفی سازد؟ در این باره تضمین‌های مقرر در ماده مورد نظر برای متهم عبارت است از: حق آگاه‌شدن از جزئیات، ماهیت، انگیزه و مواد اتهامات وارده، داشتن زمان و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیات خود، گفت‌وگوی آزادانه با وکیل / وکلای انتخابی خود، محاکمه بدون تاخیر ناموجه، حضور در محکمه، بازجویی از شاهدان و بهره‌مندی از خدمات مترجم در صورت ضرورت. افزون بر اساسنامه رم، پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با قدمت بیش از پنجاه سال، حاوی استانداردهای نوین معاصر در خصوص آیین دادرسی است. فراتر از این، اساسنامه حقوقی را برای افراد متهم در جریان تحقیق و افرادی که توسط دادستان یا مقامات داخلی به دلیل ارتکاب جرایم داخل در صلاحیت مورد بازجویی و پرسش قرار می‌گیرند، در نظر گرفته است. از دیگر فراز حقوق زندانیان تنها یک موضوع نیست، بلکه حق مسلم زندانیان است که از حقوق بنیادین از جمله دسترسی و انتخاب وکیل و یا رسیدگی‌های پزشکی درمانی برخوردار شوند. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها نیز درباره

حقوق زندانی به تفصیل مواردی را بیان کرده است و در واقع زندانی از بدو ورود به زندان تا زمان آزادی - البته اگر به قتل دولتی حذف فیزیکی نشود - به عنوان یک امانت در اختیار قوه قضاییه و سازمان زندان‌ها قرار می‌گیرد و قوه قضاییه قانوناً نسبت به سلامت زندانیان امانت‌دار و امین است.

این در حالی است که به رغم وجود قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در ایران عملکرد این سازمان و مسئولان داخل زندان‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها اساساً حقوق مسلم زندانیان را نادیده می‌گیرند. در حقیقت حکومت اسلامی و کلیه نهادهای حقوقی و قضایی آن، مسئول قتل دولتی زندانیان سیاسی است و باید پاسخگوی این جنایات باشد. این در حالی است که برای نمونه جمهوری اسلامی مدعی شده است که هیچ یک از حقوق حمید نوری (عباسی) توسط پلیس و مسئولان زندان رعایت و اجرا نشده است.

حال آن‌که از جمله حقوق متهم بر مبنای قوانین و اسناد بین‌المللی، حق سکوت در زمان نبود وکیل، حق دادرسی عادلانه و منصفانه، حق گزینش وکیل منتخب متهم و نه منتصب و موید نهاد دادگستری، حق رسیدگی درمانی و بهداشتی در زندان، حق اعتصاب، حق ملاقات و دیدار با خانواده و... است. از دیگر سو در ایران ممانعت از دسترسی متهم به وکیل در مراحل بازجویی، بازپرسی و دادرسی ناقض ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۹ میلادی) و ماده ۹ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی) است. در واقع برخورداری افراد از حق دادرسی عادلانه از جمله حقوقی است که در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن تأکید شده است.

از دیگر فراز اعتراف‌گیری با تهدید، ارباب و ضرب‌و‌شتم، موضوع اصل ۳۸ قانون اساسی نظام فقهاتی است که اعلام می‌دارد: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و اعتراف و یا کسب اطلاع، ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» البته این اصل شکنجه را به طور عام ممنوع کرده و اساساً رفتار خلاف آن، ناقض ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (ممنوعیت شکنجه) و ماده ۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در اصل ماده ۳۵ قانون اساسی و ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) بر اطلاع یافتن متهم از اتهامات انتسابی و فراهم کردن حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مورد نظر در قانون تأکید کرده است.

در حقیقت بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی، نه امکان جامعه‌ای عادلانه و نه امکان اعتلای آن خواهد بود. به دیگر سخن سیاست نهاده‌ای شده در قوه قضاییه از ابتدا تا کنون بر اساسی پایه‌ریزی شده است که به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی، حداقل امکانات را در اختیار متهمان قرار دهد. این موارد اما هم شوک‌آور و هم نگران‌کننده است. در تاریخ قضایی ایران و حتی دیگر کشورها که دیکتاتوری حاکم است، چنین رویکردی وجود نداشته است. اما این شیوه رایج سرکوب‌گران برای تثبیت این موضوع در افکار عمومی است.

اما بر پایه آنچه در بالا گفته شد، این که چرا و کلاً با روند قانونی در تغییر یک قانون مخالفند، می‌توان این‌چنین بیان کرد که پارلمان نماینده ملت است، ولی وقتی نظارت استصوابی (شورای نگهبان) را داریم، خیلی وقت‌ها نمایندگان واقعی هم به آن راه نمی‌یابند. پس هنگامی که صحبت از این می‌شود که اصل بر حکیم‌بودن نمایندگان مردم است، باید این فرض را به چالش کشید. اصل بر حکمت قانون‌گذار است و ما (وکلا و حقوق‌دانان) هم به نمایندگان مجلس مشاوره می‌دهیم و کمک می‌کنیم.

این در حالی است که در نظام‌های حقوقی تقنینی (وضع کردن قانون، قانون‌گذاران)، اقدامات در مسیر تصویب مقرراتی است که حقوق شهروندی و حداقل‌های حقوق بشری را رعایت و اجرای آن‌ها را تضمین کند و قدر متیقن در این باره دادرسی عادلانه و منصفانه از محورهای اساسی و برجسته در نظام تقنینی مردم سالاری است. در واقع اصل و محور دادرسی عادلانه و به موجب انصاف، بر اساس استانداردهای حقوق بشری که ایران به اکثر آن‌ها (مقاوله‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و...) ملحق شده و همچنین مقررات داخلی مانند قانون اساسی است که استفاده از خدمات وکیل را از حقوق بنیادین و اولیه اصحاب دعوا دانسته است.

لایحه جامع وکالت و دغدغه استقلال وکلا

طرح جدید قانون وکالت، ورود به حرفه وکالت را صرفاً بر پایه معدل ممکن می‌داند و ظرفیت محدود کانون‌ها را حذف می‌کند. بر این اساس، هر کس که مدرک کارشناسی حقوق دارد و معدل خاصی را در آزمون کسب کند، می‌تواند وکیل شود. همچنین برخی افراد نظیر استادان دانشگاه و دارندگان دکترای تخصصی حقوق، بدون آزمون پروانه

دریافت می‌کنند.

تعدادی از وکلا به این طرح اعتراض کرده‌اند. به گفته آن‌ها، این تغییر سبب ایجاد رانت برای برخی مشاغل، دوشغله‌شدن استادان و افزایش بیکاری میان فارغ‌التحصیلان حقوق خواهد شد. مهم‌تر از همه، این اقدام باعث تضعیف حق دفاع متهمان و تضاد با اصول قانون اساسی می‌شود، چراکه وکلای بدون تخصص، قادر به دفاع موثر نخواهند بود. استقلال وکیل رکن اساسی حق دفاع است و اگر متهم نتواند وکیل مستقل داشته باشد، تعادل در روند دادرسی از بین می‌رود.

منتقدان طرح می‌گویند این مسیر به صورت سازمان‌یافته در حال اجراست و هدف برخی نمایندگان، بهره‌برداری از شعارهای پوپولیستی برای کسب حمایت است. آنان می‌پرسند چرا تنها به کانون وکلا حمله می‌شود و از انحصار در قضاوت یا سردفتری سخنی نیست؟

در این میان، قوه قضاییه نیز با اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، مرکزی موازی با کانون وکلا تأسیس کرده و به صدور پروانه وکالت برای دانش‌آموختگان می‌پردازد. این وکلا به «وکلائی ماده ۱۸۷» معروفند. بسیاری از حقوق‌دانان این اقدام را تهدیدی برای استقلال وکالت و دادرسی عادلانه می‌دانند، زیرا در چنین ساختاری قضایی، دادستان و وکیل، همگی توسط یک نهاد انتخاب می‌شوند.

آمارها

نمایندگان مجلس شورای اسلامی مدعی‌اند که هدف‌شان از طرح جدید، ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان حقوق است. اما این ادعا با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد؛ چرا که ورود ۶۰۰ هزار فارغ‌التحصیل حقوق به حرفه وکالت در عمل ممکن نیست. اشتغال‌زایی برای این افراد در چهار حوزه اصلی می‌تواند باشد: قضاوت، کارشناسی حقوقی در سازمان‌ها، سردفتری و وکالت.

در حوزه سردفتری، باید توجه داشت که بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ هیچ پذیرش جدیدی در این بخش صورت نگرفته و تنها در سال ۱۳۹۷، برای ۱۰ هزار نفر ظرفیت اعلام شد. این در حالی است که بر اساس قانون، برای هر ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر باید یک دفتر اسناد رسمی فعال باشد، اما در حال حاضر تنها ۷۳۰۰ دفتر در کشور وجود دارد.

از سوی دیگر، یکی از جایگاه‌های شغلی دیگر برای فارغ‌التحصیلان حقوق، شغل قضاوت است. طبق آمار، تا سال ۱۳۹۶ حدود ۱۱ هزار قاضی در کشور مشغول به کار بودند و در سال ۱۳۹۷ نیز ۳۱۰۰ نفر دیگر به این جمع افزوده شدند، که مجموعاً به حدود ۱۴ هزار قاضی می‌رسد. این در حالی است که بیش از ۱۷ میلیون پرونده در دستگاه قضایی ثبت شده و بدیهی است که این تعداد قاضی برای رسیدگی به این حجم از پرونده‌ها کافی نیست. بنابراین اگر ظرفیت پذیرش قضات افزایش یابد، می‌توان فرصت اشتغال قابل توجهی برای فارغ‌التحصیلان حقوق فراهم کرد.

بر اساس ماده ۸ قانون استقلال کانون وکلا، قضات و نمایندگان مجلس می‌توانند بدون آزمون وارد حرفه وکالت شوند. تا کنون ۴۰۶۸ نفر از این طریق وارد این حرفه شده‌اند. شغل دیگر، کارشناسی حقوقی در ادارات و سازمان‌هاست. معمولاً در هر اداره حدود پنج نفر به عنوان کارشناس حقوقی فعالیت دارند. با این حال، در بسیاری از موارد، ادارات نیز پرونده‌های حقوقی خود را به وکلای خارج از مجموعه دولت می‌سپارند.

با وجود همه این موارد، این سوال مطرح می‌شود که چرا در مورد قضاوت یا سردفتری، قانون‌گذاری جدیدی صورت نمی‌گیرد و صرفاً کانون وکلا هدف قرار گرفته است؟ این در حالی است که کانون وکلا هر سال به‌طور منظم نیرو جذب می‌کند. بنابراین، حمله به کانون وکلا به معنای تخریب زیرساخت‌های حقوقی کشور است.

برخی منتقدان معتقدند با این طرح، استقلال کانون وکلا از بین می‌رود و وضعیت به پیش از سال ۱۳۳۱ و حتی به دوره رضاشاه بازمی‌گردد. واقعیت این است که بنا به برخی آمارها ۹۰ درصد وکلای کشور درآمد کافی برای گذران زندگی عادی ندارند و تنها ۲ تا ۳ درصد از آن‌ها درآمد بالا دارند؛ که البته اگر در این میان فساد هم وجود دارد، باید به آن رسیدگی شود.

از دیگر انتقادات وکلا به این طرح، وجود رانت در آن است. آن‌ها می‌گویند حتی اگر فرض بگیریم که هدف این طرح اشتغال‌زایی باشد، نتیجه‌اش این است که به جای «حقوق‌دان بیکار»، «وکیل بیکار» خواهیم داشت. برخی طراحان این طرح می‌گویند «بازار وکالت داریم»، اما مگر ما برای دیگر حوزه‌ها مثل آموزش، پزشکی یا روحانیت، بازار تعیین می‌کنیم؟ همه این مشاغل با مردم در ارتباط هستند.

به نظر می‌رسد برخی نمایندگان، در پس شعار اشتغال‌زایی، در پی ایجاد رانت برای

عده‌ای خاص هستند. در حالی که اگر دغدغه واقعی عدالت و خدمت به مردم وجود داشت، باید تمرکز روی ورود وکلای متخصص و باصلاحیت به دادگاه‌ها می‌بود.

آینده ناروشن استقلال وکلا

چنان‌که «ده درویش در گلیمی بخشبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند» فعالیت دو سازمان موازی برای یک فعالیت واحد، در عمل رقابت‌ها و مشکلاتی را فراهم می‌آورد. از دو نهادهی که هر یک جداگانه آزمون وکالت می‌گیرند و برای متقاضیان پروانه صادر می‌کنند، «مرکز وکلای قوه قضاییه» موجودیتش در وابستگی به این قوه تعریف می‌شود، در حالی که «کانون وکلا» با فاصله گرفتن از دخالت‌های این قوه هویت می‌یابد.

حقوق‌دانان از آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند. نکته برجسته این است که به موجب این آیین‌نامه، قوه قضاییه مرجع صدور وکالت است و معاون اول قوه قضاییه یا نماینده قوه قضاییه پروانه وکالت را صادر می‌کند؛ نکته بعدی این است که آزمون وکالت، هم کتبی و هم شفاهی است که با نظارت نماینده قوه قضاییه انجام می‌شود. سال ۱۳۸۸ که آیین‌نامه ابلاغ شد، وکلا واکنش نشان دادند و حدود دو سال با دستور رئیس وقت قوه قضاییه اجرای این آیین‌نامه متوقف شد. سال ۱۳۹۰ توقف موقت اجرای این آیین‌نامه به پایان رسید. اما اکنون آیین‌نامه سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا شده و کانون‌های وکلا باید بر اساس آیین‌نامه جدید هم آزمون برگزار و هم از مواد آن تبعیت کنند. نکته بعدی این‌که آزمون امسال یک مرحله‌ای است در صورتی که به استناد آیین‌نامه سال ۱۳۸۸ باید آزمون دو مرحله و به‌صورت کتبی و شفاهی باشد؛ در آیین‌نامه سال ۱۳۸۸ برای آزمون ۹ منبع پیش‌بینی شده اما منابع آزمون کانون وکلا، ۶ مورد بیش‌تر نیست و حقوق ثبت، فقه در تحریرالوسیله روح‌الله خمینی و بحث امور حسبی در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده است.

به هر روی دیوان عدالت به دلیل غیرقانونی بودن دادخواست جمعی از وکلا به این آیین‌نامه رأی به ابطال دادخواست را صادر نموده است.

همچنین برای یادآوری باید گفت که با قرار قطعی صادرشده از سوی معاون قضایی دیوان عدالت اداری در سال ۹۸، مبنی بر لازم‌الاجرا بودن آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب سال ۱۳۸۸، کانون وکلا دیگر نمی‌تواند پروانه وکالت

صادر کند و صدور آن بر عهده قوه قضاییه است.^۱

این است که یک متن واحد - مانند رای دیوان عدالت اداری - دو برداشت کاملاً متفاوت به همراه دارد. اما منتقدین، این روند را در راستای دادرسی عادلانه نمی‌دانند، زیرا که قاضی، دادستان و وکیل دعاوی هر سه به وسیله یک مرجع واحد برگزیده می‌شوند. تنظیم این آیین‌نامه در راستای کاهش استقلال کانون و کلاً است و این اتحادیه صدور پروانه وکالت به وسیله قوه قضاییه را موجب سلب آزادی عمل وکیل می‌دانست. بدین اعتبار دیوان عدالت اداری تلویحاً استوار بودن این آیین‌نامه را بار دیگر تایید کرده است. رای دیوان عدالت اداری هیچ اشاره‌ای به برگزاری آزمون وکالت ندارد و متوقف‌شدن صدور پروانه وکالت، برداشت درستی از این رای نیست. بر این اساس داوطلبان حرفه وکالت باید مسیر گزینشی توسط وزارت اطلاعات را طی کرده و تاییدیه نیز دریافت نمایند. در حقیقت با این دخالت‌های گسترده قوه قضاییه و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، استقلالی برای کانون و کلاً باقی نمانده است. با این حال دست‌اندرکاران کانون‌های وکلای دادگستری تلاش می‌کنند که همین مقدار استقلال را هم نگه دارند و گسترش دهند.

هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار وزارت اقتصاد و دارایی

هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۸ با صدور رای، وکالت را مشمول بر اصل ۴۴ قانون اساسی دانست و در نتیجه به منظور رفع انحصار در صدور پروانه وکالت، کانون وکلای دادگستری موظف است فرایند صدور پروانه وکالت را در سامانه مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری کند.

هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار نیز موظف است فرایند مذکور را اصلاح و موانع صدور پروانه وکالت برای متقاضیان را رفع کند. صادرکنندگان مجوز، اجازه ندارند به دلیل «اشباع‌بودن بازار»، از صدور مجوز امتناع کنند.

به موجب تبصره ۳ ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، کلیه مراجع صدور مجوز کسب‌وکار، موظف هستند شرایط و فرایند صدور خود را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری کنند. همچنین طبق تبصره ۲

۱ شکایت کانون وکلا به طرفیت هیات مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار (وزارت امور اقتصادی و دارایی) به خواسته ابطال (مصوبه شماره ۴۳۲/۸۰ - ۱۵/۰۲/۱۳۹۷) به دیوان عدالت اداری.

قانون اصلاح ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، صادرکنندگان مجوز کسب و کار اجازه ندارند به دلیل «اشباع بودن بازار»، از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب و کار امتناع کنند.

بر پایه قوانین فوق، قانون وکلا نیز باید شرایط و فرآیند صدور پروانه وکالت را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار بارگذاری کنند. اما قانون وکلا با این استدلال که حرفه وکالت یک فعالیت اقتصادی نیست عنوان کرد که حرفه وکالت مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی نمی‌شود. وکالت یک فعالیت اقتصادی و مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی است.

هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار وزارت اقتصاد و دارائی طی مصوبه‌ای به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷، قانون وکلای دادگستری را مکلف کرد تا ظرف دو هفته به بارگذاری پروانه وکالت روی سامانه مذکور اقدام کند. قانون وکلا نیز از مصوبه هیئت مقررات‌زدایی به دیوان عدالت اداری شکایت کرد و در گام اول نیز توانست دستور موقت دیوان مبنی بر توقف اجرای رای هیئت مقررات‌زدایی را بگیرد. لذا پرونده در ادامه، برای رسیدگی به هیئت تخصصی دیوان ارجاع شد و نهایتاً دیوان عدالت اداری، بر اساس رای ذیل، شکایت قانون وکلا را رد کرد و این نهاد را مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی دانست. بر این اساس، قانون وکلا باید هر چه سریع‌تر فرایند صدور پروانه وکالت را در سامانه مذکور بارگذاری کند.

طبق ماده ۳ قانون ارتقای سلامت اداری، موسسات خصوصی مأمور به خدمات عمومی موظف هستند شرایط صدور مجوز خود را در سامانه وزارت اقتصاد بارگذاری کنند و در صورت عدم بارگذاری، رئیس نهاد مربوطه به ۶ ماه تا ۳ سال انفصال محکوم می‌شود. بنابراین، اگر قانون وکلا همچنان نسبت به بارگذاری فرایند صدور پروانه وکالت در سامانه مربوطه اقدام ننماید، تخلف نموده و رئیس این نهاد به ۶ ماه تا ۳ سال انفصال از خدمت محکوم می‌شود.

رای دیوان عدالت اداری

بر اساس مصوبه مورد شکایت:

۱. ثبت و تاسیس شرکت‌ها و موسسات با موضوع فعالیت حقوقی منوط به کسب اجازه از قانون‌های وکلای دادگستری یا مرجع دیگر نیست و همان رویه سابق ادامه

می‌یابد.

۲. فعالیت موسسات مذکور پس از ثبت، نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری نیازمند اخذ مجوز نیست.

۳. به کانون‌های مورد نظر و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه دو هفته مهلت داده می‌شود تا اطلاعات پروانه وکالت را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری نمایند.

شکات اعلام نموده‌اند: «صنوفی که قانون خاص دارند از جمله صنف وکالت از جهت نحوه صدور مجوز از مقررات قانون نظام صنفی استثنا شده‌اند و بسیاری از موازین حقوقی مربوط به رقابت و انحصار در خصوص وکالت مصداق ندارند و از شمول حکم مقرر در تبصره ماده ۳ قانون اصلاح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج است. بنابراین مصوبه با ماده ۵۵ قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۵) مغایرت دارد و درخواست ابطال دارند.

بر این اساس با توجه به مواد بندهای ۱ و ۲ مصوبه مذکور اساساً اقدام جدید مقرر نگردیده بلکه صرفاً تأکید بر روال سابق در صدور مجوز و عدم پذیرش پیشنهاد کانون تأکید شده است. پس خارج از صلاحیت هیئت مشتکی‌عنه نبوده است و ماهیتاً عمل وکالت متفاوت از فعالیت موسسه حقوقی است، فعالیت موسسات حقوقی متنوع بوده ملازمه‌ای با عمل وکالت ندارد و صدور مجوز تأسیس موسسه حقوقی توسط افراد غیر وکیل به منزله مجوز وکالت در دادگستری نیست و از مصادیق تظاهر و مداخله در امر وکالت در دادگستری محسوب نمی‌شود و با ماده ۵۵ قانون وکالت مغایرت ندارد. استدلال مذکور در رای شماره ۲۰۵-۱۳۹۶/۰۹/۲۹ صادره از هیئت تخصصی اداری و استخدامی نیز موید همین امر بوده، لذا مستنداً به بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) رای به رد شکایت صادر می‌گردد. رای صادره ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه، ۲۱ مهرماه ۱۴۰۰ خود به ادامه رسیدگی به طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار پرداختند. در این جلسه ماده ۵ طرح درباره سازوکار جذب آزمون کارشناسی رسمی بدون هیچ گونه تغییری تصویب شد.

نمایندگان مجلس با اصلاح طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار، استنکاف از برگزاری آزمون‌های کارشناسی رسمی و وکالت بر اساس این طرح را جرم تلقی کرده و برای مستنکفین، مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ را تعیین کردند. در ماده ۴ اصلاح شده طرح آمده است؛ در بند (الف) ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری (مصوب ۱۳۸۱/۰۱/۱۸) عبارت «بر اساس نیاز مناطق کشور» حذف و دو تبصره به عنوان تبصره‌های ۱ و ۲ به این بند الحاق می‌شود:

تبصره ۱: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه موظف است هر ساله از طریق سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به برگزاری آزمون کارشناسان رسمی اقدام نماید. داوطلبانی که حداقل ۷۰٪ امتیاز میانگین نمرات ۱٪ حائزان بالاترین امتیاز در هر رشته را کسب کنند، به عنوان پذیرفته‌شده، برای طی مراحل مقتضی به کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه معرفی می‌شوند. توزیع استانی پذیرفته‌شدگان بر اساس تقاضا یا امتیاز پذیرفته‌شدگان می‌باشد.

نظارت بر اجرای این تبصره بر عهده قوه قضاییه است و قوه مزبور مکلف است در صورت استنکاف کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه از برگزاری آزمون، راساً به برگزاری آن اقدام کند و استنکاف از اجرای این حکم جرم محسوب و مرتکب به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ محکوم خواهد شد. همچنین نمایندگان در ادامه به بررسی اصلاح ماده ۵ طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار اعاده شده از شورای نگهبان پرداخته و آن را نیز به تصویب رساندند

ماده ۵ طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار

بر اساس ماده ۵ اصلاح‌شده، تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۱: کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه مکلفند هر سال از طریق سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به برگزاری آزمون پروانه وکالت اقدام نمایند. داوطلبانی که حداقل ۷۰٪ امتیاز میانگین نمرات

۱٪ حائزان بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند، به عنوان پذیرفته شده، جهت طی مراحل مقتضی به مرجع صدور مجوز مربوط معرفی می‌گردند. نظارت بر اجرای این تبصره بر عهده قوه قضاییه است و قوه مزبور مکلف است در صورت استنکاف کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه از برگزاری آزمون، راسا به برگزاری آن اقدام کند و استنکاف از اجرای این حکم جرم محسوب و مرتکب به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ محکوم خواهد شد.»

رد شکایت «کانون وکلا» از «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسبوکار»

هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری شکایت کانون وکلا از مصوبه «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسبوکار»، درباره تاسیس موسسات حقوقی و الزام کانون‌های وکلا و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه به بارگذاری اطلاعات پروانه وکالت در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسبوکار را رد کرد.

در این پرونده آمده است: «با شکایت کانون وکلای دادگستری مرکز با وکالت آقایان نادر دیوسالار و امیرحسین اکبری و حامد دهقان و خانم آرزو پرهیزگار و آقای علی نصیری‌درونکلا و آقای حمیدرضا سعیدی به طرفیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسبوکار (وزارت امور اقتصادی و دارایی) با موضوع شکایت ابطال مصوبه شماره ۸۰/۴۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۵ موضوع جلسه بیستم مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۷ هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسبوکار این شکایت در هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری مورد بررسی قرار گرفت.

شکات دادخواستی به طرفیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسبوکار (وزارت امور اقتصادی و دارایی) به خواسته ابطال مصوبه شماره مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۵ هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسبوکار به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده که به هیئت عمومی ارجاع شده است و متن مقرر مورد شکایت به قرار زیر می‌باشد:

۱. با عنایت به این‌که ثبت و تاسیس شرکت‌ها و موسسات با موضوع فعالیت حقوقی (به استثنا فعالیت حقوقی در امور وکالت محاکم دادگستری) طبق هیچ قانونی منوط به کسب اذن از کانون‌های وکلای دادگستری یا مرجع دیگر نشده است، اداره کل ثبت

شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری الزامی به استعلام یا اخذ مجوز در زمان ثبت اشخاص حقوقی مذکور ندارد و همان رویه سابق اداره مذکور ادامه می‌یابد.

۲. پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز مبنی بر ایجاد مجوز «موسسات حقوقی» مورد تایید هیئت مقررات‌زدایی قرار نگرفت. بر این اساس اطلاعات بارگذاری شده در خصوص موضوع مذکور از پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار حذف می‌شود و بنابراین فعالیت موسسات مذکور پس از ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری نیازمند اخذ مجوز نمی‌باشد.

۳. به منظور بررسی پروانه وکالت در جلسات آتی هیئت از سوی دبیرخانه هیئت به کانون‌های وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه حداکثر دو هفته مهلت داده شود تا اطلاعات پروانه وکالت را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری نمایند.

دلایل شاکیان برای ابطال مقررہ مورد شکایت

شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه تقاضای ابطال مقررہ مورد شکایت را مطرح نموده و در تبیین مبنای خواسته خود اعلام کرده‌اند: با توجه به تعریف فرد صنفی در مواد ۲، ۳ و ۱۵۶ قانون نظام صنفی و تبیین تخلفات افراد صنفی در ماده ۵۷ به بعد، قانون فوق و همچنین اشاره به کیفیت رسیدگی به این تخلفات در ماده ۷۲ قانون یاد شده و تعیین شرایط صدور پروانه در قانون فوق‌الاشاره مشخص است که نظام حقوقی مستقلی برای افراد صنفی وجود دارد. با این حال بر اساس تبصره ماده ۲ و ماده ۳ قانون نظام صنفی، صنفی که قانون خاص دارند از جهت نحوه صدور مجوز و تنظیم امور و نظارت و... از مقررات قانون نظام صنفی استثنا شده‌اند.

با توجه به همین مقررات، صنف وکالت از شمول مقررات نظام صنفی خارج شده و بسیاری از موازین حقوقی مربوط به رقابت، انحصار و اخلال در بازار که در مواد ۷۲ تا ۸۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تبیین شده‌اند، در خصوص وکالت مصداق پیدا نمی‌کنند. وکالت از جهت ماهیت و موضوع آن و محل انجام و هدف و تشکیلات سازمانی و نحوه رسیدگی به تخلفات نیز با کسب‌وکارهای دیگر متفاوت است. همین تفاوت‌ها موجب شده است تا وکالت مشمول حکم مقرر در تبصره ماده ۳ قانون

اصلاح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نباشد که بر اساس آن مقرر شده است صادرکنندگان مجوز کسبوکار اجازه ندارند به دلیل اشباع‌بودن بازار کار از پذیرش، تقاضا یا صدور مجوز کسبوکار خودداری نمایند.

همچنین با توجه به حکم مقرر در ماده ۵۵ قانون وکالت (۱۳۱۵) که بر اساس آن هر گونه فعالیت حقوقی اشخاص باید مستند به پروانه وکالت بوده و دخالت در عمل وکالت با عناوین مختلف ممنوع می‌باشد، اقدام هیئت مقررات‌زدایی وزارت اقتصاد و دارایی در صدور مقررره مورد شکایت و مستثنی کردن فعالیت‌های حقوقی از فعالیت‌های مربوط به وکالت در محاکم دادگستری؛ مغایر با حکم ماده ۵۵ قانون وکالت بوده و ابطال آن مورد تقاضای می‌باشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی و رئیس هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسبوکار به موجب لایحه شماره ۱۳۰۷۷۷/۱۹۰/۸۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۷ به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱. هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسبوکار بر اساس مواد ۱، ۳، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور عهده‌دار بررسی و جاهت قانونی مجوزهای کسبوکار می‌باشد و کانون وکلای دادگستری مرکز نیز در نامه‌های شماره ۹۰۳۹۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۴ و شماره ۹۱۲۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۸ صلاحیت این هیئت را پذیرفته است.

۲. کانون وکلای دادگستری مرکز در دادخواست خود تلاش دارد شغل وکالت را با کسبوکارهای دیگر متفاوت دانسته و صلاحیت هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل مجوزهای کسبوکار برای وضع مقررره مورد شکایت را نفی نماید. این در حالی است که بر اساس بند ۲۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و بند (ث) ماده ۱ قانون بهبود مستمر محیط کسبوکار، کسبوکار مفهوم عامی دارد و صرفاً منحصر به صنف نیست و ماده ۲ آیین‌نامه ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری نیز موید همین دیدگاه است. همچنین تعریف فرد صنفی در ماده ۲ قانون نظام صنفی شامل وکالت هم می‌شود و عدم شمول احکام قانون نظام صنفی بر یک حرفه به منزله استثنا شدن آن حرفه از مفهوم صنف نمی‌باشد. تعریف (بازار) در بند

۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز شامل خرید و فروش خدمات هم می‌گردد و جرایم مربوط به رویه‌های ضد رقابتی و انحصار هم با توجه به حکم ماده ۴۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قابل انتساب به حرفه وکالت هم هستند.

۳. مصوبه مورد اعتراض مغایرتی با اصول ۲۸ و ۳۵ قانون اساسی ندارد و در واقع عملاً زمینه اجرای بهتر آن‌ها را فراهم می‌کند.

۴. مستنداتی مانند رای شماره ۱۳۴ مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ماده ۵۵ نظام‌نامه قانون وکالت، ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم و نظریه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی موید این واقعیت هستند که حرفه وکالت، مصداق کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی است.

۵. در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت و قانون استقلال کانون وکلا هیچ‌گونه حکمی در خصوص ممنوعیت اطلاع‌رسانی شرایط، مدارک و پروانه‌های وکالت وجود ندارد و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از حیث تکلیف به ارسال اطلاعات مرتبط با پروانه وکالت از سوی مراجع صدور آن به هیئت مقررات‌زدایی تعارض و مغایرتی با قوانین مورد استناد کانون وکلا ندارد. ضمن آن‌که بر اساس نظریه شماره ۱۰۴۵۷۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نسخ شده است.

۶. از ماده ۵۵ قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۵) انحصار ثبت و فعالیت موسسات حقوقی و ارائه خدمات حقوقی به وسیله وکلای دادگستری مستفاد نمی‌گردد و در عین حال در مقررره مورد شکایت ممنوعیت فعالیت حقوقی توسط غیر وکیل در امور وکالت محاکم دادگستری مورد تاکید قرار گرفته است و مواد مقررره مورد شکایت به موجب دادنامه ۲۰۵-۲۹/۰۹/۱۳۹۶ هیئت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری و نامه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۷ معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری و بند ۲۱ دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقای رفتار سازمانی در قوه قضاییه نیز تایید شده است.

رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی

بر اساس مصوبه مورد شکایت به شماره ۸۰/۴۳۲ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ به طور خلاصه مقرر گردیده:

۱. ثبت و تاسیس شرکت‌ها و موسسات با موضوع فعالیت حقوقی منوط به کسب اجازه از کانون‌های وکلای دادگستری یا مرجع دیگر نیست و همان رویه سابق ادامه می‌یابد.

۲. فعالیت موسسات مذکور پس از ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری نیازمند اخذ مجوز نیست.

۳. به کانون‌های مذکور و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه دو هفته مهلت داده می‌شود تا اطلاعات پروانه وکالت را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری نمایند

شکات اعلام نموده‌اند: صنفی که قانون خاص دارند از جمله صنف وکالت از جهت نحوه صدور مجوز از مقررات قانون نظام صنفی استثنا شده‌اند و بسیاری از موازین حقوقی مربوط به رقابت و انحصار در خصوص وکالت مصداق ندارند و از شمول حکم مقرر در تبصره ماده ۳ قانون اصلاح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج است. بنابراین مصوبه با ماده ۵۵ قانون وکالت (مصوب ۱۳۱۵) مغایرت دارد و درخواست ابطال دارد.

علی‌هذا با عنایت به مواد بندهای ۱ و ۲ مصوبه مذکور اساساً اقدام جدید مقرر نگردیده بلکه صرفاً تأکید بر روال سابقه در صدور مجوز و عدم پذیرش پیشنهاد کانون تأکید شده است. پس خارج از صلاحیت هیئت مشتمل‌کننده نبوده است و ماهیتاً عمل وکالت متفاوت از فعالیت موسسه حقوقی است. فعالیت موسسات حقوقی متنوع بوده ملازمه‌ای با عمل وکالت ندارد و صدور مجوز تاسیس موسسه حقوقی توسط افراد غیر وکیل به منزله مجوز وکالت در دادگستری نیست و از مصادیق تظاهر و مداخله در امر وکالت در دادگستری محسوب نمی‌شود با ماده ۵۵ قانون وکالت مغایرت ندارد. استدلال مذکور در رأی شماره ۲۰۵ - ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ صادره از هیئت تخصصی اداری و استحضامی نیز موید همین امر بوده لذا مستنداً به بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۲) رأی به رد شکایت صادر می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است.

نظر به آنچه که در بالا مبنی بر حذف استقلال کانون وکلای دادگستری آمده است، نگارنده بر این نظر است که؛ «در خصوص کانون وکلا و ابهامات درباره استقلال این نهاد کلیدی مسئله استقلال کانون وکلا، همواره یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز درباره حاکمیت قانون یا دادرسی عادلانه است و وابستگی وکلا به دادگستری عملاً به دادرسی عادلانه ضربه خواهد زد. از دیگر سو مخالفان کانون وکلا معتقدند که در رژیم قضایی کنونی، «مرکز وکلا، کارشناسان و مشاورین قوه قضاییه» که یک نهاد وابسته به قوه قضاییه است، مشروعیت کافی برای صدور پروانه وکالت دارد.^۱

ظاهراً پارلمان نماینده ملت است، اما با توجه به نظارت استصوابی شورای نگهبان، نمایندگان واقعی صلاحیت ورود به مجلس را دریافت نمی‌کنند. هنگامی که صحبت از این می‌شود که اصل بر حکیم‌بودن نمایندگان مردم است، باید این فرض را به چالش کشید. زیرا اصل بر حکمت قانون‌گذار است.»

۱ رای دیوان عدالت اداری شماره ۴۳۲/۸۰ - ۱۵/۱۲/۱۳۹۷ مبنی بر رد شکایت کانون وکلا، که در اعتراض به طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار.

فصل دوم

تاریخچه روز جهانی وکلای در معرض خطر

۲۴ ژانویه سال ۱۹۷۷ م. در حمله مسلحانه نئوفاشیست‌های اسپانیا به یک دفتر وکالت، چهار وکیل اسپانیایی به قتل رسیده و هشت نفر دیگر به شدت زخمی شدند. این واقعه نه آغاز و نه پایان آزار و کلا بود. سال ۱۹۳۸ م. هانس لیتن، وکیل یهودی آلمانی که به دستور هیتلر زندانی شده بود، پس از تحمل شکنجه‌های فراوان در اردوگاه مرگ داخائو دست به خودکشی زد. این وکیل ضد حکومت نازی‌ها، در سال ۱۹۳۱ م. در جریان رسیدگی به یک پرونده، آدولف هیتلر را به عنوان شاهد به دادگاه فرا خوانده بود. به منظور بزرگداشت یاد و نام وکلای جان‌باخته، از سال ۲۰۱۰، روز ۲۴ ژانویه به نام «روز وکلای در خطر» نام‌گذاری شده است. اتحادیه وکلای اروپا ۲۴ ژانویه را به عنوان «روز وکلای در خطر» نام‌گذاری کرده است.

فراتر از این مراسم بزرگداشت «روز جهانی وکلای در معرض خطر» روز ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵ با حضور جمعی از وکلا و فعالان حقوق بشر در شهر نورنبرگ آلمان برگزار شد. در این بزرگداشت خانم کریستینه روت، وکیل و فعال حقوق بشر، شهر نورنبرگ در آغاز این مراسم گفت که این حرکت محتاج دست‌ها و فکر و قلب‌های بسیاری است. او از همه خواست تا در جهت این تلاش، یاری کنند. خانم کریستینه روت گفت که شور حاکم بر این برنامه نشان داد که دست‌ها و قلب‌های بسیاری آماده حمایت از این حرکت است و

نیز آقای اولریش مالی، شهردار کل شهر نورنبرگ، نیز گفت: «بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی نه امکان جامعهای عادلانه و نه امکان اعتدال آن خواهد بود.» همچنین پنج حقوقدان، فشردهای از زندگی و مبارزه حقوق بشری پنج تن از همکاران خود را از کشورهای عربستان سعودی، قرقیزستان، روسیه، امارات متحده عربی و ایران بیان کردند.

سخنان آنان بر این نکته متمرکز بود که این وکلا در شرایطی سخت و غیرانسانی در زندانهای مخوف بدون هر گونه حقوقی، زندانی هستند: «برخی از آنها به حبس ابد و برخی دیگر به حبسهای طولانی محکوم شدهاند، تنها به دلیل تکریم نکردن در برابر قدرت و داشتن شرافت کاری و پافشاری بر اجرای قانون برای آشکار ساختن پروندههای مسکوت.»^۱

وضعیت وکلا در ترکیه

در ترکیه در پی بازداشت «یلماس اس» در سال ۲۰۱۹، وکیل ترکیهای سفارت آلمان در آنکارا، ۳۶ تن از مقامات این کشور با انتقادهای شدید روبرو شدند. داگدیلن، وکیل یلماس اس، گفت: «دستگیری وکیل ترکی که پرونده متقاضیان پناهندگی را برای دفتر نمایندگی دیپلماتیک آلمان در آنکارا ارزیابی می کرده، اقدام تحریک آمیز بعدی از جانب آنکارا است.» او در ادامه گفت که حکومت فدرال باید سرانجام اعتراضش را به صراحت بیان دارد و مانع پیشروی اردوغان گردد. این که به یک وکیل خصوصی در ترکیه با توجه به تعقیب و آزار و اذیتی که در ترکیه معمول است، اطلاعات حساس پناهجویان ارسال می شود، «یک سهل انگاری فاحش» است. افزون بر این، او مخفی نگه داشتن رویداد زندانی شدن این وکیل از جانب وزارت خارجه آلمان را، «غیرمسئولانه» عنوان کرد و همچنین گفت این امر که مقامات ترکیه از بیش از دو ماه به این سو، به اطلاعات بسیار حساس پناهندگان سیاسی از ترکیه دسترسی پیدا کرده اند، صدها پناهجوی ترکی که در آلمان پناه آورده اند، را احتمالاً در معرض خطر فوری استخبارات ترکیه و شبکه جاسوسی و اوباشان که به دستور اردوغان عمل می کنند، قرار داده است. این که آیا واقعاً یک عامل سیاسی موجب بازداشت یلماس

۱ برگزاری نخستین مراسم «وکلا در معرض خطر» ۲۴/۰۱/۲۰۱۵ در شهر نورنبرگ آلمان.

اس گردیده است و یا او خود قوانین ترکیه را نقض کرده است، هنوز معلوم نیست. وکیل مدافع یلماس اس به تلویزیون اول آلمان ای.آر.دی گفته است که پرونده او به عنوان یک پرونده سری طبقه‌بندی شده است و گفته است: «من تنها می‌توانم بگویم که موکل من به جاسوسی متهم است با این حال، از اظهارات «سارنوال»، مسئول عالی ترکیه، این نتیجه به دست می‌آید که بازداشت یلماس اس یک موضوع حساس دیپلماتیک است. بدین اساس از اظهارات سارنوال مسئول عالی ترکیه این‌گونه استنباط می‌شود که بازداشت یلماس اس، یک موضوع حساس و جدی دیپلماتیک است. بر این پایه این مسئول عالی ترکیه، سارنوال، گفته است که مقامات آلمان باید پرسش‌های خود را مستقیماً به حکومت ترکیه ارائه می‌کردند. بنا بر منابع وزارت خارجه و وزارت داخله آلمان، چنین همکاری با وکلا «روش معمول در سراسر اروپا» است.^۱

فراتر از این در تاریخ ۲۸/۱۱/۲۰۱۵ «طاهر ایلچی»، رئیس کانون وکلای شهر کردنشین «دیاربکر» در ترکیه، حین سخنرانی و دعوت نیروهای ترکیه و شبه نظامیان کرد به صلح، به ضرب گلوله کشته شد. طاهر ایلچی پیش از آن به اتهام «تبلیغات تروریستی» بازداشت شده بود و دادستان برای او درخواست بیش از هفت حبس کرده بود. آقای ایلچی در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفته بود: «پ.ک.ک یک سازمان تروریستی نیست». در مقابل حزب چپ‌گرای دموکراتیک خلق‌ها، که به شدت منتقد دولت ترکیه است، کشتن آقای ایلچی را یک «سوقصد برنامه‌ریزی‌شده» خوانده است. از این بیش حزب حاکم ترکیه ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ لایحه‌ای را برای تغییر نظام کانون‌های وکلا در این کشور ارائه داد که به گفته منتقدان آن می‌تواند استقلال و تاثیرگذاری وکلا را تحت‌الشعاع قرار دهد. وکلای معترض در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۲۰ در مخالفت با این لایحه در چند شهر ترکیه دست به اعتراض زدند. منتقدان می‌گفتند اگر این لایحه در پارلمان ترکیه، جایی که حزب عدالت و توسعه (AKP) اکثریت کرسی‌ها را در اختیار دارد به تصویب برسد آینده استقلال کانون‌های وکلا در ترکیه در معرض خطر قرار می‌گیرد.

لایحه پیشنهادشده توسط حزب عدالت و توسعه ترکیه به متخصصان حقوقی اجازه می‌دهد تا کانون‌های خود را تاسیس کنند. بدین ترتیب هر یک از استان‌های ترکیه

۱ بازداشت وکیل ترک «یلماس اس»، ۲۹/۱۱/۲۰۱۹. سایت وکلای ترکیه، یورونیوز ترکی.

چندین کانون و کلا خواهد داشت. بر اساس قانون کنونی در هر استان ترکیه تنها یک کانون و کلا شکل می‌گیرد. گفتنی است که کانون‌های و کلا در ترکیه تا حدودی به عنوان منتقد سیاست‌های دولت رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در زمینه حقوق بشر و حاکمیت قانون شناخته می‌شوند.

سرکوب وکلای دادگستری و نقض استقلال وکیل و کانون وکلا در بلاروس

در مردادماه ۱۴۰۰، کمیته حقوق بشر اتحادیه بین‌المللی وکلا (IBAHRI)، حملات دولت بلاروس به حرفه وکالت و وکلای دادگستری در این کشور را محکوم کرد. به گزارش وکلای پرس، نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و مدافع حقوق وکلا، اقدامات دولت بلاروس در خصوص سوءاستفاده از قدرت توسط وزارت دادگستری و نقض استقلال حرفه وکالت و همچنین نقض قوانین و استانداردهای بین‌المللی حرفه وکالت را محکوم کردند.

کمیته حقوق بشر اتحادیه بین‌المللی وکلا (IBAHRI)، در گزارشی تحلیلی به اقدامات تلافی‌جویانه علیه وکلایی که در حمایت از افراد برجسته و یا در اعتراض به نقض حقوق بشر نقش داشته‌اند، پرداخت. در این گزارش ۲۴ مورد اقدامات تلافی‌جویانه علیه وکلایی که از چهره‌های برجسته اپوزیسیون دفاع کرده‌اند یا نگرانی‌های عمومی خود را در مورد نقض حقوق بشر و حاکمیت قانون مطرح کرده‌اند (پس از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری در اوت ۲۰۲۰ در بلاروس که موجب شد «الکساندر لوکاشنکو» قدرت را حفظ کند)، تجزیه و تحلیل شد.

این گزارش که با عنوان «وکلای تحت فشار تهدید» و با همکاری کانون وکلای آمریکا (ABA) و وکلا برای وکلا (L4L) تهیه شده است، جزئیات نقض استقلال حرفه وکالت و افزایش سرکوب حرفه حقوقی در بلاروس را بیان می‌کند. همچنین در این گزارش به دولت بلاروس توصیه‌هایی در خصوص استقلال حرفه وکالت مطابق قوانین و استانداردهای بین‌المللی شده است. وظیفه همه وکلا دفاع از حاکمیت قانون و حقوق بشر است.

مایکل کربی (Michael Kirby)، از اعضای هیئت مدیره IBAHRI، همچنین قاضی سابق دادگاه عالی استرالیا (۱۹۹۶ - ۲۰۰۶ م.) در این زمینه اظهار داشت: «وظیفه همه وکلا، در هر کجا که باشند، دفاع از حاکمیت قانون و حقوق بشر است، به‌ویژه هنگامی که تخلفات آشکاری در حال وقوع است، مانند بلاروس. هدف قراردادن وکلا به طور خاص،

چه مربوط به نمایندگان آنها باشد و چه برای آزادی بیان، مغایر آشکار با اصول اساسی سازمان ملل متحد در مورد نقش وکلا است. یک حرفه حقوقی که توسط دولت یا هر مرجع دیگری هدف قرار می‌گیرد، نمی‌تواند وظایف خود را به طور موثر انجام دهد. پیامد غیرقابل انکار این امر اثرات نامطلوب بر اجرای عدالت است که به ضرر شهروندان است. این وضعیت نا عادلانه و غیر قابل تحمل است و باید متوقف شود.»

موارد دیگر، منع از اشتغال و تعلیق از حرفه وکالت به عنوان یک اقدام تنبیهی علیه وکلا که از دولت لوکاشنکو انتقاد می‌کردند یا در مورد موضوعات بی‌عدالتی ابراز نگرانی کردند، مورد استفاده قرار گرفت. مقامات بلاروس افزون بر هدف قرار دادن وکلا به صورت فردی، اقداماتی را برای محدود کردن و زیر پا گذاشتن استقلال حرفه وکالت در سراسر بلاروس انجام داده‌اند.

وزارت دادگستری از طریق اصلاحات در قانون وکالت (Law on Bar and Advocacy) که قرار بود از نوامبر ۲۰۲۱ م. اجرایی شود، وکلا و موسسات حقوقی را از وکالت افراد متهم به جرایم جنایی و یا اداری علیه حکومت منع می‌کرد و فقط وکلایی که بخشی از سیستم «دفاتر مشاوره» (ایجاد شده توسط دولت) هستند مجاز به وکالت در این پرونده‌ها خواهند بود. به استناد اصلاحات انجام شده در قانون جدید وکالت در بلاروس، برای وکلایی که موکل آنها به عنوان دشمن مقامات بلاروس شناخته می‌شود (The authorities in Belarus deem adversaries)، چندین آزمون از طریق کمیسیون احراز صلاحیت برگزار خواهد شد که معمولاً وکیل موفق به قبول در این آزمون‌ها نمی‌شود، بنابراین در نتیجه این آزمون‌ها پروانه وکالت او تایید مجدد نشده و دیگر نمی‌تواند به عنوان وکیل کار کند.

همچنین وزارت دادگستری حق تدوین کدهای رفتار حرفه‌ای برای وکلا را بر عهده خواهد گرفت. این نقض آشکار استقلال حرفه وکالت در این کشور توسط قوه مجریه است. این امر حق وکلا برای انجام وکالت مستقل و عاری از فشارهای بیجا را نقض می‌کند. در پایان گزارش، کمیته حقوق بشر اتحادیه بین‌المللی وکلا (IBAHRI)، از دولت بلاروس و مقامات مربوطه خواسته تا اقدامات کافی برای اطمینان از حفظ استقلال حرفه وکالت در این کشور صورت پذیرد. توصیه‌های کلیدی عبارتند از:

۱. اتخاذ کلیه اقدامات لازم برای تضمین ایمنی و امنیت فیزیکی وکلا؛

۲. توقف فوری و بدون قیدوشرط کلیه اقدامات آزار و اذیت علیه وکلا، از جمله حملات اداری، تحقیقات با انگیزه سیاسی و تعقیب کیفری، صدور گواهینامه‌های فوق العاده و خلع ید؛

۳. تضمین این‌که در هر شرایطی، وکلای بلاروس قادر خواهند بود فعالیت‌های حرفه‌ای مشروع خود را انجام داده و بدون رعایت ترس از قصاص، به اعمال مشروع حقوق بشر خود بپردازند؛

۴. بازگشت به کار وکلایی که از آگوست ۲۰۲۰ محروم از حرفه وکالت شده‌اند، از جمله وکلای پرونده‌های یادشده؛

۵. معرفی محافظت کافی از تمامیت و استقلال وکلا، از طریق ایجاد یک کانون وکلای کاملاً مستقل؛

۶. لغو اصلاحات جدید قانون وکالت در بلاروس و اصلاح قانون برای حذف نظارت و کنترل حرفه وکالت توسط وزارت دادگستری و همچنین سایر مقررات که استقلال حرفه وکالت را بر خلاف موارد قانونی استانداردهای بین‌المللی محدود می‌کند. خواستار پایبندی به حاکمیت قانون و پایان دادن به مزاحمت‌های وکلا در بلاروس به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای خود هستیم.

رئیس سابق کانون وکلای سوئد (Anne Ramberg) و عضو فعلی کمیته حقوق بشر اتحادیه بین‌المللی وکلا درباره وضعیت وکلای دادگستری در بلاروس گفته بود: «چرخه‌های خبری ۲۴ ساعته امروز به قدری سریع پیش می‌رود که توجه بین‌المللی به یک وضعیت پراکنده شده است. با این حال، ما نباید از بدتر شدن وضعیت وکلا، مدافعان حقوق بشر، مخالفان، روزنامه‌نگاران و دیگران در بلاروس غافل شویم. ما به همراه شرکای خود قصد داریم توجه خود را بر وضعیت بد این افراد در بلاروس متمرکز کنیم. ما خواستار توقف بازداشت‌های خودسرانه هستیم، تا دولت بلاروس برای اصلاح وضعیت بیشتر تلاش کند و جامعه بین‌المللی از ایمنی متخصصان حقوقی این کشور اطمینان حاصل کند.»

طرح جهانی دادگستری در یک تحقیق وسیع از متخصصان خود در ۶۶ کشور جهان بهره برده و آن‌ها هشت شاخص بنیادین را برای تعیین تحقق جامعه مدنی در این کشورها بررسی کرده‌اند. در میان شاخص‌های تحقیق شده آزادی بیان، آزادی تجمع و آزادی کار

قرار داشتند و همچنین تعیین توسعه فساد اداری، جرم‌وجنایت، خشونت و سیستم قوانین مدنی و کیفری و افزون بر آن نظارت بر نهادهای مختلف. تحقیق طرح جهانی دادگستری با کمک مالی بنیاد Bill & Melinda Gates Foundation (بنیان‌گذاران کمپانی مایکروسافت) تحقق یافته است.^۱

قتل رئیس سابق کانون وکلای پاکستان

در سال ۲۰۲۳ رئیس سابق کانون وکلای مدافع پاکستان توسط یک مرد مسلح در داخل دادگاه عالی پیشاور پاکستان کشته شد. بر اساس اعلام پلیس پاکستان، «عبداللطیف آفریدی»، رئیس سابق کانون وکلای مدافع پاکستان و از چهره‌های شناخته‌شده این کشور در داخل دادگاه عالی پیشاور هدف تیراندازی یک مرد مسلح که لباس وکلا را پوشیده بود، قرار گرفت. این فرد مسلح در اتاق کانون وکلای مدافع در دادگاه عالی در شهر «پیشاور» به سوی آفریدی تیراندازی کرد و او را کشت. یک افسر پلیس پاکستان گفت که فرد مهاجم پیش‌تر آقای آفریدی را به سازماندهی قتل پدرش در سال ۲۰۱۵ متهم کرده بود. او همچنین گفت که «عدنان خان»، فرزند «سمیع‌الله خان» عامل این تیراندازی بوده است. در همین حال، در واکنش به این حادثه «شهباز شریف» نخست‌وزیر پاکستان، قتل آفریدی را به شدت محکوم کرد و تاکید کرد که دولت منطقه «خیبر پختونخوا» باید هر کسی پشت این حادثه قرار دارد را به شدت مجازات کند.

سمیع‌الله خان پیش از مرگش، وکالت شکیل آفریدی، پزشک پاکستانی، را بر عهده داشت که به سازمان سیا کمک کرده بود تا مخفیگاه اسامه بن لادن، رهبر شبکه القاعده، را شناسایی کند. بن لادن در سال ۲۰۱۱ توسط نیروهای آمریکا در پاکستان کشته شد.^۲ همچنین در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۹ پراشانت بوشان، وکیل هندی و یکی از منتقدین سرشناس در این کشور، به دلیل دو توییتش و به جرم تلاش برای «توهین و تحقیر دستگاه قضایی هند»، از سوی دیوان عالی کشور هند محکوم به زندان و جریمه نقدی شده است. دلیل محکومیت این وکیل هندی که در حال حاضر ۶۳ سال سن دارد، بارگذاری دو

۱ کمیته حقوق بشر اتحادیه بین‌المللی وکلا (IBAHRI) و گزارش تحلیلی اقدامات تلافی جویانه.

۲ اقدامات حقوقی نسبت به ایمنی و امنیت فیزیکی وکلای بلاروس.

توپیت در شبکه اجتماعی توپیتر بوده که در آن به رییس دیوان عالی کشور هند و برخی قضات آن انتقاد کرده است. او در این خصوص گفته بود: «وقتی مورخان ببینند که چگونه در شش سال گذشته دموکراسی در کشور هند از بین رفته است، آن‌ها به نقش دادگاه و چهار قاضی دادگاه عالی هند اشاره خواهند کرد.»

نقض استقلال کانون و سرکوب، بازداشت، ناپدیدسازی و قتل وکلا در ایران

افزون بر موارد یادشده جمعی از وکلای دادگستری ایران در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۹) به مناسبت «روز جهانی وکلای در معرض خطر» طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به «صادق آملی لاریجانی»، رئیس وقت قوه قضاییه، با اشاره به فشارهای قضایی و امنیتی بر وکلای دادگستری، خواستار آزادی وکلای در بند شدند. در بخشی از این نامه آمده بود: «از طریق همبستگی و همکاری بین وکلای دادگستری و قضات دادگستری است که عدالت محقق می‌شود. هر دو باید بال‌های فرشته عدالت باشند نه این که یکی حاکم و دیگری محکوم باشد.» در پایان و با توجه به انتصاب آملی لاریجانی به عنوان ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، تقاضا نموده بودند در این چند روز باقی مانده به پایان دوره ریاست وی بر قوه قضاییه و بخاطر رعایت حرمت اصول دادرسی منصفانه، عادلانه و بی‌طرفانه که باید زینت دستگاه قضایی باشد، نسبت به آزادی همکاران شریفمان نسرين ستوده، مصطفی دانشجو، محمد نجفی، امیرسالار داوودی، مسعود شمس‌نژاد، فرهاد محمدی و پایان دادن بر محدودیت و فشار بر وکلای دادگستری دستور شایسته صادر گردد تا بدین‌وسیله نام نیکی در تاریخ از خود برجای گذارد.^۱

اگرچه در دوران ریاست آملی لاریجانی بر دستگاه قضایی تصویب تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری را شاهد بوده‌ایم که عامل تبعیض و نابرابری را بین وکلای عدلیه ایجاد و شاهد وکلای خودی و غیرخودی بود که این امر یکی از بزرگ‌ترین ستم‌ها در حوزه وکالت در ایران به شمار می‌رود. فراتر از این وکلای دادگستری در معرض خطرهای مختلف، از جمله تهدید جانی از سوی اصحاب پرونده‌ها قرار دارند. بسیاری از

۱. نقض استقلال کانون و سرکوب، بازداشت، ناپدیدسازی و قتل وکلای دادگستری در ایران، تسلیم‌نامه سرگشاده وکلای دادگستری ایران به صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضاییه در مراسم روز جهانی «وکلا در خطر» در خصوص وضعیت وکلا و فشارهای قضایی و امنیتی بر آنان و اعلام اسامی وکلا در زندان، ۴ بهمن ۱۳۹۴.

این موارد رسانه‌ای نمی‌شود اما از میان حوادثی که در رسانه‌ها انعکاس یافته‌اند می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

- قتل فرزانه پوررجبی در لنگرود به دست موکل سابقش در اردیبهشت ۹۷
- قتل منصور محمودی در ارومیه در خرداد ۹۷ به دست یکی از اصحاب دعوا
- قتل بهرام شیبانی و کیل لامردی در مسیر گردنه نورآباد به پارسیان با شلیک گلوله افراد ناشناس در مهرماه ۹۷
- قتل مشکوک (یا خودسوزی) فرشید هکی و کیل دادگستری در تهران در مهرماه ۹۷
- قتل رضا ساسانی به دست موکل سابقش در فروردین ۹۶ در کرج
- قتل مریم روانبخش در مرداد ۹۶ در شیراز
- قتل علی اصغر درفکی به دست همسر موکلش در تهران در خرداد ۹۳
- قتل «فرهاد اسماعیلی» به دست موکلش در سال ۹۱ در آبادان.

نیز می‌توان یاد کرد از گیتی پورفاضل، وکیل دادگستری، که پس از تنظیم و امضای بیانیه مربوط به استعفای علی خامنه‌ای در تابستان ۱۳۹۸ دستگیر و زندانی شد. همچنین محمدرضا فقیهی، وکیل دادگستری، در سال ۱۳۹۸ پس از حضور در دادستانی اردبیل در آذربایجان که در پی احضار به قاضی «نونهال» معاون دادستان صورت گرفته بود، بازداشت گردید.

سازمان عفو بین‌الملل در آذر ۱۳۹۷ در بخشی از بیانیه خود اعلام کرد که مقامات و مسئولان حکومتی در ایران با پنهان نگه‌داشتن سرنوشت و محل دفن هزاران مخالف و دگراندیش سیاسی که ۳۰ سال پیش طی رویه‌ای فراقضایی در زندان‌ها اعدام و پیکرهایشان تا کنون به خانواده‌هایشان تحویل داده نشده و در گورستان‌های خاوران در ایران دفن شده‌اند، همچنان در حال ارتکاب «جنایت علیه بشریت» هستند. در این گزارش نام ابراهیم رئیسی در کنار «علیرضا آوایی»، «حسینعلی نیری»، «مصطفی پورمحمدی» و «محمدحسین احمدی» به عنوان شخصیت‌های کلیدی که در کشتار ۱۳۶۷ مشارکت داشته‌اند، به چشم می‌خورد. به گفته «فیلیپ لوتر»، مدیر تحقیقات بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی عفو بین‌الملل، در سال ۲۰۲۰: «تحریف غریب و غیرقابل‌باور حقیقت این جنایات شنيع و به موازات آن نمایش آشکار عدم پشیمانی از سوی افرادی که دستانشان

به خون آلوده است، مشمئزکننده است. همه افرادی که در ارتکاب و پنهان نگه داشتن این جنایات‌ها دست داشته‌اند باید پس از محاکمه‌های منصفانه و بدون توسل به حکم اعدام مورد مجازات قرار گیرند.»

حال آن‌که با استناد به اصل‌های سوم، هشتم، نهم، نوزدهم، سی و چهارم، سی و پنجم، سی و ششم و یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی: «زینت هر دستگاه قضایی ابتنا دارد بر سه امر: ۱. دادرسی منصفانه، ۲. دادرسی عادلانه و ۳. مستقل و بی طرف بودن» که به تحقیق این امر در اصول یاد شده قانون اساسی و مواد ۳، ۵، ۶ و ۷ از قانون آیین دادرسی کیفری بیان و یادآور شده است.^۱ از یک سو فرشته آرمانی عدالت دو بال دارد که یکی قاضی دادگستری و دیگری وکیل دادگستری است. از دیگر فراز حسب قوانین و مقررات موجود وکلای دادگستری از همان تامينات قضایی قضات دادگستری باید برخوردار باشند، یکسان و برابر، اما از نابخشودنی در عمل شاهد یک نابرداری، بی عدالتی، تبعیض، بازداشت، ایجاد فشار و تهدید نسبت به وکلای دادگستری هستیم. از دیگر سو به موجب مقررات قانونی و اصول مسلم حقوقی و ضوابط و معیارهای بین‌المللی وکیل دادگستری باید از آزادی دفاع، انتخاب شدن و دفاع از موکلین خود برخوردار باشد. در حقیقت جای وکیل دادگستری زندان نیست بل، محکمه دادگستری و دفاع از موکلین است.

چنانچه گفته شد، از سال ۲۰۱۰ روز ۲۴ ژانویه به نام «روز وکلای در معرض خطر» نام‌گذاری شد. شهر نورنبرگ و سازمان عفو بین‌الملل در این شهر، هر سال به طور مشترک برنامه‌ای را برای بزرگداشت وکلای زندانی با نام «وکیل بدون حق» ترتیب می‌دهند و بخش اعظم یکی از این برنامه‌ها نیز به معرفی «عبدالفتاح سلطانی»، وکیل ایرانی اختصاص داشت.

حمله نیروهای سرکوب‌گر به وکلای دادگستری در ایران

در مهرماه ۱۴۰۱ وکلای دادگستری در اعتراض به نقض حقوق و آزادی‌های اساسی و بنیادین ملت ایران، که یک حقوق جهان‌شمول است، و همین‌طور حملات مسلحانه نیروهای سرکوب‌گر رژیم علیه مردم غیرنظامی و بی‌دفاع، از جمله بازداشت دانش‌آموزان

۱ اصول ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۵۸) و بازنگری (۱۳۶۸). همچنین مواد ۳، ۵، ۶ و ۷ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۴).

و دانشجویان، روبروی کانون وکلا در تهران تجمع کرده بودند که مورد حمله ماموران امنیتی با گاز اشک‌آور قرار گرفته و چند تن از وکلا از جمله محمدرضا فقیهی و سعید شیخ با خشونت بازداشت شدند. در حقیقت در جریان جنبش زن، زندگی، آزادی بیش از ۴۵ وکیل در ایران بازداشت شدند. البته چند تن دیگر از وکلا از جمله بابک پاک‌نیا، میلاد پناهی‌پور، مهسا غلامعلی‌زاده و سعید جلیلیان طی چهار هفته بعد از خیزش وسیع مردم ایران، به دلیل دفاع از حقوق موکلین (بازداشتی) خود بازداشت شدند. حال آن‌که هیچ نهادی حق تعرض به وکلای مردمی دادگستری به هنگام انجام وظیفه را ندارد، زیرا رسالت حرفه‌ای آنان، دفاع از «حق و آزادی» است.

وکلاهای مردمی بر اساس دانش و دانایی حقوق، مسئولیت اجتماعی خود نه تنها وظیفه، بل، دارای صلاحیت نسبت به روشنگری، افشاگری و آگاهی‌رسانی حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین شهروندان هستند.

از دیگر فراز با استناد به اصل ۳۵ قانون اساسی رژیم اسلامی، اصحاب دعوی حق گزینش و انتخاب وکیل را دارند و در زمان سلب حق داشتن وکیل از متهم، حکم صادره توسط دادگاه‌ها فاقد اعتبار قانونی است.

همچنین بر مبنای تبصره دوم ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق گزینش وکیل را از متهم سلب نماید»، حکم صادره فاقد وجهت قانونی است. فراتر از این به موجب ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) «سلب حقوق مقرر در قانون اساسی جرم است.»^۱ به این ترتیب اگر سلب حق انتخاب وکیل توسط دادگاه نسبت به هریک از کنش‌گران مدنی صورت گیرد، افزون بر شکایت کیفری و انتظامی از قاضی می‌تواند درخواست نقض دادنامه را مطرح نمایند. اگرچه از آنجایی که نهاد قضایی در ایران فاقد استقلال بوده و به تبع آن دادگاه‌های عادلانه وجود ندارد تا به شکواییه‌های شاکیان رسیدگی نماید.

بدین اعتبار و بنا بر آن‌چه در بالا بیان شد، دستگاه‌های سیاسی، امنیتی جمهوری اسلامی اساساً کارکرد حقوقی ندارند و مقید به امر حقوقی نیستند که بخواهیم دولت کشور و شهروند را تعریف کنیم.

۱ اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۵۸) و بازنگری آن در (سال ۱۳۶۸) و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).

پس تولید ناامنی کردن، در داخل بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صورت ضمنی وجود دارد. در واقع به عنوان یک حقوق دان خطاب به سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های حقوقی بین‌المللی می‌گوییم، شما با یک رژیم روبرو هستید که مهر حقوقی بر پیشانی قانون اساسی‌اش نیست.

مشکل اساسی، عدم استقلال قوه قضاییه و ... ناکارآمدی و ناتوانی رژیم در شنیدن انتقاد و همچنین نامشخص بودن حقوق متهم در قانون است که اختیارات دستگاه امنیتی، سپاه پاسداران و نیروهای سرکوب‌گر را برای اعمال قدرت باز نگه می‌دارد.

در حقیقت هیچ نهادی حق تعرض به وکلای دادگستری و حقوق‌دانان را به هنگام انجام وظیفه ندارد. رسالت حرفه‌ای آنان دفاع از «حق و آزادی» است. حقوق‌دانان و وکلای شایسته بر اساس دانش و دانایی حقوق، مسئولیت اجتماعی خود، وظیفه روشن‌گری و آگاهی‌رسانی حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین شهروندان را دارند.

از این بیش مایکل پیچ، معاون مدیر بخش خاورمیانه دیده‌بان حقوق بشر، در فوریه ۲۰۱۵ م. گفت: «ایران حالا نه تنها مخالفان، مدافعان حقوق بشر و رهبران کارگری، که وکلای آن‌ها را هم بازداشت و آزادی‌های بنیادینشان را جرم‌انگاری می‌کند.» وی افزود: «وکلای باید سنگ بنای حفاظت از حقوق متهمان باشند اما در چشم مقامات سرکوب‌گر ایران آن‌ها صرفاً دشمنی دیگر هستند. ... مقامات ایران در حال از بین بردن آن‌چه هستند که از آزادی‌های بنیادین باقی مانده تا نقض‌های متعددشان علیه شهروندان خود را مخفی کنند.»

قانون حقوق بشر بین‌المللی آزادی تجمع و بیان را ضمانت می‌کند. ماده ۲۱ از پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران به آن پیوسته است، حق تجمع مسالمت‌آمیز را به رسمیت می‌شناسد و می‌گوید: «اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آن‌چه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.» اصول پایه‌ای سازمان ملل درباره نقش وکلا اعلام می‌کند که وکلا باید اجازه داشته باشند تا شغلشان را «بدون تهدید، مانع، آزار یا دخالت نامربوط» انجام دهند. افزون بر این، حق وکلا برای آزادی بیان را مورد تاکید قرار می‌دهد که در ماده ۱۹ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم اعلام شده است و

شامل «حق شرکت در گفتگوهای علنی درباره موضوعات مرتبط با قانون، اجرای عدالت و تبلیغ و حفاظت از حقوق بشر» می‌شود.^۱ این در حالی است که ایران با حاکمیت جمهوری اسلامی از جمله کشورهایی است که در تحقیق طرح جهانی دادگستری در سال ۲۰۲۱ م. مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. در این گزارش آمده که در ایران تاثیرگذاری سیاسی بر سیستم حقوقی، امری عادی شده و نظارت بر نهادهای دولتی با اشکالات فراوانی روبروست. ایران در این زمینه در میان ۶۶ کشور مورد بررسی، مقام ۵۹ را به دست آورده است.

۱ ماده ۱۹ و ۲۱ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶ م.)، کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، تالیف: دکتر حسین مهرپور، استاد دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران / بهشتی، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، چاپ موسسه اطلاعات.

فصل سوم اسناد بین‌المللی و حقوق بشر در پرتو دادرسی عادلانه

معاهدات اولیه حقوق بشر

در اواخر قرن نوزدهم، بیش‌تر حقوق‌دانان اروپایی در کانون وکلا مستقل کار می‌کردند که هر یک آداب و رسوم خاص خود را داشتند. با این حال، پس از جنگ جهانی اول، وکلای اروپایی به تدریج به اهمیت کمک به برخی از کانون‌های وکلا در مدرن‌سازی و ایجاد ارتباطات بین‌المللی پی بردند. در ژوئیه سال ۱۹۲۵ م. وکلا از بلژیک، فرانسه و لوکزامبورگ پروژه «Union Internationale des Avocats» را آغاز کردند که پس از دو سال همکاری در ۸ ژوئیه ۱۹۲۷ م. در شارلواي بلژیک به اجرا در آمد. پس از تشکیل UIA، چندین کانون وکلا به دنبال عضویت در آن بودند. پس از پیوستن به انجمن، هر عضو جدید تلاش‌های بی‌نظیری را در جهت اهداف UIA انجام داد: «تطبیق با شرایط جدید اقتصادی و بین‌المللی و همکاری با سازمان ملل برای برقراری صلح پایدار»^۱.

در نیمه دوم قرن بیستم، تقویت فرایند حق دفاع از حقوق شهروندان با حضور وکیل مدافع در مراحل دادرسی شاهد تحولات شگرفی شد و جامعه بین‌المللی با تنظیم اسناد

۱ سایت کانون بین‌المللی وکلا International Bar Association.

بین‌المللی به‌ویژه در حوزه حقوق بشر به استقبال این تحول تاریخی رفت. تحولی که با شکل‌گیری اتحادیه و کلاً چه در عرصه داخلی کشورها و چه در حوزه بین‌الملل، دولت‌ها را به سمت دادرسی عادلانه و تحکیم مظاهر دادرسی منصفانه با هدف الزام آن‌ها به رعایت حقوق شهروندان رهنمون ساخت. در حقیقت جامعه و کلاً در هیئت نهاد و کالت، بخش فرهیخته جامعه مدنی است که نقش احیاگر را در حوزه داخلی و بین‌المللی و نقش محوری در صیانت از حقوق فردی و استیفای حقوق جامعه و تقویت پایه‌های عدالت دارد و این برتری هم از جنبه عقلانی و هم از جنبه واقعی، اصلی انکارناپذیر است.

میثاق جامعه ملل (مصوب ۱۹۱۹ م.) و رسای/پاریس^۱ و منشور ملل متحد (مصوب ۱۹۴۵ م. سانفرانسیسکو) و اهداف مقرر در آن، در تحول نهاد قضاوت و وکالت موثر بوده‌اند.^۲

از دیگر تحولات و دستاوردهای قابل اشاره در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد: تاسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی توسط جامعه ملل در ۱۹۲۰ م. و دیوان بین‌المللی دادگستری (دادگاه جهانی) به عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد (۱۹۴۶ م.)^۳ و تصویب اساسنامه و آیین دادرسی آن‌ها، همراه با تاسیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان مورد نظر در ۱۹۴۶ م.^۴ تاسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل آن سازمان در ۱۹۴۹ م. و تبدیل و تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد^۵ در ۲۰۰۶ به عنوان یکی از نهادهای سازمان ملل و ارکان فرعی مجمع عمومی ملل متحد با هدف نشان‌دادن موارد نقض حقوق بشر؛ تهیه و تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ م.^۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق

۱ نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، موسسه انتشارات اطلاعات ۱۳۹۶، ص ۲۷.

۲ منشور ملل متحد (مصوب ۱۹۴۵ م.)، سانفرانسیسکو و حقوق بشر، همان منبع، صص ۳۷ و ۴۰. در سال ۱۳۲۴ از سوی دولت ایران در سانفرانسیسکو امضا و در ص ۳۴ روزنامه رسمی کشور چاپ گردید.

۳ مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، تالیف ویلیام اش. بث، مترجمین، دکتر سید باقر میرعباسی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، دکتر حمید الهوتی نظری، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران چاپ دوم، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۷، مقدمه؛ قطعنامه ۲۱۶(III)B مجمع عمومی.

۴ همان منبع، ص ۴۲.

۵ United Nations Human Rights Council

۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸ م.)، همان منبع، ص ۴۳.

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ م. و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها در سال ۱۹۸۹ م.؛ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ (۱۹۴۲ م.)؛ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی (مصوب ۱۹۴۹ م.)؛^۱ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵ م.)؛^۲ قطعنامه سازمان ملل مربوط به نظام‌نامه رفتاری برای مسئولان اجرای قانون (۱۹۷۹ م.)؛^۳ کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فردی و آزادی‌های اساسی مورخ ۱۹۵۰ م.؛^۴ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۴ م.)؛^۵ مصوبه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مربوط به مجموعه قواعد حداقل برای رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با آن‌ها (ژنو، ۱۹۵۷ م.)؛^۶ منشور حقوق و آزادی‌های کانادایی؛^۷ کنوانسیون اروپایی حقوق

- ۱ قراردادهای ژنو ۱۹۴۲ - ۱۹۴۹ همان منبع، صص ۲۶۶ تا ۲۷۱. کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، تالیف دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، چاپ موسسه اطلاعات، صص ۲۵۱ تا ۲۶۵.
- ۲ کنوانسیون تبعیض نژادی، (مصوب ۱۹۴۵ م.) طی قطعنامه شماره ۲۱۰۶ A(XXX) مجمع عمومی سازمان ملل متحد. کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، چاپ موسسه اطلاعات، صص ۸۳ تا ۹۰.
- ۳ قطعنامه سازمان ملل متحد، نظام‌نامه رفتاری برای مسئولان اجرای قانون ۱۹۷۹ م. بر اساس ماده ۱۲۵-۱۸ که در خصوص حق بهره‌مندی متهم از همراهی وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی با ضمانت اجرای بطلان تحقیقات در ماده ۱۲۵-۲۳، فصل‌نامه اطلاع‌رسانی حقوقی، مبحث بررسی قانون آیین دادرسی کیفری، ص ۲۰۲، عاطفه عباسی کلیمانی، ۱۳۸۷، شماره ۱۴.
- ۴ کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فردی و آزادی‌های اساسی، مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده در نوامبر (۱۹۵۰ م.) تصویب شد. نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، ص ۱۸۲ و ۱۸، چاپ هفتم، موسسه اطلاعات.
- ۵ همان منبع، ص ۹۴ و ۱۰۱؛ حقوق جنایی، تالیف دکتر عبدالحسین علی آبادی، ج ۱، صص ۱۵ و ۱۶ و COMPANION TO LAW و قانون اساسی سوئد (۱۹۸۹ م.)، ماده ۴ و ۵ فصل دوم (حقوق اساسی و بنیادین مردم) که مجازات بدنی را ممنوع کرده است.
- ۶ مصوبه مربوط به قواعد بر رفتار زندانیان، ژنو ۱۹۵۷ م. طی قطعنامه (XXIV663C) شورای اقتصادی و اجتماعی در سال (۱۹۵۷ م.) و قطعنامه (LXII2076) که سال ۱۹۷۷ م. به تصویب رسیده و قطعنامه شماره ۱۰، درباره وضعیت زندانیان و قطعنامه شماره ۱۷ درباره حقوق بشر زندانیان مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمان و... گام‌های نسبتاً موثری در جهت حمایت خاص از حقوق زندانیان به عمل آورده است که این اقدامات در مقایسه با این اعلامیه گسترده‌تر و جامع‌ترند.
- ۷ بخش ۱۵ منشور حقوق و آزادی‌های کانادا، شامل برابری اجتماعی تضمین شده است. به عنوان بخشی از قانون اساسی (۱۹۸۲ م.) کانادا است. این بخش اشکال خاصی از تبعیض اعمال‌شده توسط دولت‌های کانادا را به استثنای برنامه‌های اصلاحی (برابری شغلی و...) ممنوع می‌کند. حقوق ذیل بخش ۱۵ شامل برابری نژادی، برابری جنسیتی، ناتوانی ذهنی و ناتوانی جسمی است. در رویه قضایی کانادا، این بخش منبع حقوق ال.جی.بی.تی نیز بوده است. این حقوق برای «هر فرد» یعنی هر شخص حقیقی تضمین شده است. این عبارت «شخص حقوقی» مانند شرکت‌ها را مستثنی می‌کند، در تقابل با سایر بخش‌هایی که از کلمه «همه» استفاده می‌کنند، جایی که منظور از «شخص حقوقی» گنجانده شده است. بند ۱۵ از (سال ۱۹۸۵ م.) لازم‌الاجرا است.

بشر؛^۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛^۲ منشور آفریقایی حقوق بشر؛^۳ اساسنامه دیوان‌های رواندا و یوگسلاوی ICC و ICJ؛^۴ طرح اعلامیه حق توسعه در سال ۱۹۸۶ م. و منشور حقوق بشر اسلامی، اعلامیه قاهره، در مورد حقوق بشر در اسلام، (۱۹۹۰ م. / ۱۳۶۹ خ.)^۵.

در این میان، وضع و تصویب معاهدات دو و چند جانبه منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای و بین‌المللی و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق اساسی بشر، دادرسی و وکالت از زمره تحولات اساسی در توسعه تدریجی فرایند حقوقی و بین‌المللی قواعد مربوطه وکالت و دادگستری بوده‌اند. تصویب قطعنامه‌های رفتار اساسی با وکلا و راهنما در مورد نقش دادستان‌ها (مصوب ۱۹۹۰ م.)؛^۶ پیمان جهانی حقوق کودک (۱۹۸۹ م.)؛^۷ کنوانسیون شرح و مسئولیت دولت‌ها؛ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و... نیز از پیامدهای مصوبات مجامع عمومی ملل متحد و سازمان‌های تخصصی ذیربط آن در این رابطه بوده است.

- ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ م.)، مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده، کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، موسسه انتشارات اطلاعات، صص ۱۸۲ تا ۱۹۵.
- ۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، (مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ م.)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تالیف، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، موسس انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۶، صص ۲۱۳ تا ۲۱۸.
- ۳ منشور آفریقایی حقوق بشر، (مصوب ۱۹۸۱ م.) و اجرای (۱۹۸۶ م.)، مشتمل بر یک مقدمه و ۶۸ ماده، همان منبع، صص ۲۲۹ تا ۲۳۵.
- ۴ اساسنامه دیوان‌های رواندا و یوگسلاوی، ICJ، ICC و طرح اعلامیه حق توسعه در سال (۱۹۸۶ م.)، اساسنامه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، قطعنامه شماره ۱۹۹۳-۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد و اساسنامه بین‌المللی کیفری رواندا، قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت (۱۹۴۴ م.)، همان منبع، صص ۱۰، ۱۱ و ۲۱. طرح اعلامیه حق توسعه سال (۱۹۸۶ م.) در قالب قطعنامه ۴۱/۱۲۸ شورای امنیت سازمان ملل.
- ۵ منشور حقوق بشر اسلامی/اعلامیه قاهره در خصوص حقوق بشر در اسلام، ۱۴۱۱ ق.، ۱۹۹۰ م. ۱۳۶۹ خورشیدی کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، سال ۱۳۹۶، چاپ انتشارات اطلاعات، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.
- ۶ تصویب قطعنامه‌های رفتار اساسی با وکلا و راهنما در خصوص نقش دادستان‌ها (مصوب ۱۹۹۰ م.)، قطعنامه‌های سازمان ملل شماره ۱۶ از ششمین کنگره قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان از کمیته پیشگیری از جرم و کنترل آن در خواست شد تا تشریح دستورالعمل‌های مربوط به استقلال قضات و انتخاب آموزش شغلی و وضعیت قضات و دادستان‌ها را در بین اولویت‌هایش قرار دهد. نظر به این که هفتمین کنگره قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان اصول اساسی راجع به استقلال قوه قضاییه را اتخاذ کرد که بعداً توسط مجمع عمومی در قطعنامه‌های سازمان ملل ۳۲/۴۰ و ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ م. و ۱۴۶/۴۰ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ م. تصدیق شد.
- ۷ پیمان جهانی حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) تصویب و در سال ۱۹۹۰ م. قابلیت اجرایی یافت. کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، چاپ انتشارات اطلاعات، صص ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۳۶.

کانون وکلای بین‌المللی (International Bar Association) به اختصار (IBA) که در سال ۱۹۴۷ م. تاسیس شد، یک کانون وکلا متشکل از وکلا، متخصصان بین‌المللی حقوقی، کانون‌های وکلا و انجمن‌های حقوقی است. IBA در حال حاضر عضویت بیش از ۸۰ هزار وکیل و حقوق‌دان انفرادی و ۱۹۰ کانون وکلا و انجمن‌های حقوقی را دارد. دفتر مرکزی آن در لندن، انگلیس واقع شده است و دفاتر منطقه‌ای در واشینگتن، دی‌سی، سئول و سائوپائولو دارد. نمایندگان ۳۴ کانون وکلا در ۱۷ فوریه ۱۹۴۷ م. در نیویورک جمع شدند و کانون وکلای بین‌المللی را ایجاد کردند. عضویت اولیه محدود به کانون‌های وکلا و انجمن‌های حقوقی بود اما در سال ۱۹۷۰ م. عضویت در آن به وکلا نیز اختصاص یافت. اعضای حرفه‌های حقوقی شامل وکلای دادگستری، اعضای دادگستری، کانون وکلای داخلی، وکلای دولت، دانشگاهیان و دانشجویان حقوق، IBA را تشکیل می‌دهند.^۱

IBA از سال ۱۹۴۷ م. در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) دارای جایگاه ویژه مشاوره‌ای بوده است. در ۹ اکتبر ۲۰۱۲، تفاهم‌نامه‌ای را با سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) امضا کرد. همچنین این نهاد با سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در استراتژی مبارزه با فساد همکاری می‌کند. همچنین با سازمان‌های دیگری از جمله فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) و سازمان بین‌المللی کارفرمایان (IOE) همکاری کرده است. کانون وکلای بین‌المللی به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش تمرین حقوقی (LPD) و بخش منافع عمومی و حرفه‌ای (PPID). در هر بخش کمیته‌ها و انجمن‌های مختلفی وجود دارد که این کمیته‌ها و انجمن‌ها نشریات منظمی را منتشر می‌کنند که به رویه حقوقی بین‌المللی متمرکز است. (PPID) شامل کمیسیون امور وکالت (BIC) و مؤسسه حقوق بشر (IBAHRI) است. (BIC) در سال ۲۰۰۴ م. تاسیس شد و متشکل از نمایندگان کانون وکلا و انجمن‌های حقوقی در سراسر

۱ کانون وکلای بین‌المللی (IBA)، به انگلیسی: International Bar Association) تاسیس در سال ۱۹۴۷ تا

۱۹۷۰ م.، سایت www.ibanet.org / The global voice of the legal profession.

این کانون وکلا متشکل از وکلا، متخصصان بین‌المللی حقوقی، کانون‌های وکلا و انجمن‌های حقوقی است. IBA در حال حاضر عضویت بیش از هشتاد هزار وکیل و حقوق‌دان انفرادی و ۱۹۰ کانون وکلا و انجمن‌های حقوقی را دارد. دفتر مرکزی آن در لندن، انگلیس واقع شده است و دفاتر منطقه‌ای در واشینگتن، دی‌سی، سئول و سائوپائولو دارد.

جهان است و مدیر اجرایی کنونی IBA، مارک الیس (وکیل) است. همچنین موسسه حقوق بشر بین‌المللی (IBAHRI) در سال ۱۹۹۵ م. به ریاست افتخاری «نلسون ماندلا» تاسیس شد. رسالت آن «ترویج محافظت و اجرای حقوق بشر تحت یک قاعده عادلانه قانون» است. IBAHRI پروژه‌های مختلفی را در زمینه حقوق بشر و حاکمیت قانون به‌ویژه در رابطه با استقلال وکلا و حقوق محاکمه منصفانه در دست می‌گیرد.

کانون وکلای دادگستری ایران در سال ۱۳۲۹ به عضویت کانون وکلای بین‌المللی در آمده است. کانون وکلای بین‌المللی در سال ۲۰۱۳ از دولت ایران درخواست کرد اکیدا از موارد نقض استقلال حرفه حقوقی خودداری کند.

در سال ۱۳۹۹ کانون وکلای بین‌المللی و موسسه حقوق بین‌الملل وکلای دادگستری (IBAHRI) با پیوستن به ۱۲ هزار وکیل ایرانی و جامعه بین‌المللی حقوقی، پیش‌نویس لایحه‌ای را که توسط محمد مصدق، معاون حقوقی قوه قضاییه، ارائه شده است و به موجب آن استقلال کانون وکلای ایران از بین می‌رود، محکوم کرد.^۱ بیش از ۱۲ هزار نفر از حقوق‌دانان ایران به طور مشترک نامه‌ای به ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه، نوشتند و امضا کردند که در آن به تهدید استقلال کانون وکلای دادگستری اعتراض شد. افزون بر این، ۱۸۰ قاضی سابق ایران این نامه اعتراضی را امضا کرده‌اند که در آن از رئیس قوه قضاییه خواسته شد تا لایحه پیشنهادی را لغو کرده و به «دخال غیرقانونی» در امور کانون وکلای ایران پایان دهد. رئیس کانون بین‌المللی وکلا، هوراسیو برناردز نتو، در این زمینه گفت: «به عنوان صدای جهانی نماینده وکلای حقوقی بین‌المللی، ما عمیقاً نگران هر گونه تجاوز به حقوق وکلای ایرانی و تهدیدهای مربوط به کانون حرفه‌ای مستقل آن‌ها هستیم. ما از دولت ایران می‌خواهیم که قوانین بین‌المللی را رعایت کند و برای حفظ استقلال کانون وکلای ایران، این لایحه را بلافاصله ابطال کند.» دولت جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد هیئت اجرایی کانون وکلا را که به صورت آزاد و انتخابی است، به یک هیئت انتصابی از طرف قوه قضاییه تغییر دهد. این امر می‌تواند تهدید بزرگی برای استقلال حرفه حقوقی در ایران محسوب شود و کانون وکلای مستقل و خودگردانی که از حقوق و منافع وکلای ایرانی

۱ حمایت کانون بین‌المللی وکلا از وکلای ایران، ایندپندنت فارسی.

محافظت می‌کند، با چنین تغییری در چنگال حکومت خواهد بود.

در پیش‌نویس این لایحه، کانون وکلای فعلی ایران با «شورای عالی هماهنگی امور وکلا» جایگزین می‌شود که هفت عضو آن از طرف مقامات تعیین می‌شوند. از میان آن هفت عضو، فقط دو نفر - رئیس کانون وکلای مرکزی و رئیس اتحادیه کانون‌های وکلای ملی - نماینده واقعی منافع وکلای ایرانی هستند. مدیر اجرایی کانون بین‌المللی وکلا، مارک الیس، در این زمینه گفت: «ما از این لایحه پیشنهادی نگران هستیم، زیرا نقشی را در یک حرکت گسترده‌تر برای محدود کردن استقلال حرفه حقوقی و سابقه خطرناک آن بر عهده می‌گیرد. ما با قضات و وکلای معترض به پیش‌نویس لایحه که چنین دخالت‌هایی را نقض قوانین بین‌المللی می‌دانند، همراه هستیم.»

پتر کووز، رئیس کمیسیون امور وکالت IBA، نیز اظهار داشت: «استقلال حرفه‌ای حقوقی بدون یک وکالت مستقل تضمین نمی‌شود. خودگردانی حرفه حقوقی ایران و کانون وکلای آن یکی از معدود تضمین‌های حمایت از حقوق اساسی شهروندان است، آن هم در کشوری که نقض حقوق اساسی مدنی و انسانی، عملی هر روزه است. بنابراین، جامعه حقوقی بین‌المللی باید از جامعه حرفه‌ای حقوقی ایران که مخالف این لایحه است، حمایت کند.»

کانون وکلای دادگستری ایران در سال ۱۹۱۵ م. تاسیس شد و در سال ۱۹۵۳ م. به استقلال کامل رسید. این کانون، قدیمی‌ترین نهاد جامعه مدنی در نظام حقوقی ایران است. پیش‌نویس لایحه فعلی اقدامی برای غصب استقلال آن قلمداد می‌شود و بخشی از فرسایش مداوم استقلال عمومی حرفه حقوقی ایران به شمار می‌رود. در سال ۲۰۰۷، نماینده‌ای از «کانون بین‌المللی وکلا» برای ارزیابی وضعیت حاکمیت قانون و استقلال حرفه حقوقی در کشور به ایران سفر کرد. بر اساس مشاهدات این نماینده، حرفه وکالت در ایران فاقد استقلال است. در حال حاضر، نامزدهایی که متقاضی کارآموزی قانونی هستند، بر اساس اعتقادات و وابستگی‌های فکری خود، به شدت محدود می‌شوند. اخیراً محدودیت‌های بیش‌تری اعمال شده است. زیرا ماده ۴۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، رئیس قوه قضاییه ایران را به عنوان یگانه قدرت در تعیین وکلا برای دفاع از متهمان در مراحل اولیه محاکمات مربوط به امنیت ملی، منصوب کرد.

سال ۲۰۲۰، سی‌وپنجمین سالگرد بنانهادن «اصول اساسی سازمان ملل درباره نقش

و کلا» و معیارهای «کانون بین‌المللی و کلا» برای استقلال حرفه حقوقی است. هر دوی این ابزارها، به عنوان بخشی از اصل اساسی استقلال حرفه حقوقی و به عنوان ستون اساسی هر جامعه واقعا دموکراتیک، استقلال کانون‌های و کلا را تضمین می‌کنند. در انتهای این بیانیه آمده است: «اصول اساسی سازمان ملل متحد، حقوق و کلا را برای تشکیل و پیوستن به انجمن‌های تخصصی حرفه‌ای خودگردان و توانایی آن‌ها را در «انجام وظایفشان» بدون دخالت بیرونی، تعیین می‌کند.

ضوابط «کانون بین‌المللی و کلا» تایید می‌کند که در هر حوزه قضایی «انجمن‌های خودگردان و مستقل و کلا» در قانون به رسمیت شناخته می‌شوند و «شورا» یا دیگر دستگاه اجرایی آن‌ها بدون هیچ گونه دخالت، توسط همه اعضا آزادانه انتخاب می‌شوند. بر اساس این ضوابط «بدنه اجرایی کانون‌های و کلا، مانند مواردی که در ایران شاهد آن هستیم، نباید با هیچ گونه دخالت و انتصاب دولتی همراه بشود که در چنین صورتی «نقض آشکار و فاحش اصول اساسی قانون بین‌المللی خواهد بود».^۱

منشور اصول اساسی حرفه وکالت در اتحادیه اروپا، مصوب ۲۰۰۶

تنها در یک جامعه مبتنی بر احترام به اصول عدالت، وکلای دادگستری و حقوق‌دانان می‌توانند نقش برجسته ایفا نمایند. شورای کانون‌های وکلای کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اتفاق آراء، منشور اصول اساسی حرفه وکالت اروپایی را در سال ۲۰۰۶ به تصویب رساند که در حقیقت این منشور حاوی ۱۰ اصل اساسی و مشترک حرفه وکالت در اتحادیه اروپا می‌باشد. از جمله اصل‌های مهم این منشور عبارت است از:^۲

ماده ۱-۱ قانون اصول حرفه‌ای وکلای اروپایی تصریح می‌دارد: «در اتحادیه اروپا به رغم تفاوت در سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو، اما اصول اساسی مشترکی برای وکلا وجود دارد که در واقع این اصول هستند که قوانین ملی و بین‌المللی که کشورها در خصوص حرفه وکالت تصویب می‌کنند را پایه‌گذاری می‌نمایند.» آن

۱ بیانیه رئیس کمیسیون امور وکالت IBA در خصوص دفاع از استقلال کانون وکلای ایران ۲۰۲۰ «حمایت کانون بین‌المللی وکلا از وکلای ایران».

۲ متن کامل‌تر این سند به عنوان ضمیمه در پایان کتاب آمده است.

۳ همراهی کانون بین‌المللی وکلا در اعتراض به لایحه اخیر قوه قضاییه - سایت فارسی ایندپندنت.

اصول عبارتند از:

- اصل استقلال و آزادی تضمین دفاع از حقوق موکل و ارائه مشاوره حقوقی،
- اصل احترام به اسرار حرفه‌ای و اعتماد در خصوص اموری که به او محول شده است،
- اصل اجتناب از تعارض منافع، خواه در حالت تعدد موکلان و یا در حالت رابطه میان وکیل و موکل،
- اصل صلاحیت حرفه‌ای،
- اصل احترام به دولت «قانون مدار» و مشارکت در اداره صحیح دستگاه عدالت

وکیل باید به حیث سیاسی، اقتصادی و فکری در اجرای وظیفه مشاوره و نمایندگی از موکلش آزادانه عمل کرده و مستقل باشد. در واقع وکیل دادگستری و حرفه وکالت باید از «حاکمیت، قوای عمومی و قدرت‌های اقتصادی مستقل و مجزا» باشد. در واقع شورای قانون‌های وکلای اتحادیه اروپا باورمند است که تنها یک درجه بالای تنظیم خودکار است که می‌تواند «ضامن استقلال حرفه وکالت» از حکومت‌هایشان باشد. به سخنی دیگر وکلای دادگستری غیرمستقل نمی‌توانند وظایف حرفه‌ای و قانونی خود را کامل بیندارند.

کانون وکلای سوئد / Advokat samfundet

کانون وکلای سوئد در سال ۱۸۸۷ م. به عنوان یک اتحادیه خصوصی تاسیس شد و در سال ۱۹۴۸ م. به عنوان یک شخصیت حقوقی وارد قوانین دادگاه‌ها گردید که تا کنون نیز از این وضعیت حقوقی برخوردار است. این کانون با بسیاری از سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های بین‌المللی در ارتباط بوده و با جدیت وضعیت وکلا را دنبال می‌کند. در حقیقت کانون وکلای سوئد با پیروی از منشور اصول اساسی حرفه وکالت در اتحادیه اروپا از استقلال کامل برخوردار بوده و همانند دستگاه مستقل قضایی در این کشور اقدامات حقوقی خود را در جهت منافع موکل انجام می‌دهد.

از این بیش جایگاه وکلا و حقوق‌دانان صالح در کشور سوئد برجسته است و نه تنها در دفاع از «حقوق موکل/متهمم» از ابتدای تشکیل پرونده در اداره پلیس و به‌ویژه در مرحله تحقیقات و بازجویی‌های مقدماتی او را همراهی می‌کند، بل، در بازنگری، اصلاح و یا تغییر

قوانین نیز نقش تاثیرگذاری ایفا می‌کنند. برای نمونه چندی پیش رئیس کانون وکلا در سوئد، آنه رامبری، در خصوص قوانین پناهندگی در گفتگو با «اکوت» بخش خبری رادیو سوئد گفت: «ما فکر می‌کنیم که سرعت‌بخشیدن به رسیدگی به پرونده پناهجویان سبب پایین‌آمدن کیفیت بررسی آن‌ها خواهد شد. احتمال بدترشدن این وضعیت و بازگشت به سطحی که پیش از این معمول بود نیز وجود دارد.» از سوی دیگر آنه رامبری معتقد است که هم‌اکنون صف انتظار برای رسیدگی به پرونده پناهجویان بسیار طولانی است. به همین جهت پروژه جدید اداره امور مهاجرت برای کوتاه‌کردن مدت این انتظار اساساً ایده خوبی است اما این پروژه شامل بخش‌هایی است که منجر به کاهش امنیت قضایی پناهجو خواهد شد. یکی از این موارد، زمان کمتری است که به پناهجو برای تکمیل پرونده و پاسخ به نامه‌ارسالی از سوی اداره مهاجرت داده می‌شود.^۱

شایان یادآوری است که در خصوص اصل استقلال نهادهای قضایی اعم از دادگستری و کانون‌های وکلا در جهان و در بررسی موسوم به «تحقیق طرح جهانی دادگستری مستقل» در سال ۲۰۲۱، سوئد و نروژ مقام اول را در رعایت شاخص‌های جامعه مدنی کسب کرده‌اند. آلمان نیز در میان شش شاخص از مجموع هشت شاخص مورد بررسی در میان ۱۰ کشور اول جهان قرار دارد.^۲ تحقیق طرح جهانی دادگستری نشان‌دهنده آن است که در مجموع، اروپای غربی بهترین شرایط را برای رعایت شاخص‌های جامعه مدنی به دست آورده است. در واقع بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی نه امکان جامعه‌ای عادلانه و نه امکان اعتلای آن خواهد بود. از این بیش بر اساس اصل معتبر حقوقی «اصل برائت» اساساً وکیل دادگستری با توجه به دارابودن پروانه وکالت، حق وکالت و ورود به هر پرونده‌ای را بر اساس قانون دارد و گزینش وکلا توسط قوه قضایی در ایران نمی‌تواند به دلیل «فقدان معیار، مبنا و مرجع» قانونی و شرعی باشد. به دیگر سخن سیاست نهادینه‌شده در قوه قضاییه از ابتدا تا کنون بر اساسی پایه‌ریزی شده است که به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی، حداقل امکانات را در اختیار متهمان قرار دهد. مورد اخیر اما هم شوک‌آور و هم نگران‌کننده است. در تاریخ قضایی ایران و حتی دیگر

۱ منشور اصول اساسی حرفه وکالت در اتحادیه اروپا (مصوب ۲۰۰۶م).

۲ کانون وکلای سوئد در سال ۱۸۸۷م. تاسیس گردید.

کشورها که دیکتاتوری حاکم است، چنین رویکردی وجود نداشته است، اما این شیوه رایج سرکوب‌گران برای تثبیت این موضوع در افکار عمومی است.

مقایسه قوانین وکالت در ایران و سوئد

در خصوص استقلال نهاد قضایی سوئد و در جریان محاکمه «حمید نوری / عباسی» و در زمان دفاع از خود در سال ۲۰۲۲ م، نوری مدعی شد که «دادگاه‌های ایران جدا از دادگاه‌های سوئد هستند. آن‌جا می‌گویند حرف بزن، این‌جا می‌گویند حرف نزن. من به سبک ایران جواب می‌دادم و تا سه ماه به من توضیح ندادند که تو می‌توانی سکوت کنی و حرف نزنی. آیین دادرسی خود سیستم قضایی سوئد را درباره من رعایت نکردند.» به گفته او «پلیس سوئد عادلانه بازجویی نکرد».^۱ حمید نوری در عین حال اسامی ۱۴ پلیسی که از او بازجویی کرده‌اند را در دادگاه خواند و از آن‌ها تشکر کرد. او همچنین گفت که قوانین سوئد در مورد بازجویی برای او اجرا نشده است و بازجوها او را راهنمایی نکردند که نباید «برخی نام‌ها» را بگوید.

قانون وکالت یا (BRADO) در آلمان

کانون وکلای آلمان نخستین بار در سال ۱۸۷۱ م. تاسیس و در سال ۱۹۳۹ م. توسط دولت وقت آن کشور به رهبری آدولف هیتلر تعطیل شد.^۲ کانون وکلای آلمان، نماینده حرفه حقوقی آلمان است.

وکلاي دادگستری در این کشور به صورت مجزا و مستقل عمل می‌کنند و چنانچه وکیلی نسبت به وظایف خود تخلف نماید به موجب قوانین کانون وکلای محلی که وی عضو آن است بررسی و سپس توسط سازمان وکلای کل کشور صلاحیت آن وکیل مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت. در آلمان یکی از زیرشاخه‌های رشته حقوق در بازار کار، وکالت می‌باشد. برای ورود به بازار کار وکالت تمام کشورها ضوابط خاص و آزمون‌های خاصی را در نظر می‌گیرند. از جمله این ضوابط رسیدن به حد نصاب نمره در

۱ تحقیق طرح جهانی دادگستری مستقل ۱۵/۰۶/۲۰۲۱.

۲ مقایسه اجرای قوانین وکالت در ایران و سوئد محاکمه حمید نوری / عباسی در فصل دفاعیات حمید نوری ۲۰۲۲ م.

آزمون و کالت می‌باشد.

در کشور آلمان قانون وکالت (BRADO) توسط مجلس وضع می‌گردد و این سازمان به صورت مستقل و آزاد تعریف می‌شود و وکلا نیز شغلشان آزاد تعریف می‌شود. قانون وکلا در آلمان نیز مانند دیگر کشورهای دنیا به گونه‌ای استقلال دارد که حتی دولت هم امکان اعمال نفوذ و تغییر در آن را ندارد. افزون بر این در سال ۱۹۹۴ م. توسط تعدادی از وکلای عالی‌رتبه دادگستری طی یک انتخابات آزاد تشکیل شد و آن را «هیئت قانون‌گذار» نامیدند تا با مسئولیت‌های محدود بر فعالیت وکلا نظارت داشته باشد.^۱

آیین دادرسی کیفری در استانداردهای حقوقی بین‌المللی

در حقیقت برای کشف، تعقیب و رسیدگی به جرایم، رعایت تشریفات خاص قانونی ضرورت دارد که مجموع آن را آیین دادرسی کیفری می‌نامند و هدف از اجرای آن‌ها جلوگیری از تعقیب و مجازات افراد بی‌گناه و نیز تضمین مجازات مجرمان است.

اهمیت آیین دادرسی کیفری به حدی است که آن را معیار مناسبی برای آگاهی از احترام به حقوق و آزادی‌های فردی در هر کشور می‌دانند. امروزه حقوق مربوط به آیین دادرسی کیفری تحت تاثیر اصول بنیادین حقوق بشر دچار تحول اساسی شده و مفهوم دادرسی منصفانه به استاندارد مشترک و جهان‌شمول دادرسی تبدیل شده است.^۲

حق برخورداری از دادرسی منصفانه در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله؛ اعلامیه جهانی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی عنوان گردیده است و در قوانین اساسی و حتی عادی بسیاری از کشورها نیز مورد تاکید قرار گرفته است. افزون بر این، حق دادرسی منصفانه به عنوان ابزاری برای تحقق و یا جلوگیری از نقض بسیاری دیگر از مصادیق حقوق بشر شناخته می‌شود. حال آن‌که پس از بهمن ۱۳۵۷ در ایران، از جمله حقوقی که به شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفت حق برخورداری از دادرسی منصفانه بود. مهم‌ترین تحول در این حوزه، برپایی محاکم انقلاب بود که اساسا برای رهایی از مقررات

۱ کانون وکلای آلمان ۱۸۷۱ م. تاسیس و در سال ۱۹۳۹ م. توسط دولت وقت آن کشور به رهبری آدولف هیتلر تعطیل شد. در سال ۱۹۹۴ م. توسط تعدادی از وکلای عالی رتبه دادگستری طی یک انتخابات آزاد تشکیل و آن را [هیئت قانون‌گذار] نامیدند تا با مسئولیت‌های محدود بر فعالیت وکلا نظارت داشته باشد.

۲ برگرفته از یادداشت دادرسی کیفری در ایران و استانداردهای بین‌المللی، محمد نیری، بی‌بی، سی فارسی.

دست‌وپاگیر آیین دادرسی به وجود آمدند. ساختار این دادگاه‌ها منطبق بر نظام قضایی اسلامی بود و از چند اصل عمده پیروی می‌کرد که از جمله می‌توان به «وحدت قاضی» و «یک درجه‌ای بودن رسیدگی» اشاره کرد. به این ترتیب آرای دادگاه‌های انقلاب که به وسیله حکام شرع صادر می‌شدند تا مدت‌ها قطعی بودند و در این پرونده‌ها رسیدگی دو مرحله‌ای و نظارت دیوان عالی کشور وجود نداشت. از دیگر سو تشکیل دادگاه‌های عمومی و حذف دادرها در دهه هفتاد شمسی که با نادیده گرفتن انتقادات شدید وکلا و حقوق‌دانان صورت گرفت، گامی بزرگ به عقب بود که این بار نه تنها حقوق متهمان بل، حقوق تمام افراد جامعه را مورد تهدید جدی قرار داد.

تفکری که زمینه‌ساز این تغییر شد خواهان هرچه بیش‌تر اسلامی کردن دادگاه‌ها و بازگشت کامل به محاکم سنتی اسلامی بود. هدف اصلی این تغییرات مراجعه مستقیم به حاکم شرع و حذف تشریفات قانونی مدرن به ویژه نهاد دادرسا معرفی شد. ناکارآمدی این سیستم در دنیای مدرن از ابتدا آشکار بود و کمتر از یک دهه پس از آن مسئولان را وادار کرد تا با تصویب قانون احیای دادرها «ویرانه‌ای را که با اراده و نظارت «محمد یزدی» ایجاد شده بود تا حدودی بازسازی نمایند. فراتر از این، بیش از حد ارزش‌نهادن به اقرار در نظام جزایی پس از بهمن ۵۷ و بی‌نیازنمودن دادگاه از بررسی سایر دلایل موجود در پرونده به زمینه‌ای جدی برای تمایل بازجویان برای اخذ اعتراف از متهمان ولو با توسل به شکنجه تبدیل شده است. در واقع نظام دادرسی کیفری فعلی ایران که با تصویب قانون احیای دادرها در سال ۱۳۸۱ به نظام کیفری پیش از ۱۳۵۷ شباهت بیشتری یافته است، با ترکیبی ناهمگون از دو سیستم «تفتیشی» و «اتهامی» و نظام دادرسی اسلامی است.^۱ بر همین مبنا دادرسی کیفری به دو مرحله «رسیدگی مقدماتی» و «دادرسی» تقسیم شده است که مرحله نخست در دادرسا و مرحله دوم در دادگاه صورت می‌گیرد. در یک نگاه کلی، نظام آیین دادرسی کیفری در ایران فاصله زیادی با اصول دادرسی منصفانه و موازین بین‌المللی دادرسی دارد و می‌توان آن را زمینه‌ساز بسیاری از موارد نقض حقوق بشر دانست. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱ ترکیب ناهمگون سیستم «تفتیشی» و «اتهامی» در آیین دادرسی کیفری در ایران.

نقض حقوق افراد بازداشت‌شده

هر فردی که تحت بازداشت قرار می‌گیرد، باید بتواند از دلایل دستگیری خود مطلع شود و در اسرع وقت با وکیل خود تماس بگیرد و مسئله دستگیری او و بازداشتش به خانواده او اعلام گردد. این ضمانت اجراها برای رفع خطر ناپدیدشدن‌ها و مقابله با بازداشت‌های فراقانونی پیش‌بینی شده‌اند. این حق ابتدایی در مورد بسیاری از بازداشت‌شدگان به خصوص در پرونده‌هایی که برچسب امنیتی بر خود دارند، رعایت نمی‌شود. گاه به فرد بازداشتی تا مدت‌ها اجازه تماس با خانواده‌اش داده نمی‌شود و یا از این وسیله به عنوان حربای برای اجبار به همکاری و اخذ اعتراف استفاده می‌شود. به علاوه تفهیم اتهام و اطلاع از دلیل دستگیری و همچنین برخورداری از وکیل، گاه تا پایان بازجویی که ممکن است ماه‌ها به طول بیانجامد و در بسیاری از موارد با حبس در سلول انفرادی توأم است، به تاخیر می‌افتد.

شکنجه و اخذ اعتراف اجباری

بیش از حد ارزش‌نهادن به اقرار در نظام جزایی پس از انقلاب و بی‌نیاز کردن دادگاه از بررسی بقیه دلایل موجود در پرونده به زمینه‌ای جدی برای تمایل بازجویان برای اخذ اعتراف از متهمان ولو با توسل به شکنجه تبدیل شده است. چنین رویکردی در تعارض جدی با استانداردهای دادرسی جزایی در دنیای امروز قرار دارد که همواره به ارزش و اعتبار اقرار متهم با دیده تردید نگریسته است و هر گونه شکنجه و رفتار تحقیرآمیز با متهمان را به طور مطلق منع می‌کند.

محدودیت برای وکلای مدافع

به موجب قانون آیین دادرسی کیفری سابق، شرکت وکیل مدافع در محاکمات جزایی در بسیاری از موارد (از جمله اکثر پرونده‌های در صلاحیت دادگاه انقلاب) به مرحله دادگاه محدود شده و قاضی به سهولت می‌تواند متهم را به بهانه وجود مفسده یا محرمانه‌بودن موضوع از داشتن وکیل مدافع در هنگام تحقیقات مقدماتی در مرحله دادرسی محروم کند. گرچه این وضعیت در قانون آیین دادرسی کیفری جدید اندکی تعدیل شده است، اما اصلاح تبصره ماده ۴۸ این قانون حق انتخاب

وکیل در پرونده‌های امنیتی را به لیست وکلای تایید شده توسط رئیس قوه قضاییه محدود کرده است. در مرحله دادگاه نیز دادگاه‌های انقلاب انواع محدودیت‌ها را در رابطه با دسترسی به پرونده و متهم اعمال می‌کنند و برای نمونه از دادن کپی اوراق پرونده و یا حتی نسخه‌ای از رای دادگاه به متهم یا وکیل او خودداری می‌کنند. این محرومیت‌ها می‌تواند نتیجه پرونده را به کلی تغییر دهد و اهمیت آن در جرایم مهم که احتمال مجازات‌های سنگین از قبیل اعدام، قطع عضو و حبس طولانی‌مدت وجود دارد دو چندان می‌شود. اگر محدودیت‌ها بر وکلا و نقض استقلال کانون وکلا و نیز ناکارآمد بودن سیستم وکالت تسخیری برای افرادی که امکان تعیین وکیل انتخابی ندارند را نیز به این مجموعه اضافه کنیم، تنها می‌توان آن را نقض کامل و همه جانبه حق دفاع دانست.

افزون بر این موارد از یک سو تبصره ذیل ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و ابلاغ اسامی ویژه، در حقیقت «نفی اعتبار کانون وکلا» و نیز «هانت به خیل عظیم وکلا» است. از دیگر فراز این قانون بنا به دلایل گوناگون از جمله تعارض با مواد اصل‌های مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۳۵ و حتی موازین شرعی، نقطه عطف منفی در کارنامه شورای نگهبان خواهد بود. همچنین دخالت قوه قضاییه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت» است. حال آن‌که در بسیاری از کشورهای جهان حتی در مرحله دستگیری و تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل به متهم تفهیم و تذکر داده می‌شود که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود از پاسخ‌دادن به پرسش‌ها امتناع ورزد. از جمله تضمین‌هایی که برای حفظ حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری پیش‌بینی می‌شود، حضور و شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی است.

غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها

کلیه مراحل رسیدگی در دادگاه‌های انقلاب غیر علنی است و اجازه حضور افراد جامعه و حتی اعضای خانواده متهم در جلسه دادگاه داده نمی‌شود. البته باید توجه داشت با وجود آن‌که علنی بودن دادرسی یکی از اصول دادرسی منصفانه است ولی این اصل مطلق نیست. به عبارت دیگر امکان غیر علنی برگزار شدن دادگاه در صورتی که علت

موجهی مانند رعایت حقوق خصوصی و اخلاق عمومی و یا امنیت کشور اقتضا کند، وجود دارد. اما در هر حال علنی بودن رسیدگی یک اصل است و اعلام غیر علنی بودن آن تنها با دلایل بسیار جدی و فارغ از تصمیمات سلیقه‌ای ممکن است و نمی‌تواند به طور سیستماتیک اعمال شود. از این بیش علنی بودن رسیدگی برای جرایم سیاسی در قانون اساسی رژیم اسلامی به طور مطلق مورد تاکید قرار گرفته ولی هرگز اجرا نشده است. محاکمه جرایم سیاسی در حضور هیئت منصفه نیز وضعیت مشابهی دارد و به بهانه عدم تعریف جرم سیاسی معطل مانده است.

فقدان استقلال قضایی

به موجب ماده پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرکس حق دارد به پرونده قضایی او به طور منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود. بر همین مبنا هم دادگاه و دستگاه قضایی باید مستقل باشد و هم قاضی در صدور رای باید تنها قانون و وجدان را ملاک قرار دهد و توجهی به دستورها، سفارش‌ها و تهدیدهای دیگران نکند و بیم انفصال، تنزل رتبه و تغییر محل خدمت نداشته باشد. استقلال در تصمیم‌گیری لازمه قضاوت عادلانه است و ضمانت اجرایی مهمی برای حفظ حقوق و آزادی‌های متهمان است. بدون این استقلال، دادرسی عادلانه تحقق پیدا نمی‌کند. با این وجود مسئولان عالی قوه قضاییه که به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط رهبر منصوب می‌شوند، به طور مرتب بر تبعیت کامل از دستورات رهبر یا برخورد شدید با گروه خاصی از متهمان تاکید کرده و یا در اظهارنظرهای خود از گرایش سیاسی خاصی حمایت می‌کنند که نقض آشکار استقلال قضایی است. از دیگر فراز اختیارات گسترده‌ای که به نهادهای نظامی و امنیتی برای بازجویی و تحقیقات مقدماتی داده شده و همچنین نفوذ آن‌ها بر روی مقامات قضایی و تصمیمات دادگاه به ویژه در دادگاه انقلاب به حدی است که گاه ابتدایی‌ترین امور مانند رسیدگی به نیازهای پزشکی متهمان بدون اجازه مأموران امنیتی مقدور نیست. به این موارد می‌توان احضار و بازداشت‌های فراقانونی، اطلاق عنوان ضابط قضایی به نیروهای نظامی و شبه‌نظامی مانند سپاه و بسیج، رسیدگی‌های فوری و گاه چند دقیقه‌ای، عدم استفاده از مترجم برای متهمان غیر فارسی‌زبان،

عدم تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان، فرآیند معیوب تجدید نظرخواهی در پرونده‌های دادگاه انقلاب به‌ویژه مواد مخدر، بی‌تخصصی قضات و بسیاری موارد دیگر را افزود که بررسی آن‌ها مجال مستقلى می‌طلبد.

فرجام سخن

وکالت شایسته و دادگستری شایسته در پرتو دادرسی عادلانه و حقوق بشر

بین‌المللی

اصول اساسی راجع به نقش وکلا مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان است که در ۲۷ اوت تا سپتامبر ۱۹۹۰ م. در هاوانا، کوبا برگزار شد. از جمله این اصول این است که به استناد منشور سازمان ملل، ملل جهان اراده‌شان را مبنی بر ایجاد شرایطی که به موجب آن عدالت حفظ شود تصدیق می‌کنند و دستیابی به همکاری بین‌المللی در ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب به عنوان یکی از اهدافشان اعلام می‌کنند.^۱ نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر اصول تساوی در برابر قانون برائت، حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه بی‌طرف و مستقل و همه مقتضیات لازم برای دفاع از هر کسی که متهم به یک جرم کیفری است را محترم می‌شمارد. همچنین میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی حق محاکمه بدون تاخیر ناموجه و حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه صالح مستقل و بی‌طرف تاسیس شده به وسیله قانون را اعلام می‌دارد و میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی تعهد دولت‌ها به موجب منشور برای ترویج احترام جهانی و توجه به حقوق بشر و آزادی‌ها را یادآوری می‌کند.

تهیه و تدوین قوانین مترقی با استانداردهای بین‌المللی حقوقی در سیستم دادرسی کارآمد به‌ویژه «جایگاه برجسته قضات و وکلا» است. زیرا که ارائه مستندات و مدارک به قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا توسط وکیل و با تضمین دفاع از داده‌ها و به نفع موکل از یک‌سو و اصدار احکام و اجرای قوانین بر عهده قضات از دیگر فراز است و بدیهی‌ست به فرض پیش‌بینی و تدوین قوانین و مقررات عدم وجود قضات سالم، فاضل و دانای حقوق

۱ متن این سند در ضمیمه انتهای کتاب آمده است.

و دانشمند، خلائی جدی و غیرقابل جبران در رسیدن به عدالت یعنی هدف مترتب بر دادرسی عادلانه خواهد بود. بدین اساس گزینش قضات متخصص و وکلای میرز مستقل، متعهد و آموزش پیوسته قضات به پدیده‌های حقوقی نوین و استفاده از سازوکارهای کارآمد نظارت بر عملکرد قضایی تحقق دادرسی عادلانه را امکان‌پذیر خواهد نمود.

با تصویب مقررات بین‌المللی مربوط به «دادگستری و وکالت»، تغییر بنیادین در مفاهیم و اصول و ویژگی‌های عرفی این دو نهاد حقوقی به وجود آمد و سبب گردید؛ این دو نهاد بشری به تناسب ضرورت‌ها و الزامات ملی و بین‌المللی رشد کرده و به نهادهای شناخته‌شده‌ای تبدیل شده و موضوع «وکالت شایسته و دادگستری شایسته» به تدریج مطرح گردد.

در این بین دادرسی عادلانه، از مسائل اساسی و بنیادین حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار رفته و از ویژگی‌های اساسی آیین دادرسی کیفری و بین‌المللی نوین در سطح ملی و بین‌المللی محسوب می‌گردد. دادرسی عادلانه، از اصول و معیارهای متعدد حقوقی مانند اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل شخصی‌بودن مسئولیت جزایی، اصل تساوی افراد در برابر قانون، اصل برائت متهم، اصل حق سکوت، اصل منع شکنجه، اصل تفهیم اتهام به متهم، اصل دسترسی به مترجم، اصل علنی‌بودن دادگاه‌ها و محاکمات، اصل بی‌طرفی قضایی و استقلال قضات، اصل حق انتخاب وکیل و حق دفاع، اصل حق دفاع وکیل، اصل تضمین دوباره دادرسی (تجدید نظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی) و... تشکیل می‌گردد.

بدین ترتیب، وکالت شایسته، عبارت از نهاد حقوقی مربوط به امر دفاع و استیفای حقوق موکلین در چهارچوب دادگستری شایسته و مبتنی بر استقلال وکالت و وکیل و معیارهای حقوقی، قانونی و بین‌المللی نشأت گرفته از حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حسب مورد در زمان صلح و جنگ پرتو نظام دادرسی عادلانه و تضمینات دفاع و وکالت در دادرسی است.^۱

لازمه وجود یک دادگستری شایسته، تفکیک قوا و استقلال عینی و عملی آن‌ها از یکدیگر است. قوه قضاییه منطقی در فضای تفکیک قوا به سمت دادگستری شایسته

۱ محمدرضا زمانی درمزاری (فرهنگ)، وکالت و دادگستری شایسته در پرتو حقوق بشر بین‌المللی، واحد مطالعات حقوق بشر موسسه حقوقی و بین‌المللی زمانی، تهران، ۱۳۹۲ خورشیدی.

راهبری می‌شود. دادگستری شایسته به نظام قضایی قانون‌مند و مبتنی بر اصول حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بشردوستانه مربوط به قضاوت و وکالت اطلاق می‌گردد که در آن، ضمن استقلال کامل نهاد قضایی و وکالتی، بی‌طرفی قضایی، آزادی بیان، حق انتخاب آزادانه وکیل، حق دفاع در تمامی مراحل دادرسی‌های حقوقی و کیفری، استقلال و تضمینات حقوقی و قانونی وکالت و وکیل در امر دفاع، نهادینه و همگانی شده و دادگستری مزبور، بر اساس شاخصه‌های دادرسی عادلانه و بین‌المللی اداره می‌گردد.

حسب مورد در زمان صلح و جنگ شکل گرفته و تعریف، تثبیت و نهادینه کردن آن در تمامی سطوح و ابعاد نهاد قضاوت و وکالت پیوند وثیقی دارد.^۱

هنجارها و اصول مقرر در حقوق بشر بین‌المللی، گرایش به سمت وکالت و دادگستری شایسته در پرتو جهانی شدن دادرسی عادلانه در جهان داشته و بر لزوم رعایت آن‌ها از سوی دولت‌ها و ملل متحد تاکید دارند. با این وجود، واقعیات و محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی مشهود و موجود در این رابطه، اشکالات متعددی را برای ایجاد بستری مناسب جهت تحقق این نظام حقوقی بین‌المللی فراهم خواهد کرد.

نگارنده بر این باور است که غلبه اصل «نظریه هر وکیل، یک جامعه» به عنوان سخن‌گوی افکار عمومی و حامی حقوق اساسی شهروندان و تقدم و برتری جهات متعدد دادرسی عادلانه مطرح بوده و مبتنی بر رعایت و حکومت حقوق کامل شهروندی و حقوق بشر بین‌المللی مربوط به قضاوت و وکالت می‌باشد.

با نقض استقلال قضایی و قضاوت به مانند عدم استقلال وکالت و وکیل و نیز مرعی‌نداشتن اصول و معیارهای جهانی وکالت و دادگستری شایسته، نباید انتظار تحقق نظام دادرسی عادلانه و اصول اساسی مطروحه در قانون اساسی کشورها و اسناد حقوق بشری بین‌المللی را در این ارتباط داشت. برخورد با آزادی بیان و رسانه، نقض مستمر و مکرر حقوق شهروندی مردم و شهروندان، نقض حقوق صنفی وکلای دادگستری و مدافعان حقوق اساسی و شهروندی مردم، تعقیب قضایی مدافعان حقوق بشر و فعالان حقوق بشری، سلب تضمینات حقوقی و بین‌المللی وکالت و قضاوت و مصونیت‌های حرفه‌ای و قانونی آن‌ها، هدایت محاکمات به صورت سیاسی، فرمایشی و ویژه؛ بدون برگزاری علنی

۱ دادگستری شایسته بر پایه موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی، محمدرضا زمانی درمزاری (فرهنگ)، همان منبع.

آنها و عدم پذیرش واقعی حق دفاع، تعقیب بعدی وکلا و مدافعان حقوق مردم و تلاش برای اعمال سلب صلاحیت‌های مربوطه آنها، با نگاهی حذفی و سیاسی، نابرابری عملی مسئولان و مردم در برابر قانون و پاسخ‌گویی بدان و بروز و ظهور پدیده مذموم فساد و رانت و تبعیض‌های پیدا و پنهان ناشی از آن، بی‌احترامی مستمر و مکرر به حقوق اساسی، شهروندی و حقوق بشری مردم و شهروندان و هر ملت و...، به معنای مُثله کردن بی‌تردید حق خواهی، عدالت‌جویی و قانون‌مندی مردم و وکلای مدافع آنها بوده که نه با الزامات حقوقی اساسی هر دولت و کشوری سازگار بوده و نه مبتنی بر نظام دادرسی عادلانه است و نه در انطباق با موازین حقوقی و بشری بین‌المللی قرار دارد و خود نیز، زمینه‌ساز روزافزون ناهنجاری‌ها و نارسائی‌های مختلف و متعدد اجتماعی، سیاسی و قضایی و بی‌اعتمادی مستمر مردم و شهروندان و عدم مشروعیت اقدامات و تصمیمات اتخاذ شده و ترویج استبداد و خودمحموری‌های غیر قانونی و سیاسی دولت‌ها و نظام سیاسی دولت‌های مربوطه را فراهم خواهد آورد.

بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد؛ نظر به این‌که نتیجه دادرسی منصفانه در دادرسی کرامت‌مدار ریشه دارد، دستگاه عدالت کیفری باید به حیث منزلت متهمان و بزه‌کاران به عنوان یک انسان به تعقیب و محاکمه آنها مبادرت نمایند و اتهام شهروندان باید در قلمرو مراجع قضایی (قضات) صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف، دانای حقوق، با رعایت قانون و به‌صورت دقیق تحت رسیدگی قرار گیرد و متناسب‌سازی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری با خصیصه‌های جرم [تعریف و تبیین روشن از جرم و نیز تناسب جرم و مجازات]، مرتکبان بزه‌کاری و بزه‌دیدگان از جمله اصول حاکم بر آیین دادرسی است تا به این جهت رسیدگی کیفری با دقت و توجه به همه مولفه‌های مربوط به پدیده مجرمانه انجام پذیرد.

در وضعیت کنونی نظام حقوقی در ایران به رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه و اندراج آن در قانون اساسی و قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی تعریف صریح، شفاف و روشنی از آن به عمل نیاورده است. از دیگر سو مداخلات نهاد قضایی مبنی بر عدم استقلال کانون وکلای دادگستری و به حاشیه‌راندن وکلا ادامه دارد.

بنا بر آنچه پیش از این گفته شد از یک سو تبصره ذیل ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و ابلاغ اسامی ویژه، در حقیقت «نفی اعتبار کانون وکلا» و نیز «اهانت به خیل عظیم وکلا» است. از دیگر فراز این قانون بنا به دلایل گوناگون از جمله تعارض با مواد اصل‌های

مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۳۵ و حتی موازین شرعی نقطه عطف منفی در کارنامه شورای نگهبان خواهد بود. همچنین دخالت قوه قضاییه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت» است.

در واقع حاکمیت اسلامی که تعهد و ایدئولوژی را مقدم بر تخصص و تسلط بر علم حقوق می‌داند تا کنون نتوانسته‌اند در محاکم بین‌المللی قاضی داشته باشند و به طریق اولی نمی‌توانند در این زمینه سرمایه‌گذاری نمایند. هنگامی که برای تدوین و یا بازنگری و اصلاح قوانین جزایی و آیین دادرسی کیفری همواره از کتاب‌های تحریرالوسیله جلد (۱ و ۲) روح‌الله خمینی به عنوان مرجع استفاده می‌گردد فاقد آن صلاحیت لازم علمی / تخصصی و تجربه در گزینش و انتخاب قضات است.

از دیگر فراز هیچ نهادی حق تعرض به وکلای دادگستری و حقوق‌دانان را به هنگام انجام وظیفه ندارد. رسالت حرفه‌ای آنان دفاع از «حق‌آزادی» است. حقوق‌دانان و وکلای شایسته بر اساس دانش و دانایی حقوق، مسئولیت اجتماعی خود، وظیفه روشن‌گری و آگاهی‌رسانی حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین شهروندان را دارند. در واقع بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی نه امکان جامعه‌ای عادلانه و نه امکان اعتلای آن خواهد بود. از این بیش بر اساس اصل معتبر حقوقی «اصل برائت» اساساً وکیل دادگستری با توجه به دارا بودن پروانه وکالت، حق وکالت و ورود به هر پرونده‌ای را بر اساس قانون دارد و گزینش وکلا نمی‌تواند به دلیل «فقدان معیار، مبنا و مرجع» قانونی و شرعی باشد. به دیگر سخن سیاست نهادینه شده در قوه قضاییه از ابتدا تا کنون بر اساسی پایه‌ریزی شده است که به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی، حداقل امکانات را در اختیار متهمان قرار دهد. مورد اخیر اما هم شوک‌آور و هم نگران‌کننده است. در تاریخ قضایی ایران و حتی دیگر کشورها که دیکتاتوری حاکم است، چنین رویکردی وجود نداشته است. اما این شیوه رایج سرکوب‌گران برای تثبیت این موضوع در افکار عمومی است.

ضمیمه یک: سند اصول اساسی نقش وکلا (مصوب سازمان ملل)^۱

دو قطعنامه هشتمین کنگره سازمان ملل (برگزار شده در اوت تا سپتامبر ۱۹۹۰ م. در هاوانا، کوبا) در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان از این قرار است: ۱. راهنما در مورد نقش دادستان‌ها، ۲. اصول اساسی راجع به نقش وکلا. بخش‌هایی از این اسناد در ادامه می‌آید

۱. راهنما در مورد نقش دادستان‌ها

نظر به این‌که در منشور ملل متحد ملل جهان اراده‌شان را مبنی بر ایجاد شرایطی که به موجب آن عدالت حفظ شود تصدیق می‌کنند و دستیابی به همکاری بین‌المللی در ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب را به عنوان یکی از اهدافشان اعلام می‌دارند نظر به این‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر اصول تساوی در برابر قانون برائت و حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه بی‌طرف و مستقل را پاس می‌دارد نظر به این‌که هنوز غالباً فاصله‌ای بین تصور متضمن این اصول و وضعیت واقعی وجود دارد؛

۱ قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص نقش دادستان‌ها و نقش وکلا، وبسایت حقوق امروز.

نظر به این که سازمان و اجرای عدالت در هر کشور باید ملهم از آن اصول باشد و تلاش‌هایی در جهت تبدیل آن‌ها به واقعیت صورت گیرد؛

نظر به این که دادستان‌ها در اجرای عدالت نقش حیاتی بازی می‌کنند و نقش‌های مربوط به اجرای مسئولیت‌های خطیر آن باید احترام و پیروی آنان را از اصول فوق‌الذکر ترویج کند تا در عدالت کیفری منصفانه و مساوی و حمایت موثر از افراد در مقابل جرم مشارکت کنند؛

نظر به کسب اطمینان از این که دادستان‌ها دارای صلاحیت‌های شغلی لازم برای انجام وظایفشان هستند، از طریق روش‌های پیشرفته استخدام و آموزش شغلی و قانونی و از طریق تدارک تمامی وسایل لازم برای اجرای مناسب نقش‌شان در مبارزه با جرم به ویژه در اشکال و ابعاد جدیدش ضروری است؛

نظر به این که مجمع عمومی به توصیه پنجمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان در قطعنامه ۳۶/۱۶۰ مورخ ۱۷ دسامبر دستورالعملی برای مقامات مجری قانون اتخاذ کرد؛

نظر به این که در قطعنامه شماره ۱۶ از ششمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان از کمیته پیشگیری از جرم و کنترل آن در خواست شد تا تشریح دستورالعمل‌های مربوط به استقلال قضات و انتخاب آموزش شغلی و وضعیت قضات و دادستان‌ها را در بین اولویت‌هایش قرار دهد؛

نظر به این که هفتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان اصول اساسی راجع به استقلال قوه قضاییه را اتخاذ کرد که بعداً توسط مجمع عمومی در قطعنامه ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ م. و ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ تصدیق شد؛

نظر به این که اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت توصیه می‌کند تا اقداماتی در سطوح ملی و بین‌المللی برای ترویج دستیابی به عدالت و رفتار منصفانه جبران غرامت و کمک به قربانیان جرم صورت گیرد؛

و نظر به این که در قطعنامه شماره ۷ از هفتمین کنگره از کمیته درخواست شد تا ضرورت دستورالعمل مربوط به انتخاب آموزش شغلی و وضعیت قضات وظایف و عملکرد مورد انتظار آن‌ها راه‌های توسعه مشارکت در عملکرد روان نظام عدالت کیفری و همکاری

با پلیس حیطه اختیارات احتیاطی و نقش خود در دادرسی‌های کیفری را مورد بررسی قرار داده و نتیجه را به کنگره‌های آتی سازمان ملل گزارش کند؛

دستورالعمل مشروحه ذیل که برای کمک به دولت‌های عضو در وظایفشان نسبت به تامین و ترویج کارایی بی‌طرفی و انصاف دادستان‌ها در دادرسی‌های کیفری تنظیم شده‌اند باید به وسیله دولت‌ها مورد احترام قرار گرفته و در چارچوب قانون‌گذاری و رویه ملی آن‌ها در نظر گرفته شوند و باید به اطلاع دادستان‌ها و نیز اشخاص دیگر همچون قضات، وکلا، اعضای قوه مجریه، قوه قضاییه و مردم بطور عمومی رسانده شوند. دستورالعمل حاضر مقدماتاً برای دادستان‌های عمومی تنظیم شد اما به تناسب برای دادستان‌هایی که به طور خاص و موقت منتصب می‌شوند نیز به طور مساوی قابل اعمال است.

صلاحیت‌ها، انتخاب و آموزش

۱. اشخاص برگزیده به عنوان دادستان باید افرادی دارای توانایی و با تحصیلات و صلاحیت‌های مناسب باشد.
۲. دولت‌ها باید تضمین کنند که:

الف) معیارهای انتخاب دادستان‌ها تضمیناتی در مقابل انتصابات بر مبنای طرفداری یا تعصب باشند و هر گونه تبعیض علیه یک شخص به خاطر نژاد، رنگ، جنسیت و زبان مذهب عقیده سیاسی یا غیر آن منشا ملی اجتماعی یا قومی، مال، تولد، وضعیت اقتصادی یا غیر آن را مستثنا کنند به جز آن‌که الزام نامزد پست دادستانی به داشتن تابعیت کشور مورد نظر را نباید تبعیض‌آمیز تلقی کرد

ب) دادستان‌ها تحصیلات و آموزش مناسب داشته باشند و باید از آرمان‌ها و وظایف اخلاقی مقامشان و از حمایت‌های قانون موضوعه و قانون اساسی از حقوق مظنون و قربانی و نیز از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده توسط قانون ملی و بین‌المللی آگاه باشند.

وضعیت شرایط خدمت

۳. دادستان‌ها به عنوان ضروری اجرای عدالت باید در همه اوقات احترام و شان شغلشان را حفظ کنند.

۴. دولت‌ها باید تضمین کنند که دادستان‌ها قادر خواهند بود تا وظایف شغلی آن‌ها را بدون ترس، مانع، اذیت، نفوذ ناروا یا بدون آن‌که به بطور غیر موجه در معرض مسئولیت مدنی کیفری و غیره قرار گیرند، انجام دهند.

۵. دادستان‌ها و خانواده‌هایشان باید هنگامی که امنیت شخصی آن‌ها در نتیجه اجرای وظایف حرفه‌ای مورد تهدید قرار می‌گیرد توسط مقامات تحت حمایت فیزیکی قرار گیرند

نقش در دادرسی کیفری

۱. منصب دادستان‌ها باید صریحا از وظایف قضایی جدا باشد.

۲. دادستان‌ها باید نقش فعالی در دادرسی‌های کیفری ایفا کنند؛ از جمله شروع پیگرد و در جایی‌که به وسیله قانون یا مطابق با رویه محلی مجازند در تحقیقات جرم نظارت بر مشروعیت این تحقیقات، نظارت بر اجرای احکام دادگاه و انجام وظایف دیگر به عنوان نمایندگان منفعت عمومی.

۳. دادستان‌ها باید بر طبق قانون، وظایفشان را عادلانه، استوار و سریع و موثر انجام دهند و به شان انسانی احترام بگذارند و از آن حمایت کنند و حقوق بشر را مورد حمایت قرار دهند و در نتیجه در تضمین روند مقتضی و عملکرد روان نظام عدالت کیفری مشارکت کنند. دادستان‌ها در انجام وظایفشان باید:

الف) وظایفشان را بی‌طرفانه انجام دهند و از هر گونه تبعیض سیاسی، اجتماعی، مذهبی، نژادی، فرهنگی، جنسی یا انواع دیگر تبعیض اجتناب کنند.

ب) از نفع عمومی حمایت کنند، با بی‌طرفی عمل کنند، به موقعیت مظنون و قربانی توجه کنند و به همه شرایط مربوط بدون در نظر گرفتن این‌که آن‌ها به نفع یا زیان مظنون هستند، توجه کنند.

ج) موضوعاتی که در دستشان قرار دارد، محرمانه نگه دارند مگر آن‌که انجام وظیفه یا ضروریات عدالت ایجاب کند.

۲. اصول اساسی راجع به نقش وکلا

نظر به این‌که در منشور ملل متحد ملل جهان اراده‌شان را مبنی بر ایجاد شرایطی که به موجب آن عدالت حفظ شود، تصدیق می‌کنند و دستیابی به همکاری بین‌المللی در ترویج

و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب به عنوان یکی از اهدافشان اعلام می‌کنند. نظر به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر اصول تساوی در برابر قانون برائت حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه بی‌طرف و مستقل و همه مقتضیات لازم برای دفاع از هر کسی که متهم به یک جرم کیفری است را محترم می‌شمارد؛

نظر به این که میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، مضافاً حق محاکمه بدون تاخیر ناموجه و حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه صالح مستقل و بی‌طرف تاسیس شده به وسیله قانون را اعلام می‌دارد. نظر به این که میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعهد دولت‌ها به موجب منشور برای ترویج احترام جهانی و توجه به حقوق بشر و آزادی‌ها را یادآوری می‌کند؛

نظر به این که اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل از توقیف یا حبس مقرر می‌دارد که فرد بازداشت‌شده حق دریافت کمک و تماس و مشاوره با مشاور حقوقی را دارد. نظر به این که قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان به‌ویژه توصیه می‌کند که معاضدت حقوقی و تماس محرمانه با وکیل باید برای زندانیانی که محاکمه نشده‌اند، تضمین شود؛

نظر به این که تضمینات حراستی تضمین‌کننده حمایت از آن‌هایی که با مجازات مرگ روبه رو هستند، حق هر کسی به مظنون یا متهم به جرمی است که مجازات اعدام ممکن است برای آن اعمال شود را برای معاضدت حقوقی کافی در همه مراحل رسیدگی و مطابق با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تصدیق می‌کنند؛

نظر به این که اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت توصیه می‌کند تا اقداماتی در سطوح ملی و بین‌المللی برای ترویج دستیابی به عدالت و رفتار عادلانه جبران غرامت و کمک به قربانیان جرم صورت گیرد؛

نظر به این که حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین که همه افراد مستحق آن هستند خواه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواه مدنی و سیاسی باشند، مستلزم آن است که همه افراد دسترسی موثر به خدمات حقوقی حرفه حقوقی مستقل داشته باشند و نظر به این که انجمن‌های شغلی و کلا نقش حیاتی در برقراری اصول اخلاقی و معیارهای حرفه‌ای حمایت از اعضایشان در مقابل پیگرد و محدودیت‌ها و تجاوزات نامناسب

تامین خدمات حقوقی به همه نیازمندان و همکاری با نهادهای دولتی و دیگر نهادها در افزایش عدالت و نفع عمومی بازی می‌کنند؛

اصول اساسی راجع به نقش وکلا مشروحه در ذیل که برای کمک به دولت‌های عضو در وظیفه ترویج و تضمین نقش مناسب وکلا تنظیم شده‌اند، باید توسط دولت‌ها در چارچوب قانون‌گذاری و عرف ملی آن‌ها مورد احترام قرار گیرند و باید به اطلاع وکلا و نیز دیگر اشخاص از قبیل قضات دادستان‌های اعضای قوه مقننه و مجریه و مردم بطور کلی برسند. این اصول به طور مناسب بر اشخاصی که وظایف وکلا را بدون آن‌که وضعیت رسمی وکلا را داشته باشند انجام می‌دهند نیز، باید اعمال شوند.

دسترسی به وکلا و خدمات حقوقی

۱. همه اشخاص حق دارند تا به انتخاب خود از یک وکیل کمک بخواهند تا در همه مراحل رسیدگی کیفری از حقوقشان حمایت و دفاع کند.

۲. دولت‌ها باید آیین‌های موثر و روش‌های پاسخ‌دهنده برای دسترسی مساوی و موثر به وکلا برای همه افراد در قلمروشان و تحت صلاحیتشان تامین شده است را بدون تمایز از هر نوع مثل؛ تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، منشا قومی، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیر آن منشا اجتماعی یا ملی، سال تولد، وضعیت اقتصادی یا غیر آن تضمین کنند.

۳. دولت‌ها باید تامین وجوه کافی و دیگر منابع برای ارائه خدمات حقوقی به کم‌بضاعتان و در صورت لزوم دیگر اشخاص زیان‌دیده را تضمین کنند. انجمن‌های شغلی وکلا باید در سازماندهی و ارائه خدمات تسهیلات و دیگر منابع همکاری کنند.

۴. دولت‌ها و انجمن‌های شغلی وکلا باید برنامه‌هایی برای مطلع‌ساختن عموم از حقوق و وظایفشان به موجب قانون و نقش مهم وکلا در حمایت از آزادی‌های بنیادین را ترویج کنند. در کمک به فقرا و دیگر اشخاص زیان‌دیده باید توجه خاص کرد تا آن‌ها قادر باشند حقوق خود را به اثبات رسانند و در صورت لزوم از وکلا کمک بخواهند.

تضمینات خاص در موضوعات عدالت کیفری

۱. دولت‌ها باید تضمین کنند که همه اشخاص هنگام دستگیری یا بازداشت یا وقتی

که به یک جرم کیفری متهم می‌شوند بلافاصله توسط یک مقام صالح، از حقشان در کمک‌خواستن از یک وکیل به انتخاب خودشان آگاه خواهند شد.

۲. هر یک از چنین اشخاصی که وکیل ندارند باید در تمام موارد که عدالت چنین اقتضا می‌کند، حق داشتن وکیل با تجربه و با صلاحیت متناسب با ماهیت جرم نسبت داده شده به آن‌ها را داشته باشند تا کمک حقوقی موثر را بدون پرداخت پول ارائه کند. در صورتی که آن‌ها منابع کافی برای پرداخت در مقابل چنین خدماتی را نداشته باشند.

۳. دولت‌ها باید همچنین تضمین کنند که همه اشخاص دستگیر یا بازداشت‌شده با اتهام کیفری یا بدون آن، دسترسی فوری به وکیل خواهند داشت و در هر صورت نداشتن این امکان تا ۴۸ ساعت بعد از زمان دستگیری یا بازداشت قانونی نخواهد بود.

۴. باید به همه اشخاص دستگیر، بازداشت یا زندانی‌شده امکان، فرصت و تسهیلات کافی جهت ملاقات، تماس و مشاوره با یک وکیل، بدون تأخیر ممانعت یا سانسور عقاید و به طور کاملاً محرمانه داده شود. چنین مشاوره‌هایی ممکن است تحت نظر مقامات اجرایی انجام شود اما نباید قابل استماع باشد.

صلاحیت‌ها و آموزش

۱. دولت‌ها، انجمن‌های شغلی و کلا و موسسات آموزشی باید تضمین کنند که وکلا دارای تحصیلات و آموزش مناسب هستند و از آرمان‌ها و وظایف اخلاقی وکیل و حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده توسط حقوق ملی و بین‌المللی مطلع شده‌اند.

۲. دولت‌ها، انجمن‌های شغلی و کلا و موسسات آموزشی باید تضمین کنند که برای ورود به حرفه حقوقی و ادامه آن هیچ گونه تبعیضی علیه یک فرد از حیث، نژاد، رنگ، منشا قومی، مذهب، عقیده سیاسی یا غیر آن منشا اجتماعی یا ملی، سال تولد، وضعیت اقتصادی یا غیر آن وجود ندارد. البته این شرط که یک وکیل باید تابعیت کشور مربوطه را داشته باشد تبعیض‌آمیز محسوب نمی‌شود.

۳. در کشورهایی که گروه‌ها، جوامع یا مناطقی وجود دارند که نیاز آن‌ها به خدمات حقوقی برآورده نشده است به‌ویژه جایی که چنین گروه‌هایی دارای فرهنگ‌ها، سنن یا زبان‌های متمایز هستند یا قربانی تبعیض در گذشته شده‌اند، دولت‌ها، انجمن‌های شغلی، و کلا و موسسات آموزشی باید اقدامات خاصی به عمل آورند تا به نمایندگی از این گروه‌ها فرصت

داده شود وارد حرفه حقوقی شوند و باید تضمین کنند که این نمایندگان آموزش متناسب با نیازهای گروه‌هایشان را دریافت خواهند کرد.

وظایف و مسئولیت‌ها

۱. وکلا باید در تمام اوقات احترام و شان شغلشان را به عنوان عوامل ضروری اجرای عدالت حفظ کنند.

۲. وظایف و کلا نسبت به موکلانشان عبارتند از:

(الف) مطلع‌ساختن موکلان از حقوق و تعهدات قانونیشان و از عملکرد نظام قانونی تا جایی که به حقوق و تعهدات قانونی موکلان مربوط می‌شود.

(ب) کمک به موکلان به هر طریق متناسب و اقامه دعوی برای حمایت از منافع آن‌ها (ج) کمک به موکلان در مقابل دادگاه‌ها، محاکم یا مقامات اداری هنگام لزوم.

۱. وکلا در حمایت از حقوق موکلانشان و در ترویج منشأ عدالت باید حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده توسط حقوق ملی و بین‌المللی را تقویت کنند و در همه اوقات آزادانه و با پشتکار، مطابق با حقوق و معیارها و اصول اخلاقی شناخته شده حرفه حقوقی عمل کنند.

۲. وکلا باید همیشه منافع موکلانشان را با وفاداری در نظر بگیرند.

ضمانت‌های عملکرد وکلا

۳. دولت‌ها باید تضمین کنند که وکلا:

(الف) قادرند وظایف حرفه‌ای‌شان را بدون ترس، مانع، اذیت یا نفوذ ناروا انجام دهند. (ب) قادرند مسافرت کنند و با موکلان خود آزادانه هم در کشور خودشان و هم در خارج مشاوره کنند.

(ج) به خاطر هر گونه اقدام بر طبق وظایف حرفه‌ای، معیارها و اصول اخلاقی شناخته‌شده، مورد تهدید برای پیگرد یا ضمانت اجراهای اداری اقتصادی و غیره نخواهند بود.

۴. وقتی امنیت وکلا در نتیجه انجام وظایفشان مورد تهدید قرار می‌گیرد، آن‌ها باید به قدر کفایت تحت حمایت مقامات قرار گیرند.

۵. وکلا نباید به خاطر انجام وظایفشان به نام موکلانشان یا پرونده‌های موکلانشان مورد شناسایی قرار گیرند.
۶. هیچ دادگاه یا مقام اداری که حق مشاوره در مقابل آن شناخته شده است نباید از شناسایی حق یک وکیل در حضور نزد آن از جانب موکلش امتناع کند، مگر آن‌که وکیل بر طبق قانون و رویه ملی و مطابق با این اصول صلاحیت نداشته باشد.
۷. پیوستن باید از مصونیت کیفری و مدنی برای اظهاراتی که با حسن نیت در لوایح کتبی یا دفاعیات شفاهی یا در حضور حرفه‌ای نزد دادگاه محکمه یا دیگر مقام اداری یا قانونی به عمل می‌آورند، برخوردار باشند.
۸. وظیفه مقامات صلاحیت‌دار است تا دسترسی وکلا به اطلاعات پرونده‌ها و اسناد متناسب در اختیار یا کنترلشان را در وقت کافی تضمین کنند تا وکلا قادر باشند کمک حقوقی موثر به موکلانشان ارائه کنند. چنین دسترسی باید در اولین زمان مناسب تأمین شود.
۹. دولت‌ها باید مسئله را شناسایی و محترم بشمارند که کلیه ارتباطات و مشاوره‌های بین وکلا و موکلینشان در چارچوب روابط شغلی محرمانه می‌باشد.

آزادی بیان و مشارکت

۱. وکلا همانند دیگر افراد حق آزادی بیان، عقیده، مشارکت و شرکت در اجتماعات را دارند. خصوصاً آن‌ها باید حق شرکت در بحث‌های عمومی در خصوص موضوعات مربوط به قانون اجرای عدالت و ترویج و حمایت از حقوق بشر و پیوستن به یا تشکیل سازمان‌های محلی یا بین‌المللی و حضور در جلسات را بدون تحمل زیان شغلی ناشی از عمل قانونی یا عضویتشان در یک سازمان قانونی را داشته باشند. در اعمال این حقوق، وکلا باید همیشه مطابق با قانون و موازین و اصول اخلاقی شناخته شده شغلشان رفتار کنند

انجمن‌های صنفی وکلا

۲. وکلا حق تشکیل و شرکت در انجمن‌های شغلی مستقل به منظور بازنمایی منافعشان ارتقا تحصیلات و آموزش مستمر و حمایت از تمامیت شغلی خود را دارند. هیئت اجرایی انجمن‌های شغلی باید توسط اعضایش انتخاب شود و وظایفش را بدون دخالت بیرونی انجام دهد.

۳. انجمن‌های صنفی وکلا به منظور تضمین این مسئله که هر شخص دارای حتی دسترسی موثر و مساوی به خدمات حقوقی می‌باشد و این که وکلا قادرند بدون دخالت نابه‌جا به موکلینشان، مطابق قانون و معیارها و اخلاقیات شغلی مشاوره و کمک دهند با حکومت همکاری نمایند.

رسیدگی‌های انضباطی

۱. مجموعه نظام‌نامه رفتار حرفه‌ای وکلا توسط صنف حقوقی از طریق ارگان‌های ذی‌ربط یا از طریق قانون‌گذاری مطابق قانون و عرف داخلی و معیارها و هنجارهای بین‌المللی شناخته شده ایجاد می‌شود.

۲. اتهامات و شکایات علیه وکلا در مورد صلاحیت شغلیشان به صورت مقتضی و عادلانه بر طبق آیین مناسب رسیدگی می‌شود. وکلا حق بر رسیدگی عادلانه مشتمل بر داشتن حق وکیل به انتخاب خودشان را دارند.

۳. رسیدگی‌های انضباطی علیه وکلا باید نزد کمیته انضباطی بی‌طرف توسط صنف حقوقی ایجاد شود یا نزدیک یک مرجع قانونی مستقل یا نزد دادگاه طرح شود و تابع تجدیدنظر قضایی مستقل باشد.

۴. تمامی رسیدگی انضباطی مطابق مجموعه مقررات شغلی و دیگر معیارها و اخلاقیات شناخته شده صنف حقوقی و در پرتو این اصول تعیین می‌شود.

ضمیمه دو: منشور اساسی اصول حرفه‌ای اتحادیه اروپا درباره وکلا ی اروپایی^۱

تنها در یک جامعه مبتنی بر احترام به اصول عدالت است که یک وکیل دادگستری می‌تواند نقش برجسته‌ای ایفا نماید. ماموریت یک وکیل دادگستری نه تنها اجرای درست و فاقد هر گونه عیب و نقص وکالت‌نامه در محدوده قانونی بوده، بلکه باید با هوشیاری تمام مراقب اجرای حقوق و منافع که او وظیفه دفاع از آن‌ها را بر عهده دارد، باشد. از دیگر سو، تکلیف وکیل دادگستری در رابطه با موکلش نیز تنها به دفاع از امر موضوع اختلاف موکلش محدود نمی‌شود بلکه باید مانند مشاور برای او باقی بماند. احترام به ماموریت وکیل یکی از ضرورت‌های اساسی حکومت قانون‌گرا و یک جامعه دموکرات است. (ماده ۱.۱ قانون اصول حرفه‌ای وکلای اروپایی)

در اتحادیه اروپا علیرغم تفاوت در سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو، اصول اساسی مشترکی برای وکلای اروپایی وجود دارد که در واقع این اصول هستند که قوانین ملی و بین‌المللی که کشورها در خصوص حرفه وکالت به تصویب می‌رسانند را پایه‌گذاری می‌کنند.

۱ منشور اصول اساسی حرفه وکالت در اتحادیه اروپا، اسکودا.

وکلای اروپایی مطیع این قوانین در واقع در جهت مدیریت صحیح دستگاه عدالت و دسترسی به دادگاه و حقوق مناسب در ارتباط با فرایند منصفانه این که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقتضی می بیند، می باشند.

به جهت منافع همگانی کانون های وکلا، دادگاه های تالی و عالی، قانون گذاران، دولت ها و سازمان های بین المللی باید به اصول اساسی که در ذیل می آیند احترام گذاشته و از آن ها محافظت نمایند.

اصول اساسی حرفه وکالت در اتحادیه اروپا به ترتیب ذیل می باشند:

۱. اصل استقلال و آزادی تضمین دفاع از حقوق موکل و ارائه مشاوره حقوقی.
۲. اصل احترام به اسرار حرفه ای و اعتماد در خصوص اموری که به او محول گردیده است.
۳. اصل اجتناب از تعارض منافع، خواه در حالت تعدد موکلان یا در حالت رابطه میان وکیل و موکل.
۴. اصل شرافت، احترام و درستی.
۵. اصل وفاداری و صداقت از دیدگاه موکل.
۶. اصل ملایمت در خصوص حق الوکاله.
۷. اصل صلاحیت حرفه ای.
۸. اصل صمیمیت و رفاقت.
۹. اصل احترام به دولت قانون مدار و مشارکت در اداره صحیح دستگاه عدالت.
۱۰. اصل تنظیم خودکار حرفه وکالت (L'autoregulation de la Prifession)

شورای کانون های وکلای کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اتفاق آرای منشور اصول اساسی، حرفه وکالت اروپایی را در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ به تصویب رساند که در واقع این منشور حاوی ۱۰ اصل اساسی و مشترک حرفه در اتحادیه اروپا می باشد.

حق دفاع متهم یا خوانده دعوا در حقیقت مبنای احترام به این اصول مشترک و سنگ بنای دیگر حقوق اساسی در یک جامعه دموکراتیک می باشد.

منشور مزبور به مثابه یک سند اروپایی به منظور کمک کردن به کانون های وکلای کشورهای اروپایی که در حال کشمکش با دولت هایشان جهت شناسایی استقلال کانون های

و کلاً از دولت‌ها عمل کرده و همچنین وظیفه بالابردن سطح دانش و کلای دادگستری، تصمیم‌گیرندگان و عموم جامعه در خصوص اهمیت نقش وکالت در جامعه را بر عهده دارد منشور با چکیده‌ای در مقدمه قانون اصول حرفه وکالت اروپایی بدین گونه شروع می‌شود که:

احترام به ماموریت وکالت یکی از شرایط اساسی دولت قانون‌مدار در یک جامعه دموکراتیک است. دولت قانون‌مدار مفهومی شدیداً وابسته به دموکراسی می‌باشد که در اروپای غربی شاهدش هستیم.

اصل اول، اصل استقلال و آزادی تضمین دفاع از حقوق موکل و ارائه مشاوره حقوقی

وکیل باید از نظر سیاسی، اقتصادی و فکری در اجرای وظیفه مشاوره و نمایندگی از موکلش آزادانه عمل کرده و مستقل باشد. این بدان مفهوم است که وکیل دادگستری و حرفه وکالت باید از حاکمیت و قوای عمومی و قدرت‌های اقتصادی مجزا بوده و او نباید استقلالش را با عضویت در یک انجمن تجاری مثلاً یک شرکت تجاری به مخاطره اندازد. وکیل دادگستری باید از نقطه نظر موکلش نیز مستقل باقی بماند. موکلی که به جهت استقلال وکیلش به او اعتماد می‌کند در رابطه با اشخاص ثالث، دادگاه‌های تالی و عالی باید از این استقلال بهره مند شود. در واقع وکیل غیرمستقل از نظر موکل نمی‌تواند متضمن کیفیت کاری بالایی باشد.

اساسنامه عضویت در یک حرفه مستقل و آزاد و اقتداری که از این اساسنامه ناشی می‌شود به حفظ استقلال اعضا کمک می‌کند و کانون‌های وکلا نیز موظف به ایفای نقشی مهم در جهت حفظ استقلال وکلای عضو می‌باشند.

تنظیم خودکار حرفه وکالت نیز از سوی دیگر برای پاس‌داشت استقلال حرفه وکالت حیاتی است که در اصل دهم بدان می‌پردازیم.

همگان پذیرفته‌اند که در یک جامعه بسته - غیر دموکراتیک - وکلای دادگستری از حمایت کردن حق دفاع موکلانشان منع می‌شوند و در واقع می‌توان حالت ممنوع‌شدن وکلا از وکالت مستقل نسبت به موکلینشان را به مثابه زندانی کردن یا مرگ حرفه‌شان محسوب کرد.

اصل دوم، اصل احترام به اسرار حرفه‌ای و اعتماد در خصوص اموری که به او محول گردیده است

در حرفه وکالت ضروری است که وکیل نسبت به اسراری که توسط موکل به او گفته می‌شود مانند اطلاعات خیلی خصوصی و اسرار تجاری با ارزش و تمام آنچه که یک وکیل دادگستری به مناسبت وکالتش و در واقع به سبب اعتمادی که موکل به او دارد رعایت رازداری را نموده و از انتقال آن اسرار به اشخاص ثالث خودداری نماید.

در واقع بدون وجود حس اعتمادی که موکل به وکیلش دارد اعتمادی حقیقی و اصیل به وجود نمی‌آید. منشور در واقع یک رابطه دوگانه اصل اعتماد را برقرار می‌نماید که نه تنها اصل اعتماد را یک تکلیف برای وکیل به شمار می‌آورد بلکه از سوی دیگر یک حق ذاتی و اساسی که موکل باید از آن بهره برد را برای او در نظر می‌گیرد.

در بعضی از سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو حقوق مربوط به اسرار حرفه‌ای فقط شامل موکل می‌شود در حالی که در بعضی دیگر وکیل می‌تواند اطلاعاتی که به جهت شناسایی حقیقت امر از طرف دعوا کسب می‌کند را از موکلش پنهان نگه دارد. تعهد به حفظ اسرار حرفه‌ای موکل از سوی وکیل باید حتی بعد از ختم جریان دادرسی و مختومه شدن پرونده رعایت گردد.

اصل سوم، اصل اجتناب از تعارض منافع

خواه در حالت تعدد موکلان یا در رابطه میان وکیل و موکل جهت اجرای بی‌عیب و نقص حرفه وکالت، وکیل دادگستری باید از تعارض منفعت خودداری نماید. در حقیقت یک وکیل دادگستری نمی‌تواند از دو موکل در یک پرونده مشابه - در صورتی که تعارض بالفعل یا حتی خطر تعارض منافع میان این دو موکل وجود دارد - قبول وکالت بنماید.

همچنین وکیل باید از قبول وکالت شخصی که او اطلاعات محرمانه‌ای از موکل سابق یا حال حاضر (فعلی) در اختیار دارد امتناع ورزد و نیز وکیل دادگستری نباید پرونده موکلی که با او تعارض منافع دارد قبول نماید. اگر حالت اخیر تعارض منافع میان وکیل و موکل در زمانی بعد از قبول وکالت از سوی وکیل رخ دهد وکیل باید رابطه وکالتی خویش را با شخص اخیر پایان دهد.

در حالت کلی این اصل با اصول اعتماد، استقلال، وفاداری و صداقت بصورت تنگاتنگ در ارتباط می‌باشد.

اصل چهارم، اصل شرافت، احترام و درستی

در جهت ایفاء نقشی صحیح در جامعه و کالت وکیل دادگستری باید خودش را موقر و با متانت نشان دهد. به عبارت دیگر وکیل دادگستری نباید کاری کند که نه تنها خدش‌های به شهرتش وارد آید. بلکه همچنین رفتارش نباید باعث آسیب به حرفه و کالت از تمامی جهات و اعتمادی که عموم جامعه به حرفه و کالت دارند وارد آورد.

عبارت فوق تنها بدین مضمون نیست که وکیل نه تنها باید از تمام جهات عالی و بی عیب و نقص باشد، بلکه علاوه بر آن نباید در انجام حرفه و کالت یا در دیگر فعالیت‌های اجتماعی و حتی در زندگی شخصی رفتاری ناشایست از خود بروز دهد که در واقع این‌گونه رفتارها می‌تواند سبب بی‌اعتباری حرفه و کالت نزد عموم شود.

چنین رفتارهای ناشایستی می‌تواند مجازات‌هایی را شامل شده و حتی در حالت‌های شدید می‌تواند مجازاتی چون اخراج (محرومیت دائم از حرفه و کالت) را در بر داشته باشد

اصل پنجم، اصل وفاداری از دید موکل

وفاداری و صداقت به موکل از ضرورت‌های حرفه و کالت است. در حقیقت موکل باید بتواند نسبت به وکیلی که جهت مشاوره و دفاع از خویش برمی‌گزیند اعتماد داشته باشد.

آنچه در جهت ایجاد حس صداقت در موکل مهم و قابل توجه است، توجه به این نکته می‌باشد که وکیلی که انتخاب می‌کند مستقل (اصل اول) و قابل اعتماد در خصوص حفظ اسرار حرفه‌ای بوده (اصل دوم) و از تعارض منافع اجتناب نماید (اصل سوم).

بعضی از جنبه‌های بسیار حساس اصول حرفه و کالت از واکنش‌های متقابل از یک سو میان اصول صداقت و وفاداری نسبت به موکل و از سوی دیگر اصول شرافت، احترام و درستی، احترام به صمیمیت و رفاقت و مخصوصاً احترام به دولت قانون مدار و مشارکت در مدیریت صحیح دستگاه عدالت نشئت می‌گیرد.

در چارچوب پاسخ به سوالات مرسوم وکیل نباید صریحاً به موکلش خاطر نشان سازد که او نمی‌تواند تکالیف و کالتی خویش را در رابطه با دادگاه‌های تالی و عالی و نیز مدیریت

عدالت به جهت ارائه یک امر خلاف نزاکت به نام موکل به مخاطره اندازد.

اصل ششم، اصل رعایت نرمش و ملایمت در اخذ حق الوکاله

وکیل دادگستری باید حق الوکاله و دستمزدهایی که از موکلش مطالبه می‌کند را به طور کامل و شفاف به او توضیح دهد و هزینه‌های مزبور باید منصفانه و معقول بوده و در راستای احترام به آن دسته از حقوق و قواعد حرفه‌ای باشد که وکیل دادگستری موظف به رعایت آن‌ها می‌باشد.

هرچند که قوانین حرفه‌ای (اصل سوم در خصوص تعارض منافع) و منشور اهمیت اجتناب تعارض منافع میان وکیل و موکل را خاطرنشان می‌سازند ولی مسئله حق الوکاله وکیل چنین خطری را بیش‌تر نشان می‌دهد. در نتیجه اصل فوق‌الشاره متضمن این نکته است که ضرورت وجودی قواعد حرفه‌ای بیانگر این نکته است که نمی‌توان از موکل مبالغه‌گزافی مطالبه و بر او تحمیل کرد.

اصل هفتم، اصل صلاحیت حرفه‌ای

اصل فوق بدان معنی است که وکیل نمی‌تواند راسا تکالیف و اختیارات مندرج در وکالتنامه در خصوص مشاوره و دفاع از موکل در دادگاه را تکمیل نماید، در صورتی که به موکل اطلاعات مقتضی در خصوص اختیارات تفویضی ارائه نداده است.

امروزه تشکیلات حرفه‌ای دائمی اهمیت روزافزون ارائه پاسخی سریع و مناسب با تغییرات حقوق را مانند سایر رشته‌ها مانند تکنولوژی و اقتصاد را - چه در تئوری و چه در عمل - پذیرفته‌اند. قواعد صلاحیت حرفه‌ای خاطرنشان می‌سازند که وکیل نباید نسبت به اموری که صلاحیت حرفه‌ای ندارد اعلام وکالت نماید.

اصل هشتم، اصل احترام به صمیمیت و رفاقت

این اصل در واقع مهم‌تر از آن چیزی است که نزاکت اجباری خوانده می‌شود و در واقع اصل فوق رابطه نزدیکی با نقش وکیل به عنوان یک میانجی که باید به او اعتماد کرد و حقایق را نزدش بازگو کرده و قول‌هایش را بپذیریم، دارد.

اداره صحیح دستگاه عدالت ضروری می‌داند که یک وکیل دادگستری بتواند با احترام

تمام در جهت حل و فصل اختلافات با ماهیت مدنی فیما بین شهروندان وارد شود و همچنین فرض نفع اجتماعی ضروری می‌بیند که وکیل دادگستری با حسن نیت برخورد کرده و دیگران (افراد دعوا و سایر افرادی که حسب سمتی که در پرونده دارند) را فریب ندهد.

احترام متقابل بین همکاران از یک سو اداره صحیح و خوب دستگاه عدالت را تسهیل نموده و به حل اختلافات از طریق یک توافق نامه دوجانبه کمک نموده و نیز از سوی دیگر به موکل نیز یاری می‌رساند.

اصل نهم، احترام به دولت قانون مدار و مشارکت در اداره صحیح دستگاه عدالت

نویسندگان منشور فوق یکی از ماموریت‌های وکیل دادگستری را به مثابه شخصی که به اداره صحیح دستگاه عدالت یاری می‌رساند توصیف می‌کنند.

در حقیقت به تبع همین ایده است که بعضی اوقات حرفه وکالت دادگستری را یکی از تابعان دستگاه عدالت معرفی می‌کنند.

یک وکیل دادگستری نباید هیچ گاه آگاهانه اطلاعات نادرست و شبهه‌انگیز ارائه دهد و نیز او نباید تحت هیچ عنوان در چارچوب فعالیت‌های حرفه خویش به اشخاص ثالث اظهارات دروغ بنماید.

ممنوعیت‌های فوق گاهی اوقات در تعارض با منافع مستقیم و بی‌واسطه موکل و نیز در موارد دیگر در مقابل رفتار متضادی که میان منافع موکل و آن منافی که نهاد وکالت دادگستری بر اساس آن شکل گرفته تا به دستگاه عدالت در حل و فصل اختلافات یاری رساند، می‌باشند.

اصل دهم، اصل تنظیم خودکار حرفه وکالت (L'autorégulation de la profession)

یکی از مشخصات جوامع غیر دموکراتیک این است که حکومت خواه آشکارا و یا به طور پنهان فعالیت‌های حرفه‌ای وکلا و حرفه وکالت را تحت نظر دارد.

باید خاطر نشان ساخت که تصویب مقررات مربوط به حرفه وکالت به دو صورت انجام

می‌گیرد: یا به صورت تصویب مقررات حرفه وکالت توسط حکومت و یا به صورت تنظیم خودکار حرفه وکالت. در موارد بسیاری حکومت به عنوان کسی که از اهمیت اصول اساسی حرفه وکالت آگاهی دارد توسط قوه قانون‌گذاری با هدف حمایت از حرفه وکالت در آن مداخله می‌نماید یا حتی گاهی اوقات این جنبه دخالت به صورت اعطای اختیار قانونی به قانون‌های وکلای دادگستری در جهت نگارش مقررات حرفه وکالت بروز می‌کند.

شورای قانون‌های وکلای اتحادیه اروپا مطمئن است که تنها یک درجه بالای تنظیم خودکار است که می‌تواند ضامن استقلال حرفه وکالت از حکومت‌هایشان باشد. در پایان باید یادآوری کرد که وکلای دادگستری غیرمستقل نمی‌توانند وظایف حرفه‌ای و قانونی خودشان را کامل بپندارند.

ضمیمه سه: گزیده‌ای از آیین‌نامه وکلای دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا

استقلال

به استناد آیین‌نامه وکلای دادگستری وکیل باید از هر اقدامی که موجب صدمه به استقلال او می‌شود پرهیز نماید. او باید همیشه مراقبت نماید که در جهت خوشایند موکلش، قاضی و یا دیگر اشخاص، اخلاق حرفه‌ای و کالت را زیر پا نگذارد. وجود این استقلال در مورد انجام خدمات حقوقی ترافعی و غیر ترافعی ضروری است. مشاوره‌ای که وکیل به مراجعه‌کننده‌اش می‌دهد، در صورتی که صرفاً برای خوشایند مراجعین و یا برای حفظ منافع شخصی خود یا ناشی از فشارهای خارجی بوده باشد و در آن‌ها اخلاق حرفه‌ای رعایت نشده باشد، هیچ گونه ارزش واقعی ندارد. بر طبق آیین‌نامه وکلای دادگستری اعضای شورای کانون‌های وکلای اروپایی ملزم هستند مقررات حرفه‌ای خود را به دبیرخانه شورا ارسال نمایند تا وکلا بتوانند از مقررات مذکور با مراجعه به دبیرخانه فتوایی تهیه نمایند.

منافع موکل

آیین‌نامه وکلای دادگستری بیان می‌کند که وکیل باید با رعایت موازین قانونی و حرفه‌ای

به بهترین وجه از حقوق موکلش دفاع کند، حتی اگر این کار با منافع خاص خود او یا یک همکار و یا منافع کلی او تعارض داشته باشد.

روابط با موکلین

وظیفه وکالتی وکیل از طریق اخذ وکالت از شخص موکل یا وکیل توکیلی او و یا تعیین او توسط مرجع ذیصلاح به عنوان وکیل یک شخص معین، شروع می‌شود. در موارد خاصی که در هویت و صلاحیت شخص موکل یا وکیل توکیلی یا مرجع ذیصلاحی که او را به عنوان وکیل تعیین کرده است ابهامی وجود داشته باشد، وکیل باید به هر شیوه معقول نسبت به احراز آن شرایط، اقدام نماید. وکیل باید در اسرع وقت، آگاهانه و با جدیت به مراجعه‌کننده‌اش مشورت داده و یا از حقوق او دفاع نماید. وی شخصا مسئول وظیفه‌ای است که به وی اعطا شده است. او باید مراجعینش را از میزان پیشرفت موضوع وکالت یا مشاوره آگاه سازد. وکیل نباید مورد وکالتی را که می‌داند و یا این که باید بداند صلاحیت لازم برای انجام آن را ندارد بپذیرد، مگر این که در آن مورد با یک همکار واجد شرایط همکاری نماید. همچنین وکیل نباید مورد وکالتی را که به دلیل تعهدات دیگرش، فرصت انجام آن را ندارد، بپذیرد. وکیلی که در صدد قطع همکاری با یک موکل برمی‌آید، باید مطمئن باشد که موکلش در یک زمان معقول از همکاری یک وکیل دیگر برخوردار خواهد شد.

تعارض منافع

بنا بر آیین‌نامه وکلای دادگستری وکیل نباید در یک موضوع مورد اختلاف به عنوان مشاور یا نماینده یا وکیل مدافع چندین نفر که بین آن‌ها تعارض منافع وجود دارد یا احتمال وجود چنین تعارضی را می‌دهد، ایفای نقش نماید.

در موارد زیر وکیل باید از قبول وکالت مراجعین خود، پرهیز کند:

- زمانی که احتمال تعارض منافع وجود دارد.
- زمانی که خطر نقض تعهد حفظ اسرار حرفه‌ای وجود داشته باشد.
- زمانی که احتمال خدشه بر استقلال وکالتی او وجود داشته باشد. وکیل نمی‌تواند در موردی که اسرار و اطلاعات موکل سابق وی در معرض افشا واقع

شود و یا این که آگاهی وکیل به امور موکل سابق، انگیزه مراجعه موکل جدید به او بوده باشد، وکالت موکل جدید را بپذیرد.

جنبه علنی مذاکرات

وکیل باید در هر شرایطی جنبه علنی مذاکرات را رعایت نماید. به عنوان مثال او نمی تواند بدون آن که قبلا وکیل طرف مقابل را مطلع نموده باشد، با قاضی رسیدگی کننده پرونده ارتباط برقرار کند. او نمی تواند اسناد و لوایحی را به قاضی ارائه دهد، مگر این که در یک فرصت کافی در این زمینه با وکیل طرف مقابل صحبت کرده باشد.

